

جهت دریافت نظر مردم و نخبگان

برنامه جامع و مشارکتی دوازدهمین دوره انتخاب ریاست جمهوری ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰

جهت الاسلام
پیدا
ابراهیم رئیسی





پیش خدای تبارک و تعالی کمتر خدمتی است که به اندازه خدمت به زاغه
نشینان فایده داشته باشد.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه





همه‌ی مسئولین باید در خدمت به مردم از یکدیگر سبقت بگیرند و يك
نهضت خدمت به مردم راه بیندازند.

مقام معظم رهبری عنه‌السلامه ۱۳۸۲/۰۱/۰۱



«نه بازگشت به گذشته و نه تحمل وضع موجود؛ بلکه

#تغییر به نفع مردم»



برنامه جامع عملیاتی رفع مشکلات کشور تا سال ۱۴۰۰

حجت الاسلام **آیت الله العظمی** **آية الله العظمی** **آية الله العظمی**

برنامه عملیاتی رفع مشکلات اقتصادی کشور
تا سال ۱۴۰۰

برنامه عملیاتی علم و فناوری
تا سال ۱۴۰۰

برنامه عملیاتی آموزش و پرورش
تا سال ۱۴۰۰

برنامه عملیاتی فرهنگی کشور
تا سال ۱۴۰۰

برنامه عملیاتی رفع مشکلات اجتماعی کشور
تا سال ۱۴۰۰

برنامه عملیاتی سیاست خارجی
تا سال ۱۴۰۰

برنامه ارتقای سیاست داخلی کشور
تا سال ۱۴۰۰

برنامه عملیاتی اداری مدیریتی کشور
تا سال ۱۴۰۰

فصل یک

۱	۱- برنامه عملیاتی رفع مشکلات اقتصادی کشور تا سال ۱۴۰۰
۲	۱-۱- مقدمه
۴	۲-۱- ملاحظات راهبردی برای تدوین برنامه عملیاتی
۵	۳-۱- مهمترین تحولات و جریانهای بین‌المللی و منطقه‌ای
۱۰	۴-۱- مهمترین تحولات و جریانهای داخلی
۱۰	۱-۴-۱- رکود و بلاتکلیفی فعالان اقتصادی
۱۱	۲-۴-۱- جمعیت
۱۲	۳-۴-۱- بازار کار و اشتغال
۱۴	۴-۴-۱- تولید و رشد اقتصادی
۱۸	۵-۴-۱- منابع و مصارف بودجه
۲۱	۶-۴-۱- تجارت کالاها و خدمات
۲۳	۷-۴-۱- نرخ ارز
۲۵	۸-۴-۱- حجم پول و نقدینگی
۲۶	۹-۴-۱- نرخ تورم
۲۹	۱۰-۴-۱- نابرابری
۳۰	۱۱-۴-۱- نظام بانکی، بدهی‌ها و نرخ سود
۳۱	۵-۱- مهمترین چالشهای ایران از منظر نماگرهای کلان
۳۱	۶-۱- اهداف و وضع مطلوب در اسناد بالادستی
۳۲	۱-۶-۱- قانون اساسی
۳۳	۲-۶-۱- سند چشم‌انداز
۳۴	۳-۶-۱- سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی
۳۴	۴-۶-۱- سیاستهای کلی اصل ۴۴ قانون اساسی
۳۴	۵-۶-۱- سیاستهای کلی دیگر
۳۵	۷-۱- ظرفیتهای اقتصاد ایران
۳۵	۱-۷-۱- ظرفیتهای جغرافیایی و اقلیمی
۳۶	۲-۷-۱- ظرفیتهای اقتصادی
۳۸	۳-۷-۱- ظرفیتهای ژئوپلیتیکی
۳۸	۴-۷-۱- ظرفیتهای فرهنگی
۳۹	۵-۷-۱- ظرفیت‌های اجتماعی و انسانی
۳۹	۶-۷-۱- ظرفیت‌های علمی
۴۰	۸-۱- راهبرد پیشرفت آینده کشور
۴۲	۹-۱- سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی
۴۲	۱-۹-۱- اقتصاد کلان
۴۲	۱-۱-۹-۱- ایجاد اشتغال

۴۴	۱-۹-۲- تقلیل وابستگی اقتصاد به نفت خام
	۱-۹-۳- مبارزه با فقر، حرکت به سوی توزیع متعادل فرصتها و
۴۴	درآمدها و توازن و توسعه منطقه‌ای
۴۶	۱-۹-۴- مقابله با ناکارآمدی و فساد
۴۷	۱-۹-۵- اصلاح ساختار بودجه دولت
۴۷	۱-۹-۶- مبارزه با قاچاق
۴۸	۱-۹-۷- بهبود محیط کسب و کار
۴۹	۱-۹-۸- توسعه رقابت‌پذیری
۴۹	۱-۹-۹- ارتقای بهره‌وری
۵۱	۱-۹-۱۰- توسعه دانش، فناوری و نوآوری
	۱-۹-۱۱- مردمی کردن اقتصاد / توسعه مشارکت عمومی - خصوصی
۵۲	برای توسعه زیرساخت
	۱-۹-۱۲- کارآمدسازی نظام تأمین مالی و اصلاح ساختار و عملکرد
۵۳	نظام بانکی
۵۴	۱-۹-۱۳- پایداری ارزی
۵۵	۱-۹-۱۴- اصلاح نظام مالیاتی
۵۵	۱-۹-۱۵- توسعه کارآفرینی
۵۷	۲-۹- آب
۵۹	۳-۹- بخش کشاورزی
۶۴	۴-۹- صنعت، معدن و تجارت
۶۸	۵-۹- نفت و گاز
۶۹	۶-۹- انرژی الکتریکی
۷۰	۷-۹- مسکن
۷۱	۸-۹- حمل و نقل
۷۲	۹-۹- فناوری اطلاعات و ارتباطات
۷۳	فصل دو
۷۴	۲- برنامه عملیاتی علم و فناوری تا سال ۱۴۰۰
۷۴	۲-۱- چالش‌ها و مشکلات پیش رو
۷۵	۲-۲- عوامل مؤثر در پیدایش و تقویت چالش‌ها و مشکلات
۷۵	۲-۳- راهبردهای جهش و تحول علمی به معنای واقعی
۷۶	۲-۴- عوامل مؤثر در پیدایش و تقویت چالش‌ها و مشکلات
۷۹	فصل سه
۸۰	۳- برنامه عملیاتی آموزش و پرورش تا سال ۱۴۰۰
۸۱	فصل چهار
۸۲	۴- برنامه عملیاتی فرهنگی کشور تا سال ۱۴۰۰
۸۲	۴-۱- هماهنگی و انسجام‌بخشی به مدیریت کلان فرهنگی کشور
	۴-۲- توانمندسازی مردم در نقش آفرینی فرهنگی براساس ارزشهای
۸۲	اسلامی-ایرانی



- ۸۲ ۳-۴- افزایش تولید برنامه های هنری سالم، فاخر و ارزشی
- ۸۲ ۴-۴- ترویج سبک زندگی اسلامی- ایرانی
- ۵-۴- گسترش و نهادینه کردن قرائت و تدبر در قرآن در میان همه افراد جامعه و حضورآموزههای آن در عرصه زندگی و همه برنامه ها و فعالیتها
- ۸۲ ۶-۴- ترویج فرهنگ عفاف و حجاب
- ۸۳ ۷-۴- بازآفرینی رسانه ای
- ۸-۴- ترویج و تقویت شاخه های مختلف هنر اسلامی با تاکید بر تربیت نیروی انسانی متعهد
- ۸۳ ۹-۴- تقویت نگاه فرهنگی دولت و تهیه پیوست فرهنگی برای طرحها
- ۸۴ براساس نقشه مهندسی فرهنگی
- ۱۰-۴- ایجاد نظام ارزیابی شاخص های کلان فرهنگی و استاندارد سازی محصولات فرهنگی
- ۸۴ ۱۱-۴- رونق تفریح و گردشگری
- ۸۴ ۱۲-۴- ورزش
- ۸۵ **فصل پنج**
- ۵- برنامه عملیاتی رفع مشکلات اجتماعی کشور تا سال ۱۴۰۰
- ۸۶ ۱-۵- حقوق اجتماعی در قانون اساسی:
- ۸۶ ۲-۵- مهم ترین برنامه های حوزه اجتماعی:
- ۸۶ ۱-۲-۵- حمایت از خانواده
- ۸۷ ۲-۲-۵- توسعه سلامت و تامین اجتماعی
- ۹۰ ۳-۲-۵- ارتقای هویت ایرانی- اسلامی
- ۹۱ ۴-۲-۵- مدیریت معضل حاشیه نشینی
- ۹۱ ۵-۲-۵- مدیریت پدیده اعتیاد
- ۹۲ ۶-۲-۵- اصلاح وضعیت بزهکاری
- ۹۳ **فصل شش**
- ۶- برنامه عملیاتی سیاست خارجی تا سال ۱۴۰۰
- ۹۴ ۱-۶- برجام
- ۹۵ ۲-۶- نفوذ منطقه ای ایران
- ۹۶ ۳-۶- دیپلماسی اقتصادی
- ۹۷ ۴-۶- مناسبات هدفمند خارجی
- ۹۹ **فصل هفت**
- ۷- برنامه ارتقای سیاست داخلی کشور
- ۱۰۰ **فصل هشت**
- ۱۰۱ ۸- برنامه عملیاتی اداری مدیریتی کشور تا سال ۱۴۰۰



ایران سربلند
رونق تولید و اشتغال با اقتصاد مقاومتی
برنامه عملیاتی رفع مشکلات اقتصادی کشور تا سال ۱۴۰۰



۱ برنامه عملیاتی رفع مشکلات اقتصادی کشور تا سال ۱۴۰۰

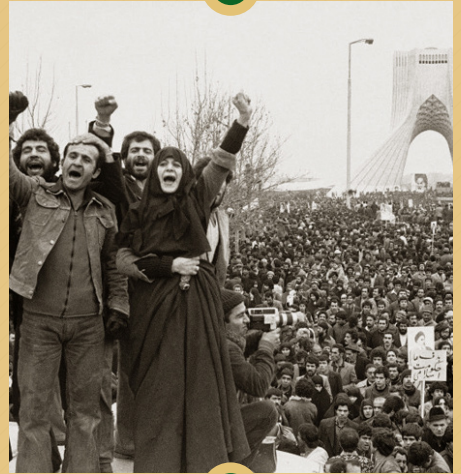
۱-۱- مقدمه

دولت دوازدهم در شرایطی پا به عرصه می نهد که کشور در بعد داخلی از توانمندی های عظیمی از جمله وجود رهبری آگاه و توانمند، قشر جوان عالم و دانشمند و بصیر و ملتی با کوله بار تجربه سه دهه انقلاب و نیروی فراوان مدیر متخصص و متعهد و علاقه مند به خدمت و زیرساختهای فراوان اقتصادی برخوردار است. در مقابل نیز، استکبار جهانی تمام ظرفیت خود را برای مقابله با این نظام مقدس به میدان آورده و با به راه انداختن جنگ تمام عیار اقتصادی در کنار تهاجم شدید فرهنگی و تهدیدات نظامی تلاش می کند به گمان خود مسیر انقلاب اسلامی را تغییر دهد. با توجه به این شرایط از نظر ما رئیس جمهور آینده تکلیف سنگینی بردوش دارد و باید با تدبیر کامل و پیروی از سیاستهای مقام معظم رهبری و استفاده از خرد عالمان متعهد و توان جوانان انقلابی و نیروی عظیم ملت با ایمان ایران و توانمندی های اعتقادی، فکری و اقتصادی موجود راه میان بر به سوی قله های پیشرفت و عدالت را طی نماید.

از یاد نبریم که انقلاب شکوهمند اسلامی با هدف برقراری نظام الهی و صیورت فردی و اجتماعی و آماده سازی جهان بشریت برای ظهور حجت حق (عج)، در سال ۱۳۵۷ به بار نشست. در واقع، انقلاب اسلامی بیش از آنکه عکس العملی اجتماعی در مقابل ظلم و جور حاکمان وقت باشد، بازگشتی به اندیشه نجات بخش اسلامی بود و امام راحل (ره) و مردم غیور ایران راه برون رفت از هرگونه ظلم و جور را در بازگشت به اسلام و اجرای ارزشهای الهی می دانستند و بر اساس همین خط فکری انقلاب کرده و نظام مقدس جمهوری اسلامی را بنیان نهادند. اما وفق جریان همیشگی تاریخ که قایل ها «یصدون عن سبیل...»، دشمنان انقلاب به هدایت و پشتوانه استکبار جهانی و در اشکال مختلف به تقابل با آن برخاستند. و نظام جمهوری اسلامی ایران را از روز تأسیس خود با انواع دشمنی ها و کارشکنی ها مواجه ساختند.

حذف نام مقدس «اسلام» از نظام جمهوری اسلامی، محوری ترین راهبرد آنها و نقطه شروع این تقابل بود. غائله های کردستان، خلق ترک و عرب، فتنه منافقین، فتنه جنگل و آمل، جنگ تحمیلی ۸ ساله و جنایاتی که به دست صدام بر این ملت ستم دیده روا داشتند همگی نمونه های این دشمنی هاست که به حمد الهی و به پایمردی مردم انقلابی، طرفی از آن نیستند اگر چه نظام اسلامی را از مصروف داشتن قابلیت ها و ظرفیت های بالقوه و بالفعل خود برای تحقق اهداف نظام، به دفاع در برابر این ناملایمات مشغول داشتند.

از آنجا که به حکم طبیعت شیطان استکبار، دشمنی با صفوف رحمانی، ریشه ای و مبنایی بوده و بر این اساس دائمی و مداوم است، اگر چه مبارزه آنها در شکل تقابل مستقیم نظامی، مبارزه مسلحانه گروه های معاند و... با از دست دادن عزیزانی از پاکترین و مقاومترین حامیان انقلاب (یعنی مردم کوچه و خیابان) رنگ باخت و در این برهه از زمان کنار گذاشته شد اما در شکل دیگری و با تقویت تقابل در عرصه های فرهنگی و سیاسی و هم در عرصه اقتصادی با ایجاد فشارها و تحریم ها تداوم یافت.





برنامه جامع توسعه در استان

ایجاد کانال های رادیویی و تلویزیونی متعدد، نفوذ در مبادی فرهنگی و سیاسی، ایجاد فتنه ۸۸ و در ابعاد اقتصادی، بلوکه کردن دارایی های کشور، تحریم های هوایی، دریایی، سرمایه گذاری، تعاملات تجاری و... و استفاده از پیچیده ترین روش ها، برای پشیمان کردن مردم هوشیار و مقاوم ایران از پیمودن راهی که برگزیده اند و در حافظه تاریخ برای صاحبان فکر و منزلت و کرامت و عزت ثبت خواهد شد، از جمله آنهاست. اما جمهوری اسلامی ایران با همه این مسائل و همه سرمایه هایی که در این تقابل از دست داد از خدمت رسانی و پیگیری اهداف انقلاب غافل نمانده و علی رغم همه ی دشمنی ها و توطئه های استکبار جهانی پیشرفته ها و دستاوردهای شگرفی در بسیاری از زمینه ها و عرصه های داخلی و خارجی که (که رهبری معظم انقلاب (مدظله العالی) در سخنرانی ابتدای سال ۹۶ در جوار حرم رضوی (س) به گوشه ای از آنها اشاره نمودند)، کسب نموده و اکنون به عنوان الگوی کشوری مستقل و حق طلب و ظلم ستیز و یک قدرت مطرح در تراز جهانی در چشم جهانیان مطرح است.

اما در مقایسه با آنچه باید باشیم در مقایسه با ظرفیت ها و امکانات و توانایی ها، و در قیاس با شایستگی های ملت فهیم ایران و قیاس با مسیری که رهبر معظم انقلاب در رسیدن به تمدن نوین اسلامی مطرح فرموده اند، کارهای نکرده و راههای نرفته زیادی باقی است.

در این برهه از تاریخ انقلاب، نکته مهم، توجه به چالش هایی است که در صورت تداوم، غفلت از آنها لطمات جبران ناپذیری به کشور وارد خواهد نمود. مشکلاتی در عرصه اقتصادی که علیرغم وجود برنامه های پنجساله توسعه، اسناد بالادستی و... و تلاش دولت های مختلف و دست اندرکاران کشور، همچنان تداوم یافته و در بعضی شاخص ها گسترده تر نیز شده است.

بدیهی است همچنان که ایجاد بنا بر زیربنای نامناسب امری غیرعقلانه است ایجاد سازوکارها و رویه های اقتصادی بر زیرساخت های نامناسب نیز امری بی حاصل خواهد بود به ویژه آن که در اصل صحت رویه های اصلاح شده نیز خللی وارد باشد. در اقتصاد ایران، ساختار سنتی و از طرفی بعضی سازوکارها و رویه های نامناسب و متباین با اصول انقلاب که از عدم توجه دقیق دست اندرکاران کشور در اقدام به سیاست های کلان ابلاغی نشأت گرفته و به قاعده ای برای سایر مشکلات کشور حتی در سایر حوزه ها تبدیل شده است به عنوان اساسی ترین علل ایجاد چالش های مهم اقتصادی کشور مورد توجه است. کما اینکه تداوم وضعیت نامناسب شاخص های کلان اقتصادی و... کشور مثل شاخص رشد اقتصادی، تورم، رکود و بیکاری، بهره وری، نرخ سرمایه گذاری، فقر و توزیع درآمد و ثروت، باعث آسیب های اجتماعی، اضمحلال بنای خانواده و... با درصد قابل توجهی از تاثیرگذاری گردیده است. سازوکارها و رویه هایی که ضمن برقراری در ساختارهای سنتی، خود برگرفته از نظامات و الگوهای غربی بوده و رویکردی مبتنی بر ارزش های غیر انقلابی دارند و ویژگی هایی که شاید از عدم درک دقیق مفاهیم بنیادین سیاست های ابلاغی و بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) از طرف مسئولین کشور و در بدترین شکل آن، از عدم اعتقاد و باور به این سیاست ها ناشی می گردد.

از این رو شایسته است به عنوان اساسی ترین راهبرد حل مشکلات



اقتصادی کشور که در این مقوله مورد بحث قرار گرفته است به «اصلاح ساختار(سنتی) اقتصاد کشور» و «ایجاد الزامات اجرایی سیاست های ابلاغی (اقتصاد مقاومتی)» و درک دقیق بایسته و شایسته مفاهیم بنیادین آن پرداخته به این نکته توجه شود که نظام اسلامی جز با ابتناء به الگوهای برگرفته از تفکرات اسلامی-الهی و الگوهای پیشرفت اسلامی-ایرانی با توجه به مقوم های آن که «مردمی کردن اقتصاد» و استفاده از تمامی ظرفیت های آن، از جمله اساسی ترین این مقوم ها خواهد بود راهی برای حل مشکلات کشور نخواهد داشت. از این رو، در تدوین برنامه حاضر، کوشش شده با توجه به مسائل کلیدی کشور، چارچوب مشخصی برای یک دوره چهارساله به عنوان میثاق روشن با مردم تعیین شود.

وظیفه تاریخی همه دولت ها در هر کجای جهان این است که تدابیری بیاندیشند تا کرامت و کیفیت زندگی مردم را ارتقاء دهند. با این وجود، تمامی کشورهای جهان اعم از کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته، کماکان با چالش های اقتصادی جوامع خود دست و پنجه نرم می کنند. جمهوری اسلامی ایران نیز از این دایره خارج نیست و چالش های اساسی اقتصادی انباشته شده در طول تاریخ و به ویژه دهه های گذشته را پیش روی خود دارد.

چالش های اقتصادی از زمانی تعمیق شد که بینش و تفکر سیستمی در بنیان های فکری در اداره جامعه کمرنگ شد. در این فرآیند، نگاه هستی شناسانه به انسان و جوامع در ابعاد اقتصادی یک بعدی شد و ابعاد اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی انسان از ابعاد اقتصادی آن منفک شد. این تفکر در عمل نه تنها در جوامع غیردینی، بلکه متأسفانه در جوامع دینی هم اشاعه پیدا کرد. علاوه بر آن، دولت ها حتی با رویکرد خیرخواهانه، به مداخلات گسترده و نسجیده ای به منظور ساماندهی اوضاع اقتصادی در جوامع پرداختند که در بعضی موارد حتی به بدتر شدن اوضاع اقتصادی انجامید. کشور ما نیز از این جریان غالب اندیشه و فکر در نظریه و عمل مستثنی نیست. به همین دلیل، پیشرفت و توسعه اقتصادی ایران، هم در ابعاد مادی و هم در ابعاد معنوی و هم نظریه و هم در عمل، با چالش ها و مشکلاتی مواجه بوده است.

با توجه به انبوه مشکلات، باید به موضوعات متنوعی برای ارتقای وضعیت زندگی مردم و ارتقای جایگاه کشور در سطح بین المللی پرداخته شود، که از جمله می توان به «ارتقای معیشت، ارتقای اعتماد مردم و ارتقای همه جانبه کیفیت زندگی» اشاره کرد. برای دستیابی به وضعیت مطلوب در این موضوعات متنوع، باید چالش های مهم کشور تحلیل شده و اهداف، راهبردها و برنامه عملیاتی با دقت طراحی شوند.

۱-۲- ملاحظات راهبردی برای تدوین برنامه عملیاتی

در شرایط حاضر، اقتصاد ایران از یک طرف با چالش های مزمن اقتصادی مواجه است که باید برای حل آن تدابیر موثری پیش بینی شود و از سوی دیگر، کشور دارای قانون اساسی و سند چشم انداز است که وضع مطلوب در آن ترسیم شده و رسیدن به وضع مطلوب، مستلزم اهتمام و طراحی برنامه موثر برای دستیابی به وضع مطلوب است. بنابراین، دولت آینده نه می تواند نسبت به حل چالش ها بی توجه باشد و نه



می‌تواند دستیابی به وضع مطلوب را نادیده انگارد. لذا برنامه باید به‌گونه‌ای باشد که این دو مجموعه را با همدیگر تلفیق کرده و مورد نظر قرارداد دهد. لذا برای مدیریت کشور و طراحی و اجرای برنامه‌ها، به دو تغییر مهم باید توجه کرد:

۱. **لزوم لحاظ پیچیدگی:** در شرایط کنونی کشور، هر مسأله با چند مسأله دیگر ارتباط داشته و زمانی مسائل حل خواهند شد که به طور یکپارچه بررسی شده و راه حل‌ها، به طور متوازن اجرا شوند. برای طراحی اهداف راهبردها باید همه بخش‌های مهم تحلیل شده و همه فعالیت‌ها در قالب یک پروژه بزرگ، به طور هماهنگ مدیریت و اجرا شوند. لذا رئیس جمهور آینده به جای پرداختن به مسائل کوچک‌تر و منفرد، باید به چند موضوع کلان و بزرگ با خاصیت جامع‌نگری و تأثیرگذاری عمده بپردازد.
۲. **لزوم لحاظ نقش مؤلفه‌های نرم:** پالایش و اصلاح قوانین، مقررات، فرایندها، سازوکارها، سازمان‌ها و رفتارها، در دوران معاصر گلوگاه پیشرفت کشور بوده و اهمیت بیشتری نسبت به مؤلفه‌های سخت (جاده، کارخانه و ...) یافته‌اند. لذا بازمهندسی و اصلاح زیرساخت‌های نرم یک اولویت مهم دولت آینده خواهد بود.
۳. **اصلاح نهادی:** مشکلات موجود در نظام و ساختار مدیریتی کشور، باعث بروز رانت‌ها و فسادها می‌شود. اصلاح نهادی تضادهایی با منافع برخی اشخاص خواهد داشت، بنابراین پیشبرد این موارد، نیاز به اقتدار و عزم راسخ برای مقابله به منافع نامشروع دارد. دولت آینده باید در این مورد عزم قطعی و اقتدار داشته باشد.
۴. **هماهنگی بین بخشی:** تحقق اهداف عملیاتی، نیازمند فعالیت‌ها و هماهنگی‌های بین بخشی است، ضعف در هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، مهمترین علت شکست و ضعف در اصلاح امور کشور است. لذا دولت آینده باید بتواند کابینه و تیمی منسجم، هماهنگ و هم‌فکر داشته باشد و با سایر قوا نیز تعاملی مثبت و سازنده داشته باشد.
۵. **تمرکز بر کارآمدی (به عنوان مشکل اصلی) و نه منابع مالی:** گلوگاه عمده برای حل مسائل مهم کشور، کارآمدی است و کمبود منابع مالی مشکل اصلی نیست.

۳-۱- مهم‌ترین تحولات و جریان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

در غالب جوامع امروزی به ویژه در کشورهای غربی، تامین رفاه اقتصادی و اجتماعی مردم بنیان‌های فکری-نظری اقتصادی را تشکیل می‌دهد و بخشی از اهداف توسعه جهانی‌سازی در راستای دستیابی به همین هدف و رویکرد، توجیه پذیر شده است. در این فرآیند، در طول تاریخ به ویژه از قرن ۱۴ میلادی به بعد، غالب کشورهای غربی برای گردش چرخ‌های اقتصادی به منظور ارتقای رشد اقتصادی، افزایش اشتغال و در نهایت تامین رفاه مردم کشورشان؛ به منابع و ظرفیت‌های اقتصادی دیگر کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه چشم دوخته‌اند. ذخیره فلزات گرانبها نظیر طلا و نقره در قرن‌های ۱۴ و ۱۵ میلادی و متعاقب آن تامین نیروی کار و مواد اولیه برای کارخانه‌های کشورهای پیشرفته، بخشی از این فرآیند را تشکیل می‌دهد. در همین چارچوب، صادرات کالاهای ساخته شده صنعتی کشورهای پیشرفته در مقابل واردات مواد اولیه از کشورهای در حال توسعه، در راستای زمینه‌سازی برای ایجاد اشتغال، رشد اقتصادی و رفاه آنها در دستور کار دولت‌های مسلط قرار گرفت و کماکان همین رویکرد به شکل نوین خود و شدیدتر،

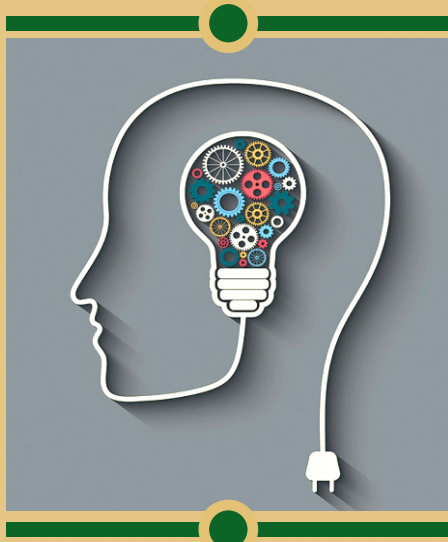


بدتر و پرفایده‌تر از گذشته برای غرب، تداوم دارد. در چارچوب رویکرد فکری فوق، نظریه های اقتصادی نیز در قالب بهره‌مندی از مزیت‌های مطلق، نسبی و رقابتی؛ مطرح شد و این نوع رویکردها، توسعه ارتباطات بین‌المللی را به نفع کشورهای استعمارگر را توجیه پذیر ساخت و پس از پایان جنگ جهانی دوم؛ نهادهای بین‌المللی مانند سازمان تجارت جهانی، صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی تاسیس و در زنجیره توسعه جهانی سازی، نقش منحصر بفردی را عهده‌دار شدند. پیامد این تفکرات نظری و نهادسازی های بین‌المللی، وابستگی کشورهای در حال توسعه را به کشورهای پیشرفته تشدید کرد. در دهه‌های اخیر این وابستگی شتاب بیشتری گرفته است. در همین راستا، سهم واردات کشورهای در حال توسعه از کشورهای پیشرفته که در سال ۲۰۰۰ رقمی معادل ۲۰ درصد بود، در سال ۲۰۱۳ به ۳۴ درصد افزایش یافت.

راهبردهای تامین سرمایه انسانی تحصیل‌کرده مورد نیاز کشورهای پیشرفته از کشورهای در حال توسعه در قالب مهاجرت نخبگان در کنار توسعه جریان سرمایه و مهم‌تر از آن نقل و انتقال دانش و فناوری، شکل نوینی به تامین نیروی انسانی آن کشورها داد تا نیاز آنها به نیروهای نخبه بدون صرف هزینه‌ای؛ از کشورهای در حال توسعه تامین شود و چرخه تفکر استعماری در شکل نوین خود و با هزینه ناچیز و فایده سرشار، تداوم یابد. در این فرآیند، شکل‌گیری ثبات سیاسی در سطح بین‌المللی، توسعه زیرساخت‌ها و شبکه‌های ارتباطی فیزیکی و ظرفیت‌های نوین فناوری ارتباطات؛ زمینه ساز گسترش مبادلات کالاها و خدمات، پول و سرمایه، مردم و اطلاعات کشورها در جهان شد.

اثرات جهانی سازی تنها به حوزه اقتصاد محدود نمی‌شود. حوزه‌های فرهنگی، اجتماعی، قانونی و سیاسی؛ بخش دیگری از این فرآیند را تشکیل می‌دهد که از پدیده جهانی شدن تأثیرات گسترده‌ای پذیرفته است. در این چارچوب؛ تحولات شرایط اقلیمی و آب و هوایی و سلامت جهانی به عنوان زنجیره‌ای از کالاهای عمومی جهانی؛ ابعاد موضوع را پیچیده‌تر کرده است و مستلزم داشتن نگاه جهانی و همکاری‌های متقابل جهانی گسترده‌تری میان کشورهای جهان شده است. علاوه بر آن، جهانی سازی در قالب ریسک و نااطمینانی، تهدیدات جدی برای کشورهای جهان به ویژه برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کرده است.

نیاز به تعاملات جهانی و بین‌المللی شدن فعالیت‌های اقتصادی؛ پدیده اجتناب‌ناپذیری است و وجود موانع برای فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه، باعث شده است کشورهای پیشرفته نه تنها از فرصت‌های جهانی شدن بهره‌برداری حداکثری کنند بلکه این کشورها توانسته‌اند ضمن انتقال منابع و سرمایه‌ها به ویژه سرمایه انسانی کشورهای در حال توسعه، بازارهای این کشورها را هم تصاحب کنند. در همین راستا، کشور ما نیز منابع معدنی و ذخایر زیرزمینی را برای گردش چرخ‌های دیگر کشورها صادر می‌کند و در مقابل کالاهای ساخته شده آنها را برای تامین نیازهای مردم و نیازهای صنعتی، کشاورزی و خدماتی را وارد می‌کند. علاوه بر آن مهاجرت سرمایه‌های انسانی، از یک طرف منافع کشورهای مهاجرپذیر را بدون تحمیل هزینه‌ای ارتقا داده و از طرف دیگر، این مهم به عنوان مخاطره جدی، تهدیدی برای کشورهای در

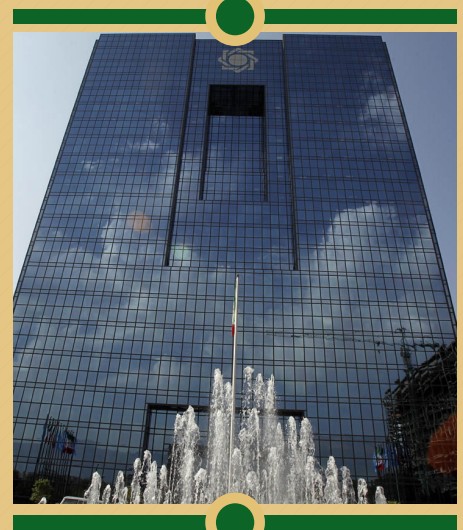


حال توسعه شده است. در این فرآیند، همیشه کشورهای در حال توسعه نظیر ایران در طول تاریخ متضرر شده و زمینه ساز توسعه کشورهای پیشرفته بوده اند و این کشورها همیشه منتفع شونده بوده و هستند. کشورهای در حال توسعه نظیر ایران در مواجهه با این پدیده، رویکرد نظری و عملی روشنی تبیین و اجرا نکرده است و این امر باعث شده است اقتصاد ایران در تقسیم کار بین المللی نقش حاشیه ای و انفعالی داشته باشد و به شکنندگی اقتصاد ایران افزوده شده است. هر چند این پدیده در دولت های گذشته نوساناتی داشته اما اصل وابستگی اقتصاد ایران به خارج از کشور در ابعاد گوناگون اقتصادی تعمیق شده است. با توجه به مباحث فوق، به نظر می رسد ایران در مواجهه با پدیده جهانی سازی، هزینه های هنگفتی را پرداخت کرده است و تداوم روند گذشته هزینه های مضاعفی را به ایران تحمیل خواهد کرد. شایسته است کشور رویکردی تبیین نماید تا طی آن بتواند در سطح بین المللی فرصت هایی را خلق، کشف، شناسایی و بهره برداری کند. بهره مندی از فرصت های بین المللی؛ در مرحله اول مستلزم تبیین بنیان های فکری است که در سیاست های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری تبیین شده است و در مرحله دوم مستلزم عملیاتی کردن آنها است که این نیز خود مستلزم داشتن راهبرد مشخص و عملیاتی و اجرایی است.

با عنایت به این که کشورهای صنعتی در حوزه های مختلف در اختراعات، فناوری و نوآوری؛ ظرفیت های مناسبی دارند، بهره برداری از این ظرفیت برای کشورهای در حال توسعه از جمله ایران باید به نحو مناسبی برنامه ریزی و مدیریت شود. به ویژه اینکه ایران طی دهه های اخیر منابع انسانی حائز اهمیتی را آموزش داده و ظرفیت های خوبی برای بهره برداری از اختراعات، فناوری و نوآوری در کشور شکل گرفته و این خود می تواند زمینه ساز اشتغال دانش-آموختگان و تحصیلکردگان دانشگاهی باشد و به تبع آن تولید و رشد اقتصادی را افزایش دهد. انطباق ظرفیت ها و توانمندی های بالقوه و بالفعل کشور با نیازهای بالقوه و بالفعل در سطح بین المللی برای استفاده از فرصت ها در این زمینه حائز اهمیت است. نکته مهم دیگر این است که ساختارهای تولید و تجارت ایران سنتی است و ایجاد تحولات علمی-فنی؛ مستلزم نوین سازی این ساختارها با به کارگیری سرمایه انسانی انباشته شده است. همچنین، نوین سازی ساختارها و بکارگیری دانش، فناوری و نوآوری؛ زمینه ساز ارتقای توان رقابتی کشور برای حضور در بازارهای جهانی و بهره گیری از فرصت های بین المللی است.

به طور معمول، سرمایه گذاری مستقیم خارجی یکی از رویکردهایی است که در بهره گیری از دانش و فناوری بین المللی، جریان غالب را تشکیل می دهد. اما برخی از صاحب نظران معروف اقتصاد بین المللی به استناد به تجارب جهانی، در این زمینه تأملاتی را توصیه می کنند. یکی از آنها^۱ تصریح می کند سرمایه گذار خارجی به دلیل توانمندی در مدیریت و نوآوری که در عرضه کالاها و خدمات دارد، در کشور مقصد شروع به سرمایه گذاری کرده و کسب و کار راه اندازی می کند و در ابتدای فعالیت، کالاها و یا خدمات را با کیفیت بهتر و قیمت کمتر در مقایسه با رقبای داخلی عرضه می کند و با این راهبرد، کسب و کارهای بومی و محلی را از میدان خارج کرده و باعث تعطیلی کسب و کارهای محلی آنها می شود و در گام بعدی، به دلیل انحصاری که در منطقه کسب می کند، قیمت

۱. استیگلیتز (۲۰۰۲) در کتابی با عنوان «جهانی شدن و ناخوشنودی های آن» که در آن تجارب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در جهان را بحث و بررسی کرده است.



برنامه ملی در شرایط

محصول را با بهره‌گیری از قدرت انحصاری، افزایش می‌دهد. همان‌گونه که قبلاً بحث شد، کشورهای در حال توسعه نظیر ایران عمدتاً به دلایل ساختار غیررقابتی اقتصادشان، نازل بودن ظرفیت‌های فناوری و نوآوری، عدم برنامه‌اتریش برای بومی‌سازی دانش و فناوری خارجی؛ در بهره‌مندی از فرصت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چندان موفق نبوده‌اند. لذا کم‌وکیف سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سرنوشت اقتصادی ایران باید بگونه‌ای مدیریت شود که منجر به انتقال دانش، فناوری و نوآوری شده و مهم‌تر از آن به بومی‌سازی آنها منجر شود و این مهم‌ترین اصلی است کشورهای در حال توسعه کمتر به آن توجه کرده‌اند و توسعه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، اقتصاد آنها را دچار اختلال کرده و وابستگی کشورشان را تشدید کرده است.

در نظریه‌های رشد اقتصادی هم این مشکل مورد توجه قرار گرفته و در این خصوص تصریح شده است، در کشورهای در حال توسعه به دلیل فقدان برنامه برای بومی‌سازی دانش و فناوری که از طریق سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور مقصد منتقل می‌شود، تحول علمی-فنی رخ نمی‌دهد. یکی از سیاست‌هایی که در این زمینه مطرح می‌شود، برنامه‌ریزی برای توسعه مخارج تحقیق و توسعه مکمل دانش و فناوری خارجی برای بومی‌سازی است.

نظر به اینکه رویکرد دولت‌ها برای مدیریت اقتصادی کشور عمدتاً بر سیاست‌های مالی (بودجه‌ای) و پولی استوار بوده و این سیاست‌ها مبتنی بر سمت تقاضای اقتصاد است و به همین دلیل ساختارهای سنتی تولید و تجارت ایران کماکان به شکل غیررقابتی باقیمانده است و تداوم سیاست‌های دهه‌های گذشته در دولت‌های مختلف؛ اقتصاد کشور را متحول نساخته است. این مهم مستلزم تحول آفرینی در ساختارهای اقتصادی است و از جمله مستلزم تغییر رویکردها به سوی رویکردهای مبتنی بر سیاست‌های سمت عرضه اقتصاد نظیر تحول علمی-فنی است که از طریق تزریق دانش، فناوری و نوآوری در اقتصاد کشور به ویژه در تولید و تجارت، امکان‌پذیر است.

روشن است عملیاتی شدن رویکرد فوق تنها توسط دولتی امکان‌پذیر خواهد بود که برنامه مدون و منسجم برای توسعه و پیشرفت اقتصادی کشور داشته و برای کارآمدسازی و اثربخشی کارکرد نظام مدیریتی و توسعه‌ای، به بازنگری و بازطراحی ساختار نهادی-مدیریتی کشور باور داشته باشد و در نهایت از خبرگان صاحب‌اندیشه و متخصص در نظام مدیریتی و اداری کشور استفاده نماید.

اما در بعد کلی نیز، تغییرات شرایط اقلیمی و آب و هوایی باعث افزایش درجه حرارت جهان شده و الگوی بارندگی را تغییر داده و بر محیط زیست و سلامتی انسان‌ها تأثیر منفی گذاشته و فقر را در کشورهای در حال توسعه گسترش داده است. کشورهای در حال توسعه به دلیل وابستگی بیشتر اقتصادشان به طبیعت، از تحولات شرایط اقلیمی و آب و هوایی تأثیر بیشتری می‌پذیرند و به نوعی شکنندگی آنها از این ناحیه بیشتر است. منشاء بخش قابل توجهی از تغییرات شرایط اقلیمی و آب و هوایی به کشورهای پیشرفته مربوط است.^۲ با این وجود، هزینه آثار منفی آن عمدتاً از طریق تغییرات شرایط آب و هوایی را کشورهای در حال توسعه متحمل می‌شوند.

از سوی دیگر در بازار نفت، پیش‌بینی نهادهای بین‌المللی موید این

۲- این موضوع مهمی است که باید در برنامه‌های اقتصاد مقاومتی مورد توجه و تأکید قرار گیرد.



است چشم انداز قیمت نفت چنانچه نزولی نباشد، روند افزایشی چندانی نخواهد داشت. بدین مفهوم که تغییر و تحولات عوامل تاثیرگذار بر قیمت نفت در سمت تقاضا و عرضه بازار نفت به نحوی رقم خواهد خورد که منجر به افزایش قیمت نفت نخواهد شد. نتیجه این تغییر و تحولات بدین معنا است که چشم انداز چندان روشنی برای افزایش درآمدهای دولت از ناحیه افزایش قیمت نفت برای ایران وجود ندارد. لذا میزان درآمدی که از این ناحیه نصیب دولت خواهد شد، در آینده تغییرات چندانی نخواهد کرد. با این وجود، باید اذعان داشت ساختار سنتی تولید و تجارت در کنار افزایش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی؛ با مقاوم سازی اقتصاد ایران که در سیاست های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری مورد تاکید بوده، همخوانی ندارد.

نکته مهم پیرامونی دیگر، تداوم تنش های سیاسی در کشورهای منطقه است. ساختار سنتی تولید و صادرات کشور و نه چندان رقابتی بودن کسب و کارها در سطح بین المللی، باعث شده است بازارهای اقتصاد کشورها عمدتاً در سطح منطقه شکل گیرد. این در شرایطی است که تنش های سیاسی در کشورهای منطقه، در هر مقطع زمانی به اشکال مختلف توسعه می یابد. به ویژه این تنش ها در خاورمیانه و میان کشورهای اسلامی گسترش بیشتری دارد و بیشترین تلفات انسانی و مالی را به مردم و اقتصاد این کشورها وارد می سازد. گسترش خصومت میان کشورهای اسلامی، منابع هنگفتی را به هدر داده و بازارهای اقتصادی این کشورها را در اختیار کشورهای غیرمنطقه ای قرار می دهد. به رغم امنیت مثال زدنی جمهوری اسلامی ایران، کشور ما نیز در این فرآیند، هزینه های گزافی را متحمل شده است. از جمله تاثیرات منفی تنش های منطقه ای، محیط کسب و کار را ناامن تر می سازد و همچنین چالش هایی را برای توسعه صادرات ایران به این کشورها، ایجاد می کند و لذا ایران بخشی از بازارهای همجوار و کشورهای همسایه را در مقایسه با شرایط عدم تنش از دست می دهد. مدیریت این موضوع یکی از چالش های اساسی کشور را تشکیل می دهد.

موضوع اساسی دیگر در فضای محیطی جمهوری اسلامی تداوم تحریم ها و فشارهای سیاسی قدرت ها علیه کشورهای مستقل است. اعمال تحریم ها به ایران و تاثیر آن بر اقتصاد کشور به موضوع ثابت و اجتناب ناپذیری تبدیل شده است. دولت ها تاکنون سیاست های اقتصادی موثری برای مدیریت تحریم ها و تنظیم ساختاری اقتصادی برای مقاوم سازی اقتصاد کشور در مقابله با تحریم ها طراحی نکرده اند و صرفاً به اتخاذ تدابیر کوتاه مدت برای مقابله با تحریم ها به جای روی آوردن مؤثر و بلندمدت مبتنی بر اقتصاد مقاومتی، روی آورده اند. در همین راستا، به رغم سرمایه گذاری سنگین و تمرکز دولت بر توافق هسته ای، انتظاراتی که در مردم و فعالان اقتصادی برای رفع تحریم ها و توسعه تعاملات اقتصادی پس از برجام ایجاد شده بود، متأسفانه با توفیق قرین نشد و برای چندمین بار مشخص شد که نیاز به تدابیر متنوع و هوشمندانه برای مقابله با بازی قدرت ها و تعامل با منطقه و جهان وجود دارد و روزمرگی برنامه ریزان برای رفع مشکلات کنونی، ابزارهای مناسبی برای این مقابله فراهم نمی کند.



۱-۴- مهم‌ترین تحولات و جریان‌های داخلی

طی دهه‌های گذشته دولت‌ها در تلاش بوده‌اند تا نماگرهای مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را متحول سازند و کشور را به سمت پیشرفت هدایت کنند. بررسی اوضاع اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور موید این است که کشور توانسته است طی این مدت به موفقیت‌هایی نظیر ارتقای منابع و سرمایه انسانی، ارتقای شاخص‌های بهداشتی-درمانی، ارتقای شاخص‌های فرهنگی، توسعه زیرساخت‌های فیزیکی و الکترونیکی و توسعه زیرساخت‌های روستایی نائل شود.

علی‌رغم دستیابی به موفقیت‌های مذکور، چالش‌های کلیدی داخلی قابل توجهی پیش‌روی کشور است. در حقیقت، فقدان الگوی پیشرفت و عدالت بومی و متوسل شدن به الگوهای غیربومی، باعث شده است کشور با خلاء اندیشه بومی، مدیریت شود. در چارچوب الگوهای موجود، تمرکز دولت‌ها و بدنه کارشناسی و مدیریتی آن تنها به قسمت انتهایی الگو و با محوریت نماگرهای اقتصاد و به صورت محدود به عوامل رشد است و توجهی به مبانی و پارادایم‌های فکری توجه چندانی نمی‌شود. از جمله یکی از مشکلاتی که دولت‌ها در طراحی و اجرای سیاست‌های اقتصادی خود به آن کمتر عنایت می‌کنند، توجه به ابعاد اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و روانشناسی اجتماعی مرتبط با سیاست‌های اقتصادی است. واقعیت این است که در تعامل سیاست‌های اقتصادی با مردم؛ ابعاد اخلاقی، روانشناسی اجتماعی و فرهنگی زنجیره‌ای را تشکیل می‌دهند که در صورت عدم توجه به آنها؛ اجرا و اثربخشی سیاست‌های اقتصادی را تقلیل و حتی آثار آنها را خنثی می‌سازد.

به تبع این نقصان فکری و اندیشه‌ای، علیرغم دستاوردهای بزرگ و متنوع جمهوری اسلامی ایران، آثار پیشرفت و توسعه در ایران در حوزه اقتصاد طی دهه‌های گذشته چندان رضایت بخش نبوده است. نماگرهای اقتصادکلان کشور نظیر رشد اقتصادی، نرخ بیکاری، نرخ تورم طی دهه‌های اخیر از ثبات لازم برخوردار نبوده است. در واقع عوامل برونزا در مقایسه با مدیریت اقتصاد کشور نقش بیشتری در متلاطم ساختن اقتصاد ایران داشته‌اند. باید اذعان داشت روند و نوسانات نماگرهای اقتصادی ایران آن‌گونه که شایسته ایران است، تحت کنترل و مدیریت دولت‌ها نبوده است. در ادامه وضعیت و نماگرهای کلیدی اقتصاد ایران بحث و بررسی می‌شود.

۱-۴-۱- رکود و بلا تکلیفی فعالان اقتصادی

رکود سنگین چند سال است که بر اقتصاد و تولید کشور سایه افکنده است. اگرچه دولت در طول سال‌های اخیر چند بار خروج از رکود را اعلام کرده است، اما نشانه‌های چندان روشنی برای خروج از رکود مشاهده نمی‌شود؛ شاخص تولید کارگاه‌های بزرگ صنعتی در سال ۱۳۹۴ برابر با ۸۲- بوده است. رشد صدور پروانه بهره‌برداری از واحدهای صنعتی ۶۲- بوده و رشد جواز تأسیس واحدهای صنعتی ۱۲- درصد است که این به معنای نامناسب بودن وضعیت سال ۱۳۹۵ است. در بخش ساختمان نیز رشد کل تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در مناطق شهری در سال ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ به ترتیب ۳۲- درصد و ۱۳٫۴- درصد بوده است. این عدد در تهران به ترتیب ۵۲- و ۲۰٫۵- درصد بوده است. سرمایه





گذاری بخش خصوصی در سال ۱۳۹۵ در مناطق شهری که شاخصی از آینده وضعیت بخش ساختمان است، در ساختمان های شروع شده ۱۸-، ساختمان های نیمه تمام ۱۳-، ساختمان های تکمیل شده ۱۳- و در کل بخش ساختمان ۱۴- بوده است. گزارش ها نشان می دهد بیش از ۴۱٪ از واحدهای تعطیل شده در شهرکهای صنعتی، طی سالهای ۹۲ تا ۹۵ تعطیل شده اند. میانگین تعداد واحدهایی از شهرک های صنعتی که در طول یک سال تعطیل می شوند، در چهار سال اخیر نسبت به ۸ سال پیش از آن ۶۰ درصد بیشتر شده است؛ در حالی که متوسط عمر واحدهای تعطیل شده شهرک های صنعتی در دهه ۸۰، ۶، ۴ سال بوده، متوسط این عمر در دهه ۹۰ به ۱،۱ سال تنزل یافته است. در استان های محرومی چون ایلام، بوشهر، سیستان و بلوچستان، کردستان، کهگیلویه و بویراحمد و هرمزگان بیش از نیمی از واحدهای ایجاد شده در شهرک های صنعتی تعطیل شده است.

در همین حال، فعالان اقتصادی چند سال است که عملاً بلامتکلیف و منتظر رخدادهای جدید و گشایش های وعده شده دولت بوده و عملاً به جای ثبات اقتصادی، پدیده صبر و انتظار بر اقتصاد حاکم شده است. روندهای اخذ مجوز تأسیس و میزان سرمایه گذاری در واحدهای جدید نشانگر چنین وضعیتی هستند.

۱-۴-۲- جمعیت

بر اساس نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵، جمعیت کشور ۷۹۹۲۶۲۷۰ نفر و نرخ شهرنشینی کشور ۷۴ درصد است. بعد خانوار کشور که در سال ۱۳۶۵ معادل ۵،۱ نفر بود، به طور مستمر روند کاهشی داشته و به ۳،۳ نفر در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۵ بالاترین بعد خانوار به استان سیستان و بلوچستان با ۳،۹ نفر و پایین ترین بعد خانوار به استان های گیلان و مازندران با ۳ نفر تعلق داشته است. نرخ رشد جمعیت کل کشور و مناطق شهری و روستایی طی سال های ۱۳۹۵-۱۳۹۰ به ترتیب ۱،۲۴، ۱،۹۷ و ۰،۷۳- درصد است. بخشی از نرخ رشد منفی جمعیت روستایی که از دوره ۱۳۷۰-۱۳۷۵ تاکنون ادامه دارد، ناشی از مهاجرت به ویژه جوانان از روستا به شهرها است.

جمعیت ایران در سال ۱۳۹۵ برحسب گروه های سنی جمعیت ۱۴-۰ سال، ۲۹-۱۵ سال، ۶۴-۳۰ سال و ۶۵ سال به بالا به ترتیب ۲۵،۱، ۲۴، ۴۴، ۸ و ۶۱ درصد است در حالی که سهم گروه های سنی در سال ۱۳۶۵ به ترتیب گروه سنی فوق ۴۵، ۲۶، ۲۵، ۳۱ و ۳ درصد بوده است. کاهش معنادار سهم گروه سنی ۱۴-۰ سال و افزایش سهم های سنی ۶۴-۳۰ سال و همچنین ۶۵ سال به بالا از ویژگی های عمده تحولات جمعیتی کشور طی این دوره است. شکل گیری این تحولات ناشی از افزایش شدید نرخ رشد جمعیت در دهه ۱۳۶۵-۱۳۵۵ است. بنابراین، به طور طبیعی در دهه های آینده سهم جمعیت ۶۵ سال به بالا افزایش شدیدتری را تجربه خواهد کرد.

شایان ذکر است در سال ۱۳۹۵ بالغ بر ۳۱ درصد جمعیت در سه استان پرجمعیت تهران، خراسان رضوی و اصفهان سکونت دارند. سهم این استان ها از کل جمعیت کشور به ترتیب ۱۶، ۸، ۶ و ۴۱ درصد است. تعداد شهرهای ایران که در سال ۱۳۳۵ برابر ۲۰۱ بود در سال های ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۵ به ترتیب به ۲۷۱، ۳۷۳، ۴۹۶، ۶۱۲،

۱۰۱۲ و ۱۲۴۵ شهرافزایش یافته است.

در سال ۱۳۹۵ کم‌اکان ۱۲٫۴ درصد جمعیت شش ساله و بیشترکشوری سواد هستند. این نرخ در سال ۱۳۹۰ معادل ۱۵٫۲ درصد بوده است. این درشرایطی است که طبق برنامه های توسعه این نرخ در چند دهه قبل بایستی صفرمی شد. در سال ۱۳۹۵ استان تهران با ۹۲٫۹ درصد و استان کردستان با ۸۱٫۵ درصد؛ به ترتیب بالاترین و پایین ترین نرخ باسوادی را به خود اختصاص داده اند.

با عنایت به بررسی های صورت گرفته، جمعیت و نیروی انسانی در واقع ظرفیت عظیمی است که برای رشد و توسعه اقتصادی حائز اهمیت است. به ویژه اینکه منابع انسانی جمعیت جوان کشور برای دستیابی به اهداف اقتصادی نقش موثری دارد. علاوه بر نقش جمعیت در سمت عرضه نیروی انسانی در بازار کار، در سمت تقاضای اقتصاد ظرفیت خوبی کسب وکارها و تولید کنندگان به عنوان تقاضا کنندگان هستند. این در شرایطی است که به دلایل مختلف، بخشی از ظرفیت تامین تقاضای داخلی در اختیار کشورهای خارجی قرار گرفته است. بدیهی است که این جمعیت انبوه که باید به عنوان «فرصت» در فرآیند اشتغال و تولید مورد استفاده قرار گیرد، در نبود برنامه و تدبیر درست، دچار فرسودگی شده و به مشکل تبدیل خواهد شد.

۱-۴-۳- بازار کار و اشتغال

بر اساس نتایج طرح آمارگیری نیروی کار سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران، نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور در این سال ۳۹٫۴ درصد بوده و این نرخ به ترتیب برای مردان و زنان ۶۴٫۱ و ۱۴٫۹ درصد است. نرخ مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور که در سال ۱۳۸۴ برابر ۴۱ درصد بوده، تا سال ۱۳۹۰ روند کاهشی داشته و به ۳۶٫۹ درصد رسیده و پس از آن به صورت بطئی روند افزایشی بخود گرفته و شتاب آن از سال ۱۳۹۳ تشدید شده است.

نرخ بیکاری جمعیت ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۲٫۴ درصد و برای مردان و زنان به ترتیب ۱۰٫۵ و ۲۰٫۷ درصد است. شایان ذکر است، در این سال نرخ بیکاری کل کشور و برای مردان و زنان به ترتیب ۱۱٫۳ و ۹٫۴ درصد بوده است. نرخ بیکاری در سال ۱۳۹۲ به ۱۰٫۴ درصد رسید و متعاقب آن روند افزایشی داشته است.

از نظر نرخ بیکاری استانی، در سال ۱۳۹۵ استان های کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری و اردبیل با ۲۲٫۲ و ۲۰٫۳ و ۱۵٫۳ درصد نرخ بیکاری؛ به ترتیب بالاترین سطح نرخ بیکاری را در میان استان های کشور تجربه کرده اند. در مقابل استان های مرکزی، سمنان و زنجان با نرخ های ۷٫۳، ۸٫۶ و ۹٫۷ درصد؛ پایین ترین نرخ بیکاری را به خود اختصاص داده اند.

اشتغال جوانان یکی از اهداف اصلی دولت ها بوده است. با این وجود، بر اساس گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ نرخ بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله کل کشور معادل ۲۹٫۲ درصد و این نرخ برای مردان و زنان این گروه سنی به ترتیب ۲۵٫۴ و ۴۴٫۲ درصد گزارش شده است. نرخ بیکاری جوانان ۲۴-۱۵ ساله کل کشور و برای مردان و زنان این گروه سنی در سال ۱۳۹۴ به ترتیب ۲۶٫۱، ۲۲٫۳ و ۴۲٫۸ درصد بوده است. نرخ بیکاری





کل کشور و جوانان و همچنین برای مردان و زنان به صورت نگران کننده ای در حال افزایش است. شایان ذکر است با عنایت به کاهش قدرت خرید مردم به دلیل کاهش درآمد حقیقی، در سال ۱۳۹۵ سهم شاغلان ۱۵ ساله و بیشتر با ساعت کار معمول ۴۹ ساعت و بیشتر کل کشور ۳۸٫۴ درصد بوده است.

میزان میانگین افزایش سالیانه اشتغال طی دوره هشت ساله دولت های نهم و دهم و چهار ساله دولت یازدهم به ترتیب ۳۶۶ هزار نفر و ۱۶۰ هزار نفر بوده، این درحالی است که افزایش سالیانه جمعیت فعال به ترتیب ۴۰۰ هزار نفر و ۳۳۳ هزار نفر بوده است. بر اساس گزارش معاونت پایش، ارزیابی و نظارت علم و فناوری (۱۳۹۵) که در آن به آمار مرکز آمار ایران استناد شده است، نرخ بیکاری دانش آموختگان کشور در سال ۱۳۹۴ معادل ۱۸٫۵ درصد بوده است.^۳ این نرخ برای مردان و زنان به ترتیب ۱۳ و ۳۰ درصد بوده است. این نرخ برحسب جمعیت دارای مدرک دانشگاهی محاسبه شده است. چنانچه نرخ بیکاری دانش آموختگان کشور بر اساس شاغلان از کل دانش آموختگان دانشگاه ها محاسبه شود، نرخ بیکاری این گروه به نرخ ۴۲٫۳ درصد می رسد و زنگ خطری برای مدیریت کشور و نظام و همچنین نهادهای متولی آموزش عالی است. نماگرهای اثربخش آموزش عالی در کشور عمدتاً نامطلوب گزارش شده است. در سال ۱۳۹۴ شاغلان دارای مدرک دانشگاهی حوزه کشاورزی، جنگلداری و شیلات تنها ۴٫۲ درصد بوده است. یعنی از مجموع ۱۴۵۱۴۴ نفر شاغل دارای تحصیلات دانشگاهی در حوزه کشاورزی، جنگلداری و شیلات؛ تنها ۲۵۰۸۰ نفر یعنی ۱۷٫۲ درصد آنها دارای مدرک مرتبط با کشاورزی، جنگلداری و شیلات داشتند. این در شرایطی است در کشور بالغ بر ۱۶۵۰۵۶ نفر دارای مدرک مرتبط با کشاورزی، جنگلداری و شیلات شاغل هستند. به بیان دیگر تنها ۱۵ درصد دانش آموختگان این رشته، در حوزه مرتبط با تحصیلات دانشگاهی خود شاغل هستند. چنانچه تعداد بیکاران حوزه کشاورزی، جنگلداری و شیلات در محاسبه این نماگرها لحاظ شود، وضعیت بیش از پیش نگران کننده خواهد بود. شایان ذکر است بر اساس گزارش سازمان بین المللی نیروی کار (۲۰۱۷)، نرخ بیکاری جهان در سال ۲۰۱۶ معادل ۵٫۷ درصد بوده است. این نرخ برای کشورهای توسعه یافته ۶٫۳ درصد برای کشورهای نوظهور و در حال توسعه ۵٫۶ درصد بوده است. همان طوری که قبلاً گزارش شد، این نرخ برای ایران در سال ۱۳۹۵ معادل ۱۲٫۴ درصد بوده است. تعداد بیکاران جهان در سال ۲۰۱۶ برابر ۱۹۷٫۷ میلیون نفر بود که ۱۴۳٫۴ میلیون نفر آن به کشورهای نوظهور اختصاص داشته است. کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به ترتیب ۳۸٫۶ و ۱۵٫۷ میلیون نفر بیکار داشته اند.

یکی دیگر از نماگرهای بازار کار که در سطح بین المللی محاسبه می شود، نماگر نرخ اشتغال آسیب پذیر است.^۴ این نرخ در سال ۲۰۱۶ برای کل جهان ۴۲٫۹ درصد و برای کشورهای توسعه یافته، نوظهور و در حال توسعه به ترتیب ۱۰٫۱، ۶٫۸ و ۷٫۹ درصد بوده است. تعداد اشتغال آسیب پذیر در جهان بالغ بر ۱۳۹۶٫۳ میلیون نفر است که به ترتیب ۵۸٫۲، ۱۱۲۸٫۴ و ۲۰۹٫۹ میلیون نفر به کشورهای پیشرفته، نوظهور و در حال توسعه تعلق دارد. این نرخ برای ایران بر اساس آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۰ معادل ۴۰ درصد است. تعداد کارکنان خوداشتغال در ایران در سال ۱۳۹۰ معادل ۷۳۳۳۳۲۱ نفر و کارکنان فامیلی بدون مزد

۳- شایان ذکر است آمار بیکاری دانش آموختگان دانشگاهی در گزارش های آماری اخیر مرکز آمار ایران به صورت رسمی منتشر نمی شود.

۴- نرخ اشتغال آسیب پذیر (Vulnerable employment rate) برحسب تعریف سهم خوداشتغالی ها و نیروی کار فامیلی از کل اشتغال است.

۸۶۱۳۶۹ نفر بوده است.

از سوی دیگر، در بین افراد شاغل (با تعریفی که مبنای محاسبه نرخ بیکاری است)، تعدادی دارای اشتغال ناقص هستند. اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی است که زمان اندازه‌گیری، حداقل دو ساعت در هفته شاغل بوده‌اند اما به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده و خواهان و آماده برای انجام کار بیشتر هستند. در واقع این افراد را باید بیکار محسوب کرد. بیش از ۲ میلیون نفر (۹,۵٪) از شاغلان در تابستان ۱۳۹۵ دارای شغل ناقص بوده‌اند.

با عنایت به وضعیت نماگرهای بازار کار؛ چالش‌های جدی در این بازار از بعد اشتغال کمی و کیفی وجود دارد. برای حل چالش‌های بازار کار، مقام معظم رهبری سیاست‌های کلی اشتغال را در سال ۱۳۹۰ ابلاغ فرموده‌اند. سیاست‌های کلی اشتغال ابلاغی مقام معظم رهبری بر محوریت ترویج و تقویت فرهنگ کار، تولید، کارآفرینی؛ آموزش نیروی انسانی متخصص؛ ماهر و کارآمد، ایجاد فرصت‌های شغلی پایدار؛ برقراری حمایت‌های مؤثر از بیکاران استوار است. اجرای این سیاست‌ها، مستلزم تهیه و تدوین برنامه عملیاتی است.

سیاست‌های اشتغال مجموعه‌ای از تدابیر و اقدامات برای بهبود وضعیت اشتغال است. تجربه سیاست‌های اشتغال کشور طی دهه‌های گذشته عمدتاً بر محور سیاست‌های پولی استوار بوده است. سیاست‌هایی نظیر طرح‌های اشتغال‌زایی و طرح‌های زودبازده در دولت‌های مختلف است. اجرای سیاست‌های اشتغال و افزایش تعداد بیکاران کشور طی دهه‌های گذشته موید این است که این نوع طرح‌ها در کاهش بیکاری موفق نبوده است. هر چند تجربه دنیا و ایران موید این بوده است که توسعه اشتغال و حل مشکل بیکاری کشورها با پول حل نمی‌شود و با وجود اینکه ایران هم این مهم را تجربه کرده اما محور سیاست‌های اشتغال کماکان برای حل مشکل بیکاری بر توزیع پول استوار است.

نظر به اهمیت داشتن اشتغال پایدار با رویکردهای غیرپولی؛ سیاست‌های فرهنگی، آموزشی، فرصت‌های شغلی، بهره‌برداری از ظرفیت‌های اقتصادی کشور، بهبود محیط کسب و کار، فناوری، ایجاد صندوق شرکت برای حمایت از تجاری‌سازی ایده‌ها، سرمایه و منابع مالی، هماهنگی و ثبات سیاست‌های اقتصادی می‌تواند نقش مؤثری در این فرآیند داشته باشد.

۱-۴-۴- تولید و رشد اقتصادی

رشد اقتصادی از دو مجموعه عوامل تاثیر می‌پذیرد. مجموعه اول به عوامل تولید نظیر سرمایه فیزیکی، تعداد نیروی کار شاغل، انرژی و یا مواد اولیه دلالت دارد. از این عوامل به عنوان عوامل تولید که در طول تاریخ مطرح شده، یاد می‌شود. مجموعه دیگری از عوامل مؤثر هستند که از طریق ارتقای بهره‌وری بر رشد اقتصادی تاثیرگذار هستند. این عوامل نظیر سرمایه دانش، سرمایه انسانی و نظایر آنها هستند. بنابراین، رشد اقتصاد که براساس آمارهای تولید ناخالص داخلی (GDP) محاسبه می‌شود، تاثیرپذیرفته از دو مجموعه عوامل مذکور است. اقتصاد ایران طی دهه‌های گذشته رشد اقتصادی نازلی را تجربه کرده





است. اقتصاد ایران که از سال ۱۳۹۱ وارد رکود شده، کماکان برای خروج از رکود دست و پنجه نرم می‌کند. براساس آمار حساب‌های ملی منتشر شده توسط بانک مرکزی، تنها بخش نفت از رکود خارج شده است و بخش‌های عمده اقتصادی کشور، کماکان در رکود به سر می‌برد. روند تاریخی رشد اقتصادی ایران نمودار ۱ ترسیم شده است.

براساس این نمودار، با افزایش درآمدهای نفتی در کشور، از سال ۱۳۵۲، نوسانات ادوار تجاری تشدید شده است. شایان ذکر است نوسانات شدید ادوار تجاری که از بحران نفتی نیمه اول دهه ۱۳۵۰ شروع شد، تقریباً تا پایان جنگ تحمیلی تداوم داشت.

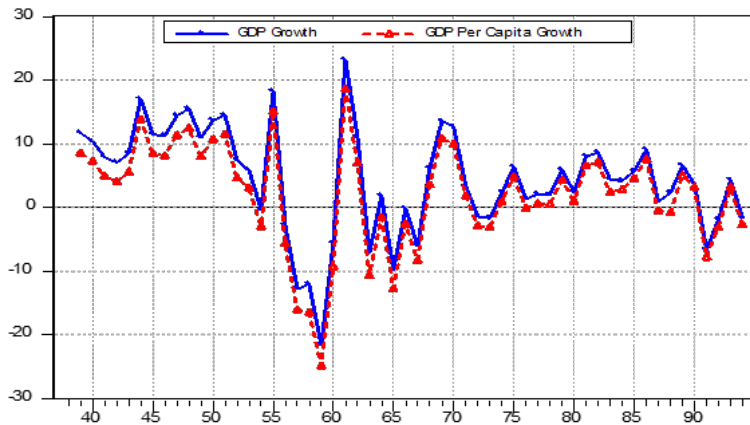
سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها درصدد این است که نوسانات اقتصادی یعنی نوسانات ادوار تجاری را بتواند مدیریت کند. به دیگر سخن کشوری که دارای نوسانات اقتصادی کمتری است، توان مدیریت بالاتری برای اداره امور اقتصادی دارد. در واقع یکی از اهداف سیاست‌ها این است که دامنه نوسانات ادوار تجاری کاهش یابد. با این وجود، در ایران دامنه نوسانات ادوار تجاری نسبتاً بالاست و این بدین مفهوم است که سیاست دولت‌ها برای باثبات‌سازی فعالیت‌های اقتصادی و به تبع آن با ثبات‌سازی فضای کلان اقتصادی کشور کمتر از حد انتظار موفق بوده است.

بنابراین، رشد اقتصادی نازل و پرنوسان که ناشی از عملکرد تدابیر و سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌ها بوده، نتوانسته است اوضاع اقتصادی مردم را بهبود بخشد. به نظر می‌رسد سیاست‌های اتخاذ شده توسط دولت‌ها در راستای دستیابی به اهداف اقتصادی، از سازگاری لازم برخوردار نیست. از جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: افزایش قابل ملاحظه و معنادار نرخ‌های سود بانکی که هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش داده است. افزایش قیمت انرژی به عنوان یکی از عوامل تولید، هزینه‌های تولید را افزایش داده است. افزایش نرخ مالیات هزینه‌های قابل توجهی بر کسب و کارها به همراه داشته است. در شرایطی که اوضاع اقتصادی کشور چندان رضایت‌بخش نیست، افزایش نرخ‌های فوق، هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی کسب و کارها را افزایش و تاثیر منفی ترب‌ر تداوم فعالیت آنها گذاشته است. مهم‌تر از ناسازگاری سیاست‌ها، ماهیت سیاست‌ها برای تحول‌آفرینی در اقتصاد است. چرا که سیاست‌های اتخاذ شده عمدتاً با محوریت سمت تقاضا است در حالی چنین سیاست‌هایی، ماهیت تحول‌آفرینی جدی در اقتصاد را ندارند.

یکی از سیاست‌های موثر و کارآمد در این خصوص این است که دولت هزینه‌های غیرضرور خودش را کاهش دهد و شرایط رکود چند سال اخیر را به عنوان فرصت برای اصلاح ساختار بودجه، مورد استفاده قرار دهد. این رویکرد از پشتوانه نظری خوبی نیز برخوردار است. نگاه دولت مردان تاکید بر توسعه تعاملات با جهان در دوران پساتحریم، بود تا از این طریق اوضاع اقتصادی کشور بهبود یابد. با این وجود، چشم انداز روشنی از سازوکارهای تاثیرگذار در دوران پساتحریم وجود نداشته و در عمل پیش روی عینیت یافتن آثار اقتصادی این توافق، چالش‌های جدی وجود دارد. با عنایت به این‌که اطلاعات دقیقی از سیاست‌های دولت در خصوص دوران پساتحریم ارائه نشده است، وضعیت و روند اقتصادی نشان می‌دهد که پیش‌بینی آثار تحول‌گرای پساتحریم توسط دولت برای

تحول در اقتصاد کشور خوشبینانه و غیرواقعی بوده است. اگرچه ممکن است برخی تنش‌های خارجی زیر چتر این توافق کاهش یافته باشد.

نمودار ۱ روند رشد اقتصادی (GDP Growth) و سرانه (GDP Per Capital Growth) ایران: ۱۳۳۸-۱۳۹۴



هرچند مرکز آمار ایران رشد اقتصادی نه ماهه ۱۳۹۵ را به میزان ۷٫۲ درصد اعلام کرده است. اطلاعات منتشره همین مرکز نشان می‌دهد که آن چه در رشد مذکور مؤثر بوده، ناشی از موارد ذیل بوده است: رشد ۸۵٫۴ درصدی بخش استخراج نفت و گاز و غیرمرتبط با بازار کار، رشد ۵٫۷ درصدی واقعی و مرتبط با نیروی کار در بخش کشاورزی، سقوط ۱۱ درصدی بخش ساختمان که ارتباط بالایی با بازار کار دارد، رکود در ظرفیت‌های ایجاد شده قبلی در بخش صنعت و رشدی اندک در این بخش به واسطه ایجاد واحدهای جدید، رشد بخش حمل و نقل و ارتباطات، واسطه‌گری مالی و معاملات مستغلات که بعضاً ناشی از پیرشدن ظرفیت‌های خالی گذشته، به ثمر رسیدن سرمایه‌گذاری‌های پیشین و احتساب صوری و حسابداری برخی فعالیت‌ها بوده است. در همین حال، بانک مرکزی رشد اقتصادی بدون نفت را در همین ۹ ماهه، ۱٫۹ درصد اعلام کرده است (هرچند که رشد اقتصادی با نفت ۱۱٫۶ درصد اعلام شده است). لذا آمار بانک مرکزی نیز تأیید می‌کند که عمده این رشد ناشی از افزایش تولید بخش نفت بوده و بخش واقعی اقتصاد رشد چندانی نداشته است و متأسفانه کشور همچنان در رکود است.

از سوی دیگر، رشد بهره‌وری کل عوامل در ایران طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۷۰ منفی بوده است.^۵ با این وجود، بیشترین میزان رشد منفی به سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۹۰ با نرخ رشد منفی ۱٫۹ اختصاص دارد. در این دوره وقوع تکانه نفتی، انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی از حوادث مهم این دوره را تشکیل می‌دهد. این در شرایطی است که این نرخ در سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۹۰ معادل ۱٫۴ درصد مثبت بوده است. در مجموع رشد بهره‌وری کل عوامل در ایران در میان کشورهای منطقه دارای تصویر مناسبی نیست. طی دوره مورد بررسی، سهم بهره‌وری کل عوامل در کل رشد اقتصادی ۳٫۶ درصدی ایران، معادل منفی یک دهم درصد بوده است. شایان ذکر است سهم سرمایه‌غیر فناوری اطلاعات ۳ درصد



برنامه‌های توسعه در ایران



و سهم نیروی کار ۶ دهم درصد بوده است. سازمان بهره‌وری آسیایی (۲۰۱۵) منشاء رشد اقتصادی در ایران و کشورهای آسیایی را طی سال‌های ۲۰۱۴-۱۹۷۰ محاسبه و گزارش کرده است. طی دوره مورد بررسی، سهم بهره‌وری کل عوامل در کل رشد اقتصادی ایران از ۱۰۰ برابر ۳ درصد منفی بوده است. سهم سرمایه‌غیرفناوری اطلاعات از ۱۰۰ برابر ۸۳ درصد و سهم نیروی کار ۱۷ درصد بوده است.

همچنین، در حالی که در سال‌های تداوم جنگ، بهره‌وری کل عوامل در رشد اقتصادی مثبت شده است، سهم بهره‌وری کل عوامل در رشد اقتصادی در دهه ۲۰۰۵-۲۰۰۰ که سال‌های اول افزایش قیمت نفت بوده، مثبت ۳ درصد بوده در حالی که پس از ظاهر شدن آثار بیماری هلندی در سال‌های بعد آن، این سهم کاهش و به منفی ۲٫۱ درصد تقلیل یافته است. در طول مورد بررسی، سهم سرمایه‌غیرفناوری اطلاعات در رشد اقتصادی در بالاترین سطح بوده و کمترین سهم به سرمایه‌فناوری اطلاعات در کشور اختصاص دارد.

سازمان بهره‌وری آسیایی (۲۰۱۵) تاثیر سیاست‌های دولت در کشورهای عضو را روی بهره‌وری با بهره‌گیری از مدل رگرسیون سنجش کرده است. نتایج عمده این پژوهش در خصوص ایران به شرح زیر است:

شاخص متوسط سال‌های تحصیلی بر بهره‌وری نیروی کار تاثیر مثبت دارد. یک درصد تغییر در این متغیر، باعث یک درصد تغییر در رشد بهره‌وری نیروی کار می‌شود. شاخص مخارج تحقیق و توسعه بر حسب تولید ناخالص داخلی تاثیر چندان بالایی بر بهره‌وری ندارد و این سازمان علت آن را ناشی از عدم تخصیص بودجه تحقیق و توسعه در فعالیت‌های صحیح دانسته است. شاخص صادرات بر حسب تولید ناخالص داخلی بسیار پایین است. چرا که بیشتر صادرات ایران که بالغ بر ۶۰ تا ۷۰ درصد کل صادرات است را نفت و گاز تشکیل می‌دهد و تنها ۹ درصد صادرات ایران به محصولات صنایع کارخانه‌ای اختصاص دارد. شاخص سرمایه‌گذاری دولت بر حسب تولید ناخالص داخلی نیز بر بهره‌وری تاثیر بسیار کمی دارد. یک درصد افزایش در این متغیر باعث می‌شود بهره‌وری نیروی کار تنها ۳ دهم درصد افزایش یابد. شاخص مصرف دولت بر حسب تولید ناخالص داخلی بر بهره‌وری نیروی کار منفی و میزان آن بالا است. در این گزارش علت آن را ناشی از این می‌داند که افزایش مصرف دولتی باعث بزرگ شدن حجم دولت شده و فعالیت‌های بخش خصوصی را محدود می‌کند. شاخص واردات بر حسب تولید ناخالص داخلی بر حسب نتایج یکی از مدل‌های رگرسیونی بر بهره‌وری نیروی کار تاثیر مثبت دارد. علت آن ناشی از این است که در طول دوره مورد بررسی، سهم ماشین‌آلات و تجهیزات در واردات بالا بوده است. شاخص نسبت سرمایه به نیروی کار بر حسب تولید ناخالص داخلی بر اساس نتایج یکی از مدل‌ها بر رشد بهره‌وری نیروی کار تاثیر مثبت دارد. شاخص تعداد دانشجو به کل اشتغال از بعد نظری بر بهره‌وری نیروی کار تاثیر مثبت دارد. با این وجود نتایج مدل‌های برآورد شده توسط سازمان بهره‌وری آسیایی مؤید این است که تاثیر این متغیر بر بهره‌وری نیروی کار بسیار کمتر است و علت آن را عدم اشتغال بخشی از جمعیت دانش‌آموختگان و نرخ بیکاری بالای آنها می‌داند. نکته مهم دیگر هم این است که بخشی از تحصیل‌کردگان شاغل آموزش عالی، شغل-هایی را تصدی می‌کنند



که متناسب با دانش و تخصص آنها نیست. سیاست های اتخاذ شده در سال های اخیر مانند افزایش هزینه سرمایه باعث شده است نرخ رشد اقتصادی کندتر شود. افزایش قابل ملاحظه و معنادار نرخ های سود بانکی از طریق افزایش هزینه سرمایه، بخشی از کاهش سرمایه گذاری در سال های اخیر را توضیح می دهد. این در شرایطی است که براساس ادبیات موضوع و تجارب جهانی، دولت ها یکی از سیاست هایی که برای خروج از رکود اتخاذ می کنند، کاهش این نرخ برای تحرک دادن به سرمایه گذاری و افزایش تقاضا است. همچنین بالا بردن فشار مالیاتی در شرایطی که اقتصاد کشور در رکود است، نمونه دیگری است.

علاوه بر آنها، با عنایت به تحلیل اوضاع اقتصادی کشور و ارزیابی اثربخشی سیاست های دولت، چند نکته زیر قابل جمع بندی است:

- مدیریت اقتصادی ایران مبتنی بر یک تفکر و پارادایم فکری مشخص و معینی نیست و این خلاء فکری-پارادایمی باعث شده است مبانی نظری منسجمی به عنوان مبنا در تصمیم گیریها و سیاستگذاری ها مورد استفاده قرار نگیرد و عدم انسجام فکری به عنوان چالش جدی پیش روی اقتصاد ایران قرار دارد. به طور مثال، فقدان نگاه بنیادی در ریشه یابی مشکلات کشور نظیر بیکاری، رشد اقتصادی و تورم وجود دارد. به بیان دیگر در تحلیل پدیده ها، رویکرد تقلیل گرایانه حاکم است و مبانی معرفتی و مبانی زمینه ای موضوع چندان مورد عنایت قرار نمی گیرد.
- نگاه به اقتصاد ایران در بررسی، آسیب شناسی و برنامه ریزی در نظریه و عمل تاکنون انتزاعی بوده و ابعاد اخلاقی، فرهنگی و روانشناسی اجتماعی آن به صورت نظام مند مورد توجه قرار نگرفته است. این خود می تواند یکی از دلایل بنیادی برای عدم دقیق شناخت پدیده ها و چالش های اقتصادی و به تبع آن در ارائه نسخه درمان مناسب باشد و در نهایت اثربخشی سیاست ها را به شدت تقلیل دهد.

۱-۴-۵- منابع و مصارف بودجه

منابع و مصارف بودجه در واقع برنامه یک ساله کشور بوده و برشی از سند چشم انداز و همچنین برشی از برنامه پنج ساله کشور است. لذا، انتظار می رود لایحه بودجه دارای هدف های اقتصاد کلان مشخص و ارزیابی پذیر، سیاست های معین برای دستیابی به اهداف، الزامات، راهکارها و جهت گیری های معینی باشد. هر چند در بررسی بودجه، صحبت های متنوعی گفته می شود اما عملاً مجلس شورای اسلامی براساس ارقام درآمدی و هزینه ای، بودجه را محور بررسی و تصویب قرار می دهد و در این فرآیند، توجه چندانی به ارتباط نظام مند اعداد و ارقام با اهداف کلان، سیاست های کلان و متناسب با آن همراستایی بودجه با برنامه های توسعه و سند چشم انداز نمی شود. در واقع در دولت و مجلس یک نوع نگاه تعادلی بین ارقام و اعداد منابع و مصارف بودجه حاکم است. بودجه دولت در سال های ۱۳۹۳، ۱۳۹۴ و ۱۳۹۵ به ترتیب ۲۰،۴، ۲۲، ۱۱،۲ درصد رشد داشته است. با در نظر گرفتن نرخ تورم این سه سال که به ترتیب ۱۵،۶، ۱۱،۹ و ۱۰ درصد بوده، موید این است که دولت در سالهای



برنامه جامع توسعه وزارت

اخیر سیاست مالی انبساطی اتخاذ کرده است. همچنین قانون بودجه ۸۶ درصد رشد داشته که در حدود تورم در این سال است. گرچه انتظار می‌رفته که چنین سیاست‌هایی حداقل کمکی برای خروج کشور از رکود باشند، اما سیاست مالی انبساطی اتخاذ شده، عملاً اثربخشی مورد انتظار برای خروج اقتصاد کشور از رکود نداشته است.

علاوه بر آن، رشد ۴۳/۶ درصد نرخ مالیات در شرایطی که اقتصاد در رکود است، هزینه‌های مختلفی در سمت عرضه برای بنگاه‌ها و سمت تقاضا برای خانوارها ایجاد کرده است. شاید افزایش شدید درآمدهای مالیاتی، بخشی از تشدید رکود در بازار کل کالاها و خدمات را موجب شده باشد. شایان ذکر است در همین حال، بودجه جاری بر بودجه عمرانی تقدم یافته و منابع مورد نیاز طرح‌های عمرانی دولتی تأمین نشده است. ضمن اینکه پیمان کاران بخش خصوصی از این ناحیه قدار به تداوم فعالیت‌های خود همانند گذشته نیستند. علاوه بر آن، تاخیر در تکمیل طرح‌های عمرانی دولت باعث عدم تحقق آثار این طرح‌ها در ایجاد اشتغال و ارزش افزوده شده است.

از زاویه دیگر، حجم بودجه دولت در واقع اندازه و مقیاس فعالیت‌های دولت در اقتصاد را نشان می‌دهد. روند تحولات اندازه دولت در ایران به دلیل نقش مسلط نفت در چارچوب نظریه‌های رشد اندازه دولت، تداوم نیافته است و نوسانات اندازه دولت صرفاً تابع درآمدهای نفتی بوده است. بنابراین، از این دید نیز بودجه از یک الگوی نظری رشد و توسعه اقتصادی تبعیت نمی‌کند و به همین دلیل بودجه دولت از یک ساختار منطقی برخوردار نیست.

یک نگاه نسبتاً بلندمدت‌تر به بودجه دولت، نشان می‌دهد مالیات‌ها سهم ناچیزی در تأمین هزینه‌های دولت دارد. طی سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ سهم درآمدهای مالیاتی از بودجه دولت، حدود ۳۵ درصد بوده است. به بیان دیگر، بودجه دولت در این مدت با بیش از ۶۵ درصد کسری بسته شده است. سایر درآمد از جمله واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای و دارایی‌های مالی در سمت منابع هستند که بین منابع و مصارف بودجه تعادل برقرار می‌کنند. ترکیب منابع بودجه از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که در سال‌های اخیر به طور متوسط سهم درآمدهای مالیاتی و واگذاری دارایی‌های مالی در منابع بودجه در حال افزایش و سهم تملک دارایی‌های سرمایه‌ای که بیشتر ناشی از صادرات نفتی می‌باشد در منابع بودجه‌ای رو به کاهش بوده است.

اگرچه دولت می‌گوید که اتکای بودجه به نفت سال به سال کمتر شده است، اما در واقع، کاهش صادرات نفتی، یکی دو سال دولت را به توقف یا کاهش روند این وابستگی مجبور کرده و به همین دلیل، روندی عکس روند مذکور، در لایحه بودجه ۱۳۹۶ رخ داده است به نحوی که به دلیل امکان صادرات نفتی بیشتر، سهم واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای (عمدتاً ناشی از فروش نفت) از منابع بودجه افزایش یافته و سهم درآمدهای مالیاتی و واگذاری دارایی‌های مالی کاهش یافته است. باید یادآوری شود اگرچه دولت در سال‌های اخیر از کاهش قیمت نفت شکوه داشته و آن را علت العلل بسیاری از کاستی‌ها برشمرده است، اما در واقع امر، متوسط فروش هر بشکه نفت در هشت ساله دولت نهم و دهم بنا به گزارش دیوان محاسبات در تفریغ بودجه معادل ۷۹ دلار و از ابتدای دولت یازدهم تا اواخر سال ۹۴، در همین حدود بوده که با احتساب سال

۹۵ این میانگین به حدود ۶۵ دلار می‌رسد. درعین حال، ضمن آن که واریز به صندوق توسعه ملی به جای افزایش، به طور مداوم کاهش یافته و لذا سهم دولت بیشتر شده و ضمن برداشتهای مستمر دولت از صندوق مذکور، متوسط نرخ ارز در دولتهای نهم و دهم، ۱۰۰۵ تومان بوده که در دولت یازدهم ۲٫۵ تا ۳ برابر شده و از این بابت منابع ریالی قابل توجهی در اختیار دولت بوده است. در سمت مصارف بودجه نیز ترکیب نامناسبی به زیان سهم تملک دارایی های سرمایه ای (اعتبارات عمرانی) وجود دارد. یعنی اعتبارات هزینه ای از بودجه کشور سهم بسیار بالایی را به خود اختصاص می دهد و منابع کمتری برای توسعه زیرساخت ها اختصاص می یابد. در واقع اعتبارات تملک دارایی های سرمایه ای در عمل ابزاری برای تعادل بخشی به منابع و مصارف بودجه به ویژه برای تامین کسری بودجه در حین اجرای بودجه درآمده است. به طور مثال، سهم تملک دارایی های سرمایه ای که در سال ۱۳۸۱ برابر ۲۳٫۸ درصد بوده در سال ۱۳۹۴ به ۱۳٫۸ درصد کاهش یافته که (با عدم انتشار وضعیت کلی سال ۱۳۹۵) پیش بینی شده برای سال مذکور به کمتر از این میزان نیز برسد و در مجموع، متوسط این سهم که در دولت دهم ۲۳ درصد از مصارف بودجه بود، در دولت یازدهم به ۱۴ درصد کاهش یافته است. بنابراین، کاهش تخصیص منابع برای تملک دارایی های سرمایه ای باعث محدود شدن فعالیت های کسب و کارها شده و از این طریق زمینه تداوم و تشدید رکود توسط دولت فراهم می شود. علاوه بر این، همزمان با کاهش رشد بودجه عمرانی که صرف توسعه زیرساخت ها و عمران و آبادانی کشور می شود، هزینه های جاری دولت به دلایلی چون پرداخت حقوق های کلان، ناکارآمدی دستگاه ها و نظام غیرشفاف حقوقی در کشور به طور مداوم افزایش یافته است، به گونه ای که در حالی که هزینه جاری دولت دهم در سال ۱۳۹۱، معادل ۸۹ هزار میلیارد تومان بوده و جمع هزینه های جاری دولتهای نهم و دهم طی ۸ سال معادل ۵۰۱ هزار میلیارد تومان احصا شده است، مجموع هزینه های جاری دولت یازدهم تا پایان سال ۹۵ (سه سال و نیم) بالغ بر ۶۰۰ هزار میلیارد تومان (پیش از مجموع ۸ ساله دولت های نهم و دهم) و فقط طی سال ۹۵ در حدود ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بوده است، و در بودجه سال ۹۶ نیز حدود ۲۵۰ هزار میلیارد تومان هزینه های جاری در نظر گرفته شده است. ناکارآمدی و نقص در تامین این هزینه ها نیز منجر به تامین مالی هرچه بیشتر پولی این کسری ها از طریق دریافت ریال توسط خزانه از بانک مرکزی به ازای ارزهای نفتی فروخته نشده در بازار، افزایش پایه پولی و عدم تسویه تنخواه گردان خزانه شده است. با این حال از سال ۱۳۹۴ این منابع نیز پاسخ گوی هزینه های دولت نبوده و موج افزایش اتکا به منابع مالی تعهدزا شروع شده است. در این روش تامین مالی مخارج جاری از طریق واگذاری دارایی های مالی همچون اسناد خزانه و تحمیل بازخرید دارایی های مالی از طریق تنزیل اوراق مشارکت پیمانکاران و اسناد خزانه به سیستم بانکی صورت می گیرد. با عنایت به اینکه معمولاً انتظار می رود ابزارهای مالی جدید برای سالم سازی بودجه، توسعه و ترویج پیدا کند، اما دولت عملاً با استفاده از ابزارهای مالی نوین نظیر اسناد خزانه، کسری بودجه دولت را پنهان کرده است، ضمن آن که با برداشت های گاه و بیگاه از صندوق توسعه ملی مجرای برای تامین منابع از خارج بودجه نیز پیدا کرده است.

سال ۱۳۹۴ آخرین سال برنامه توسعه پنج ساله بود و این برنامه برای سال ۱۳۹۵ نیز تمدید شد. براساس سیاست های کلی این برنامه، دولت موظف





بوده است از بودجه کشور منابع قابل توجهی به تحقیق و توسعه و مؤثر کردن آن اختصاص دهد و نسبت مخارج تحقیق و توسعه به تولید ناخالص داخلی به سه درصد برسد. با عنایت به شرایط حاکم بر بودجه دولت، این نسبت هیچگاه به یک درصد هم نرسیده است.^۶ این وضعیت، باعث شده است تحولی در روند گذشته اقتصاد ایران صورت نگیرد و تداوم این وضعیت و روند حتی روند رشد اقتصادی و رشد بهره وری کشور را در آینده به-مخاطره انداخته است و اقتصاد کشور را از مسیر اصلی دستیابی به اقتصاد مقاومتی دور ساخته است.

از سوی دیگر، براساس اعلام وزارت اقتصاد رقم بدهی های دولت و شرکت های دولتی در خرداد ماه سال ۱۳۹۵ به ترتیب نسبت به تولید ناخالص داخلی سال ۱۳۹۴ برابر ۱۹/۶ و ۱۹/۹ درصد می باشند که در مجموع به حدود ۳۹/۵ درصد از GDP می رسد و با توجه به سررسید شدن بدهی های قبلی این نرخ در حال افزایش است. این درحالی است که سقف مجاز بدهی ها به GDP در مصوبات کمیسیون تلفیق برنامه ششم توسعه ۴۰ درصد تعیین شده است. از سوی دیگر، در حالی که طبق گزارش بانک مرکزی، بدهی دولت و شرکت های دولتی در پایان سال ۹۱ (دراوج تحریم) به مجموعه سیستم بانکی ۹۱ هزار میلیارد تومان بوده، در پایان آذر ۹۵ این بدهی به ۲۰۹/۵ هزار میلیارد تومان رسیده است؛ بدهی خود دولت (بدون شرکت های دولتی) نیز از ۶۹/۹ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۹۱ به ۱۷۹/۸ هزار میلیارد تومان در آذر ۹۵ بالغ شده است.

۱-۴-۶- تجارت کالاها و خدمات

براساس نماگرهای آماری بانک مرکزی جمهوری اسلامی، ایران طی سال های اخیر بالغ بر ۵۰ تا ۷۰ میلیارد دلار واردات و ۲۸ تا ۳۳ میلیارد دلار صادرات کالای غیرنفتی داشته است. این در شرایطی است که در سال های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ صادرات محصولات پتروشیمی بالغ بر ۱۴ میلیارد دلار بوده است. در واقع اگر چنانچه از صادرات کالای غیرنفتی، صادرات دولتی و بخش عمومی کسر شود؛ میزان صادرات غیرنفتی کشور رقم ناچیزی خواهد بود. شایان ذکر است، ارقام صادرات نفتی طی سال های اخیر به جز سال ۱۳۹۴ که ۳۳ میلیارد دلار بوده، در دامنه ۵۵ تا ۶۷ میلیارد دلار در نوسان بوده است.

در دهه ۱۳۸۰ در ترکیب واردات کشور تغییرات ساختاری رخ داده است. در حالی که در سال ۱۳۸۰ سهم واردات کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی به ترتیب حدود ۴۰، ۴۷ و ۱۳ درصد بوده، این سهم در سال ۱۳۹۳ به ترتیب به ۱۷/۲، ۷۳/۶ و ۱۳/۱ درصد رسیده که عمدتاً این سهم ها به نفع کالاهای واسطه ای و به زیان کالاهای سرمایه ای تغییر یافته است. این ارقام مؤید این است که کمترین افزایش، به واردات کالاهای سرمایه ای اختصاص داشته است. با در نظر گرفتن این ارقام برحسب قیمت ثابت، می توان نتیجه گیری کرد واردات کالاهای سرمایه ای طی دوره مورد بررسی، افزایش ناچیزی را تجربه کرده است. این در شرایطی است که دانش، فناوری و نوآوری در کالاهای سرمایه ای تجلی پیدا می کند و تداوم این روند، رشد اقتصادی کشور را در آینده به مخاطره خواهد انداخت. در یکی دو سال اخیر، این سهم ها نیز به زیان کالای واسطه ای



۶- این نسبت برای رژیم اشغالگر فلسطین ۷ درصد است.

و به نفع کالای مصرفی تغییر کرده است. به طوری که علت کاهش شدید واردات در سال های اخیر، کاهش شدید واردات مواد اولیه و کالاهای واسطه ای (حدود منفی ۲۰٫۵ درصد) و واردات کالای سرمایه ای (منفی ۸ درصد) بوده است. واردات کالاهای مصرفی تنها ۱٫۵ درصد کم شده است.

در مقایسه سال ۹۵ با سال ۹۰، صادرات سال ۱۳۹۵ با ۴۳۹۳۰ میلیون دلار تقریباً معادل صادرات سال ۱۳۹۰ با میزان ۴۳۹۷۵ میلیون دلار است. به عبارتی پس از ۴ سال دوباره تازه به میزان صادرات سال ۹۰ رسیده ایم. بنا بر آمار گمرک، صادرات در سال ۹۵ با احتساب میعانات گازی در حالی ۳٫۵ درصد رشد کرده که در سال ۹۴ بالغ بر ۱۶ درصد کاهش یافته بود. دولت در آغاز سال، هدف گذاری صادرات غیرنفتی سال ۹۵ را ۵۰ میلیارد دلار اعلام کرده بود که این هدف علیرغم آنکه نسبت به اهداف صادرات در برنامه پنجم به مراتب کمتر بود باز هم تحقق نیافت (بالغ بر ۶ میلیارد دلار کمتر از هدف تعیین شده). بر اساس برنامه ها و طرح های اعلامی ستاد اقتصاد مقاومتی دولت، مقرر شده بود در سال ۹۵ صادرات کالا و خدمات حداقل ۱۰ میلیارد دلار افزایش داشته باشد لیکن در بخش کالا تنها ۱٫۵ میلیارد دلار افزایش بوجود آمد. در بخش صادرات خدمات نیز وضعیت چندان مناسب نیست. وزن صادرات حدود ۴ برابر وزن واردات است (۱۲۹ میلیون تن صادرات در مقابل ۳۳ میلیون تن واردات) اما ارزش دلاری صادرات و واردات با هم برابر و ۴۳ میلیارد دلار است که این نشان از خام فروشی است.

بر اساس آمار رسمی گمرک و سازمان توسعه تجارت، ارزش مجموع صادرات سایر کالاها (غیر از میعانات، گاز طبیعی و محصولات پتروشیمی که وابسته به نفت و گاز هستند) شامل کالاهای صنعتی، کشاورزی، معدنی، فرش و صنایع دستی در سال ۹۵ به مبلغ ۲۰۱۹۲ میلیون دلار بوده که این میزان در سال ۹۴، ۲۲۴۷۵ میلیون دلار و در سال ۹۱ در اوج محدودیت های ناشی از تحریم ۲۲۴۷۱ میلیون دلار بوده است. به عبارتی صادرات اینگونه کالاها به لحاظ ارزشی بالغ بر ۲٫۲ میلیارد دلار نسبت به سال ۹۴ و سال ۹۱ کاهش یافته است، از جمله در سال ۹۵، با کاهش ارزش صادرات کالاهای صنعتی به میزان ۱۵٫۵٪ و کالای کشاورزی ۱٫۷٪ نسبت به سال ۹۴ مواجه شده ایم. اما در مقایسه، مثلاً در همان شرایط سال ۹۱، صادرات کالاهای صنعتی ۲۴٪، صادرات کالاهای معدنی ۱۶٪ و محصولات کشاورزی ۱۴٪ نسبت به سال ۹۰ رشد داشته است. در طول این مدت، تغییرات جدی در کشورهای عمده صادراتی و وارداتی کشور رخ نداده بلکه جابجایی های اندکی در رتبه آنها صورت گرفته است بطوریکه تقریباً ۱۰ کشور عمده طرف معامله ایران در سال ۹۵ همان هایی هستند که در سال ۹۱ بودند. در حالیکه صادرات کالاهای غیرنفتی به سایر کشورها (به جز ۵ کشور عمده) حدود ۷٪ کاهش یافته واردات ایران از سایر کشورها بیش از ۲۰٪ رشد نشان می دهد.

در نگاه کلی، متوسط رشد صادرات غیرنفتی در دولت های نهم، دهم و یازدهم به ترتیب ۳۲٫۶، ۱۸٫۴ و ۲٫۴ درصد بوده است؛ این در حالی است که متوسط رشد واردات در این سه دولت به ترتیب ۱۲، ۱ و ۸٫۱- بوده است. در دولت یازدهم گرایش به واردات کالاهای لوکس و مصرفی بیشتر شده است. از جمله، در حالی که در طول دولت دهم (۸۸ تا ۹۱)، متوسط سهم کالاهای مصرفی برابر ۱۱٫۲ درصد از کل واردات بوده است، این سهم





در دولت یازدهم (۹۲ تا ۹۵) به ۱۴٫۹ درصد افزایش یافته است. احتمالاً تمایل به واردات کالاهای مصرفی به جای ماشین‌آلات و کالاهای مورد نیاز تولید، به قاچاق سازمان یافته دامن زده است. همچنین، متوسط ارزش واردات خودرو طی سالهای ۸۴ تا ۹۱ معادل ۷۸۰ میلیون دلار در سال بوده که این رقم در طول سالهای ۹۲ تا ۹۵ به طور متوسط به ۱٫۶۵۰ میلیارد دلار در سال رسیده و بیش از دو برابر شده است. نیز، طی ۸ ساله دولت نهم و دهم در مجموع ۴۰ میلیارد دلار واردات از چین انجام شده که متوسط سالانه آن ۵ میلیارد دلار در سال می‌شود، حال آن که در طول سالهای ۹۲ تا ۹۴ (سه ساله) بیش از ۳۰ میلیارد دلار کالا از چین وارد شده که میانگین آن حدود ۱۰ میلیارد دلار در سال بوده و نمایانگر رشدی در حدود دو برابر است. همچنین، بنا بر گزارش سازمان توسعه تجارت در حالی که در سال ۹۵ میانگین قیمت هر تن کالای وارداتی، ۱۰٫۷ درصد رشد کرده است، میانگین قیمت هر تن کالای صادراتی ۲۵ درصد برخلاف روند نزولی ارزش صادرات، متوسط ارزش کالای وارداتی در هر تن حدود ۷٫۷۵ درصد افزایش داشته است (هر تن به طور متوسط ۱۲۸۰ دلار).

تراز تجاری کشور در سال ۹۴ بدون احتساب میعانات گازی معادل ۳٫۷۹۰- میلیارد دلار بوده که این رقم در سال ۹۵ به ۷٫۰۷۴- میلیارد دلار رسیده که نشان دهنده رشد منفی ۸۷ درصدی است. همچنین قابل توجه است که در یازده ماهه سال ۹۴، حدود ۵۹٫۷ درصد از صادرات کشور، فقط به ۵ کشور (چین، امارات، عراق، ترکیه و کره) انجام شده که رقم مذکور در یازده ماهه سال ۹۵ به حدود ۶۴ درصد رسیده است. در مقابل، در یازده ماهه سال ۹۴، ۴۶٫۵ درصد از واردات کشور از پنج کشور (چین، امارات، کره، ترکیه و آلمان) انجام شد که این رقم در یازده ماهه سال ۹۵ به حدود ۶۴٫۲ درصد بالغ شده است. جالب توجه است که سهم واردات از چین در سه دولت اخیر به ترتیب ۷٫۶۵، ۱۱٫۱۸ و ۲۲٫۶۶ درصد بوده که نشان از تسخیر روزافزون بازارهای ایران توسط کالاهای چینی است.

علت اصلی وضعیت امروز تجارت خارجی کشور را می‌توان در این موارد برشمرد: بی توجهی به توصیه‌های مؤکد و متعدد مقام معظم رهبری در حوزه صادرات و واردات؛ سیاست‌های ارزی، سیاست‌های رشد اقتصادی و سیاست‌های ساختاری نامناسب؛ و برخورد شعاری دولت با امر تجارت خارجی در حمایت و...؛ عدم تدوین و اجرای یک دیپلماسی تجاری مناسب و مشخص در دولت با توجه به مقتضیات و در چارچوب اقتصاد مقاومتی؛ بهره نگرفتن از تجربه‌های گذشته؛ عدم مدیریت هدفمند و موثر واردات؛ رکود شدید در بخش تولید؛ بی توجهی به تولید صادراتی؛ عدم توجه به زیرساخت‌های تجاری؛ و بی توجهی به بخش بازرگانی توسط مسوولان دولتی در عمل.

۱-۴-۷- نرخ ارز

در سال‌های اخیر مشکلات اقتصادکلان، سیاست‌گذاران را در بیشتر کشورها به چالش کشیده است. از جمله نرخ رشد اقتصادی پایین، نرخ بیکاری بالا و بدهی بالای دولت‌ها (ناشی از کسری بودجه) چالش‌هایی هستند که در حال حاضر در بیشتر کشورها به‌ویژه بر اقتصاد کشورهای پیشرفته اروپایی و آمریکایی سایه افکنده است. این موضوع با گستره





جهانی شدن و تداوم بحران مالی، اذهان مدیریت کشورها را بخود جلب کرده است و نقش برونزایی این عوامل باعث شده است از قدرت سیاستگذاران برای کنترل امور در سطح ملی کاسته شود. اقتصاد ایران نیز در این محیط مستثنی نیست. با وجود این، مسائل اقتصاد ایران در بعضی جوانب در مقایسه با کشورهای دیگر متفاوت است.

نرخ ارزی یکی از متغیرهای کلیدی است که در مبادلات بین‌المللی با دیگر کشورها، در متغیرهای مختلفی تاثیرگذار است. متغیرهایی که به‌طور مستقیم تحت تاثیر قرار می‌گیرند عمدتاً شامل تجارت، سرمایه‌گذاری، مالی و توریسم هستند که به تبع آن به صورت غیرمستقیم، سایر متغیرها برحسب مورد تحت تاثیر آنها قرار می‌گیرند. دلایل نظری و تجربی زیادی در خصوص تاثیر جهانی شدن بر نرخ ارز وجود دارد. در یک اقتصاد بسته، زندگی مردم تحت تاثیر نرخ ارز قرار نمی‌گیرد اما به تدریج با گسترش جهانی شدن، زندگی مردم تحت تاثیر نرخ ارز قرار می‌گیرد و آینده کسب وکارها، سرمایه‌گذاران، نیروی کار و مصرف‌کنندگان به نرخ ارز مرتبط می‌شود.

تحولات بین‌المللی به موازات تداوم آثار بحران بین‌المللی بر بی‌ثباتی بازارها بیش از پیش دامن زده و مدیریت باثبات بازارها را با چالش جدی مواجه ساخته است. این مهم از طریق تاثیر بر حجم ذخایر و میزان تقاضای ارز غیر از تقاضا برای واردات کالاها و خدمات، تاثیر گذاشته و ضمن ایجاد نوسانات شدید در نرخ ارز؛ پیش‌بینی میزان عرضه و تقاضای ارز را با مشکل مواجه ساخته است.

با عنایت به نقش و سهم بالای نفت در تامین مالی کسری بودجه دولت، ایران در مقایسه با کشورهای پیشرفته، چالشی به نام بحران بدهی‌ها ندارد. با وجود این، باید تصریح کرد به جز سال ۱۳۹۰ که قیمت ارز افزایش یافت و دولت نیازمند به فروش مازاد بر درآمدهای نفتی به بانک مرکزی و به تبع آن تامین مبالغ ریالی بودجه نشد، در اکثر سال‌های دهه ۱۳۸۰ و نیمه اول دهه ۱۳۹۰ دولت از طریق فروش مازاد درآمدهای نفتی به بانک مرکزی؛ پایه پولی یا پول پر قدرت را افزایش داده و از طریق افزایش حجم نقدینگی، انبار ۱۲۶۸۵٫۱ هزار میلیارد ریالی نقدینگی تا سال ۱۳۹۵ شکل گرفته است. این مهم در کنار رشد اقتصادی نازل، تهدید دیگری را بر اقتصاد ایران رقم می‌زند. آثار منفی آن از طریق افزایش سطح قیمت‌ها و کاهش ارزش پول ملی (یا افزایش نرخ ارز)، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر سایر نماگرهای اقتصاد کلان نمایان می‌شود.

روند نرخ ارز در بازار آزاد در کشور در جدول ۱ گزارش شده است. همان طوری که از جدول مشاهده پذیر است، طی سال‌های اخیر، رشد نرخ ارز نوسانات شدیدی را تجربه کرده است و موید این است که دولت‌ها در مدیریت و باثبات-سازی بازار ارز چندان کنترل نداشته و موفق نبوده‌اند.

جدول ۱ نرخ ارز

نماگرها	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵*
نرخ ارز	۱۰۶۰۱	۱۳۵۶۸	۲۶۰۵۹	۳۱۸۳۹	۳۲۸۰۱	۳۴۵۰۱	۳۸۰۰۰*
(رشد درصد)	۶٫۲	۲۸	۹۲٫۱	۲۲٫۲	۳	۵٫۲	۱۰٫۱

* به دلیل عدم انتشار نرخ ارز برای سال ۱۳۹۵، نرخ ارز اسفند ۱۳۹۵ گزارش شده است.

ماخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران



۷- گزارش چشم‌اندازها اقتصاد کلان ایران؛ چالش‌ها و سیاست‌ها (۱۳۹۵)

در حال حاضر کشور در کنار چالش نازل بودن رشد اقتصادی و رشد بهره‌وری عوامل تولید، با چالش کلیدی مدیریت و باثبات‌سازی نرخ ارز و بازار دوگانه ارز مواجه است. اتخاذ سیاست مالی انبساطی و به تبع آن اتخاذ سیاست پولی انبساطی که در ملاحظات سیاسی ریشه دارد، مدیریت کارآمد اقتصاد کلان کشور را پیچیده تر کرده است. چون، دولت و مجلس و هم مردم تمایل دارند پول بیشتری در کشور خرج شود و این خود منجر به افزایش تقاضای کل اقتصاد شده است؛ در شرایطی که عرضه کل اقتصاد به دلیل بهره‌وری پایین، نتوانسته است متناسب با افزایش تقاضای کل، افزایش یابد. بنابراین، نازل بودن رشد بهره‌وری کل عوامل تولید و در نهایت نرخ رشد اقتصادی پایین در بلندمدت، عامل دیگری برای افزایش نرخ تورم است که به عوامل سمت عرضه اقتصاد مرتبط است. هر چند باید اذعان داشت به تبع افزایش درآمدهای نفتی و افزایش واردات کالاها و خدمات، بخشی از آثار منفی کاهش عرضه کل اقتصاد و تاثیر آن بر افزایش نرخ تورم، تقلیل یافته است. شایان ذکر است در حال حاضر به دلیل افزایش هزینه سرمایه، افزایش هزینه انرژی، افزایش نرخ مالیات و افزایش نرخ ارز همزمان شده و هزینه‌های تولید را افزایش داده است.

۱-۴-۸- حجم پول و نقدینگی

دولت‌ها در دهه‌های اخیر غالباً سیاست‌های پولی انبساطی اتخاذ کرده‌اند. به بیان دیگر، تمرکز بر سیاست‌های پولی، روند رایجی در اکثر دولت‌ها بوده است. از این سیاست برای رشد و توسعه اشتغال، کسب وکارها، اعطای یارانه تولید و مصرف و مهم‌تر از همه برای تأمین مالی کسری بودجه دولت استفاده شده است.

در ایران رابطه تنگاتنگی بین نوسانات نماگرهای پولی و رشد درآمدهای نفتی وجود دارد. زیرا، بودجه دولت که از نیمه اول دهه ۱۳۵۰ به نفت وابستگی بیشتری پیدا کرده، کماکان به نفت وابسته است و به همین دلیل برای باثبات‌سازی منابع و به تبع آن مصارف بودجه؛ دولت‌ها در اوج و یا در حالت کاهش شدید درآمدهای نفتی؛ از طریق فروش ارزهای حاصل از درآمدهای نفتی و یا استقراض به روش‌های نوین و ایجاد بدهی‌های سنگین دولت به نظام بانکی؛ باعث اتخاذ سیاست‌های پولی انبساطی شده است. به همین دلیل در دهه‌های گذشته، پایه پولی و حجم نقدینگی چند برابر فراتر از توان اقتصاد کشور، رشد را تجربه کرده است.

آمار نماگرهای پولی طی سال‌های اخیر در جدول ۲ گزارش شده است. رشد ۳۰ درصدی نقدینگی در سال ۱۳۹۴ از رشد ۱۷٫۱ درصدی پایه پولی و ۱۱٫۰ درصدی ضریب فزاینده نقدینگی متاثر شده است. همچنین پیش‌بینی می‌شود رشد نقدینگی در سال ۱۳۹۵ به میزان ۲۴٫۷ درصد و رشد پایه پولی به میزان ۱۷٫۸ درصد باشد. هر چند مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی میزان نقدینگی را برای کل سال ۱۳۹۵ بین ۱۲۰۰ تا ۱۲۵۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی کرد^۷، اما عملکرد تا بهمن ماه، فراتر رفتن از این میزان را نشان می‌دهد.

رشد پایه پولی و حجم نقدینگی عملاً تحت تاثیر تأمین مالی کسری

بودجه دولت قرار دارد. به ویژه اینکه در سال -های اخیر، کاهش قیمت نفت و به تبع آن درآمدهای نفتی باعث شده است وابستگی بودجه به منابع پولی نظام بانکی افزایش یابد.

جدول ۲ نماگرهای پولی کشور: هزار میلیارد ریال / درصد

نماگرها	۱۳۸۹	۱۳۹۰	۱۳۹۱	۱۳۹۲	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵*
پایه پولی	میزان	۶۸۶۳,۹	۷۶۴۵,۷	۹۷۵,۸	۱۱۸۴,۹	۱۳۱۱,۵	۱۸۰۷,۳
	رشد	۱۳,۷	۱۱,۴	۲۷,۶	۲۱,۴	۱۰,۷	۱۷,۸
نقدینگی	میزان	۲۹۴۸,۹	۳۵۴۲,۵	۴۶۰۶,۹	۶۳۹۵,۵	۷۸۲۳,۸	۱۰۱۷۲,۸
	رشد	۲۵,۲	۲۰,۱	۳۰,۰	۳۸,۸	۲۲,۳	۳۰,۰

ماخذ: نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

* اطلاعات سال ۱۳۹۵، بر اساس تعمیم رشدهای اسفند نسبت به بهمن در سال گذشته به ارقام بهمن در سال ۱۳۹۵ به دست آمده است.

در مجموع متوسط رشد سالانه نقدینگی در دولت دهم ۲۵,۱ درصد بوده که در دولت یازدهم به ۲۹ درصد رسیده است و لذا رشد نقدینگی شتاب گرفته است. همچنین متوسط رشد سالانه رشد پایه پولی در دولت دهم ۱۵,۹ درصد بوده که در دولت یازدهم به ۱۶,۳ درصد رسیده که نشان از شتاب رفتن رشد پایه پولی دارد. ضریب فزاینده نیز به موجب کاهش نرخ ذخیره قانونی از ۱۷ درصد به حدود ۱۱ درصد، به بالای ۷ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است.

۱-۴-۹- نرخ تورم

نرخ تورم یکی از اهداف کلیدی اقتصاد کلان است. در رابطه با تحلیل نرخ تورم چند نکته حائز اهمیت است. یکی از آنها ابعاد علمی موضوع تورم است. شناسایی علل و عوامل موثر بر نرخ تورم در بعد نظری توسعه یافته است. علی رغم اینکه اختلاف نظرهای نسبی در خصوص علل و عوامل از بعد کمی و کیفی وجود دارد اما از بعد تجربی یعنی دستیابی به نرخ تورم زیره درصد در دنیا یک مسئله حل شده است. به تعبیری، در مورد کنترل نرخ تورم؛ دانش بشر به حدی رسیده است که کشورها با اعمال یکسری سیاستگذاری های صحیح، کارآمد و موثر؛ توانسته اند مشکل نرخ تورم را حل کنند. عملکرد کشورهای جهان نیز مهر تاییدی بر این مسئله است. طبق آمارهای منتشر شده در منابع آماری بین المللی در سال ۲۰۱۵ بالغ بر ۲۰۹ کشور جهان به نرخ تورم تک رقمی دست پیدا کرده اند و از میان آن ها ۳۹ کشور نرخ تورم منفی، ۷۷ کشور نرخ تورم زیر یک درصد، ۱۳۷ کشور نرخ تورم زیر ۳ درصد و در نهایت ۱۷۳ کشور نرخ تورم زیره درصد را تجربه کرده اند. به تعبیری نرخ تورم در حول و حوش سطح ۲ درصد در دنیا برای دستیابی به رشد فعالیت های اقتصادی را آستانه قابل قبول تعریف شده است که ایران با این نرخ فاصله معناداری دارد.

در بررسی دستیابی به نرخ تورم آستانه ای پایدار، بایستی عوامل موثر بر آن مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. شاخص قیمت مصرف کننده که تغییرات آن نشانگر نرخ تورم است، از تعامل و کنش و واکنش بازارهای مالی، بازار کار و بازار کل کالا و خدمات شکل می گیرد. بازارهای مالی





خود شامل انواعی از جمله بازار سرمایه، اعتبارات، ارز، بیمه، کالاهای استاندارد و بازارهای آتی است. در حوزه اعتبارات نرخ سود بانکی از طریق هزینه تولید منجر به تغییر نرخ تورم می شود. نرخ ارز از دو کانال بر سطح عمومی قیمت تاثیر دارد. یکی از طریق کالاها و خدمات نهایی است که از طریق واردات از خارج کشور وارد می شود و با تغییر نرخ ارز، آثار خود را از طریق تغییر در سطح قیمت کالاها و خدمات نهایی بر سطح عمومی قیمت ها در کشور می گذارد. کانال دیگر این است که نرخ ارز نیز از طریق هزینه تولید کالاهای وارداتی بر سطح عمومی قیمت ها تاثیر می گذارد. یعنی از طریق هزینه تولید کالاهای سرمایه ای و واسطه ای آثار خود را بر قیمت تمام شده نشان می دهد. حجم پول و نقدینگی کشور در بازار از طریق تغییر در تقاضای کل کالاها و خدمات در این بازار بر سطح عمومی قیمت ها تاثیر دارد. در بازار عوامل تولید از جمله بازار کار از تعامل نیروهای تقاضا و عرضه نیروی انسانی در بازار کار، دستمزد تعیین می کند که آن هم در ایران چون مبتنی بر عرضه و تقاضا نیست، از طریق سیاستگذاری که دولت در تعیین دستمزدها از جمله تعیین سطح حداقل دستمزدها، در بخش های تولیدی اعمال می کند، مشخص می شود. در بخش دولتی نیز از طریق میزان افزایش در حقوق کارکنان و بازنشستگان، تاثیر خود را بر سطح عمومی قیمت ها می گذارد.

شایان ذکر است نرخ سود، نرخ ارز و سطح دستمزدها در واحدهای تولیدی در سمت عرضه اقتصاد منجر به افزایش یا کاهش هزینه تولید و به تبع آن تاثیر در سطح عمومی قیمت ها می شود. در سمت تقاضای کل اقتصاد نیز درآمد مردم است که از طریق افزایش درآمد در اشکال مختلف بر تقاضای کل اقتصاد تاثیر می گذارد و به تبع آن سطح عمومی قیمت ها تغییر می یابد. می توان اجزای درآمد ملی که از روش درآمد محاسبه می شود را در نظر گرفت. همچنین حجم پایه پولی و حجم نقدینگی که دولت در قالب حقوق و دستمزد به به اشکال مختلف دیگر به جامعه تزریق می کند، باعث افزایش و کاهش درآمد در جامعه و به تبع آن باعث تغییر تقاضا می شود و در نهایت بر سطح عمومی قیمت ها تاثیر دارد. حجم نقدینگی نیز تاثیر خود از سمت تولید بر میزان عرضه کالاها و خدمات و طبعاً بر سطح عمومی قیمت ها باقی می گذارد. این تحلیلی که ارائه شد، عمده سازوکار تاثیرگذاری است که در یک اقتصاد بسته رخ می دهد. علاوه بر این بخش خارجی اقتصاد نیز باید به آن اضافه شود و مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. بخش خارجی برای با محوریت صادرات و واردات کالاها و خدمات، تاثیر خود را می گذارد که در این راستا علاوه بر بازار ارز که بحث شد، نرخ تورم وارداتی است که از طریق واردات کالاها و خدمات نهایی تاثیر خود را بر سطح عمومی قیمت ها می گذارد.

بنابراین انواع مختلف بازارهای اقتصادی وجود دارد؛ بازارهای اقتصادی کلان که از طریق عرضه و تقاضای کل تاثیر خود را بر سطح عمومی قیمت ها می گذارند و نرخ رشد تغییرات نرخ تورم را در یک کشور تعیین می کند. در مجموع حجم نقدینگی، نرخ ارز، نرخ تورم وارداتی و رشد اقتصادی؛ چهار عامل کلیدی هستند که بر سطح عمومی قیمت ها در کشور تاثیر می گذارند.

اکنون سیاست های ضد تورمی در ایران در سال های اخیر بررسی می شود. یکی از عوامل کلیدی موثر بر نرخ تورم، حجم پایه پولی، ضریب فزاینده و حجم نقدینگی در کشور است. مطابق آمار نماگرهای بانک

مرکزی ایران، نرخ های رشد پایه پولی و نقدینگی کشور در سال های اخیر بسیار بالا بوده است (جدول ۲) و کمترین نرخ رشد پایه پولی به سال ۱۳۹۳ با ۱۰٫۷ درصد اختصاص داشته و در سال ۱۳۹۵ به مرز ۱۸ درصد نزدیک شده است. با این وجود، نرخ های بالای رشد پایه پولی و نقدینگی موبد این است که نه تنها سیاست های پولی ضد تورمی اتخاذ نشده بلکه این سیاست ها، تورمی بوده است. به این ترتیب، در حالت خوش بینانه در این رابطه می توان دو نوع تحلیل ارائه کرد؛ نخست اینکه طی سال های اخیر رکود بر اقتصاد کشور حاکم بوده و دولت سیاست پولی انبساطی اتخاذ کرده که با افزایش تقاضا برای کالا و خدمات نهایی، رکود ناشی از کمبود تقاضا را مدیریت کند و دوم از طریق تأمین نقدینگی برای تولیدکنندگان، سمت عرضه رشد یابد. چنین امری از یک طرف می تواند بر خارج شدن اقتصاد از رکود تاثیر بگذارد و از طرف دیگر نیز باعث افزایش سطح عمومی قیمت ها شود. در نهایت امر، آن چه مشاهده می شود، باقی ماندن رکود در بخش های مختلفی از اقتصاد است. از آنجایی که رکود بر اقتصاد کشور حاکم است، اثر سیاست های دولت در سطح کلان بر نرخ تورم به میزان زیادی خود را نشان نداده است و آثار خود را در آینده ظاهر خواهد کرد. از طرفی هم این سیاست ها در خارج کردن اقتصاد از رکود نیز نقشی نداشته است.

سیاست افزایش و سپس کاهش نرخ سود یکی دیگر از سیاست های دولت در سال های اخیر بوده است که می تواند بر نرخ تورم تاثیر گذار باشد. در عمل، میزان افزایش این نرخ در مقایسه با میزان کاهش آن بیشتر بوده است. لذا، در مجموع این سیاست هم ماهیتاً ضد تورمی نبوده و علی القاعده باید به رشد تورم بیانجامد.

سیاست مدیریت نرخ ارز نمونه دیگری از این سیاست ها است که نوسانات و همچنین افزایش آن بر نرخ تورم تاثیر گذار است. همانگونه که در بخش قبلی بحث و بررسی شد، مدیریت این بازار بنحوی بوده که با آثار تورمی همراه بوده است. ثبات نرخ ارز، به عنوان یک عامل مهم در مدیریت نرخ تورم، حتی از طریق تاثیرگذاری در انتظارات جامعه، نیز باعث ثابت ماندن سطح عمومی قیمت ها می شود. اما از آنجایی که نرخ ارز نه تنها روند کاهشی نداشته بلکه روند افزایشی نیز به خود گرفته است، لذا، حتماً نمی توان ادعا کرد که کاهش نرخ ارز باعث کاهش سطح عمومی قیمت ها در سال های اخیر شده است. نکته مهم تر دیگر در این زمینه، افزایش تدریجی نرخ ارز رسمی است که اثرات آن از طریق افزایش هزینه تولید بر سطح عمومی قیمت ها نمایان می شود. شایان ذکر است برخی مطالعات تایید می کند در ایران رابطه دو طرفه بین نرخ ارز و سطح عمومی قیمت ها وجود دارد. اما در شرایط غیرعادی اقتصادی یعنی شرایط رکود همانند شرایط فعلی، این رابطه کارکرد ندارد.

در خصوص نرخ تورم وارداتی هم باید گفت در مجموع به این علت که نرخ تورم جهانی پایین تر از نرخ تورم داخلی است، تنها عاملی که ممکن است بخشی از کاهش نرخ تورم داخلی را توضیح دهد، نرخ تورم وارداتی است. اما از آنجایی که آمارهای رسمی شاخص قیمت کالاهای وارداتی مدتی است که منتشر نمی شود، آمار روزآمدی در این خصوص برای تحلیل وجود ندارد، اگرچه رشد آن (ریالی) در سال های ۹۳ و ۹۲ که منتشر شده بیش از ۵۰ درصد بوده است.





از سوی دیگر، یکی از عوامل کاهش نرخ تورم، افزایش تولید و رشد اقتصادی است. یعنی نرخ رشد اقتصادی یکی از مولفه هایی است که اگر با افزایش مواجه شود، حجم کالاها و خدمات در جامعه نیز افزایش پیدا می کند. این افزایش ممکن است از طریق واردات هم صورت گیرد. یعنی کل عرضه کالاها و خدمات در اقتصاد شامل تولید باضافه واردات و منهای صادرات است. با ثابت بودن سایر شرایط، افزایش نرخ رشد اقتصادی باعث کاهش سطح عمومی قیمت ها و به تبع آن باعث کاهش نرخ تورم می شود. از آنجایی که طی سال های اخیر بجز سال ۱۳۹۳ نرخ رشد اقتصادی کشور منفی بوده، کاهش نرخ تورم نیز نمی تواند از ناحیه تولید و رشد اقتصادی باشد.

اگرچه تورم از ناحیه رکود کاهش یافته، اما تورم طرف تقاضا بسیار بالاست؛ و شاید به همین دلیل است که مردم، کاهش رشد تورم را نیز احساس نمی کنند. در ادبیات اقتصادی، افزایش نقدینگی یک عامل مهم تورم محسوب می شود، و با توجه به افزایش شدید نقدینگی در طول چند سال اخیر، فقط به دلیل وجود رکود، هنوز آثار تورمی آن ظاهر نشده است. به همین دلیل است که در طول ماههای اخیر، تورم نقطه به نقطه شروع به بالا رفتن کرده و نشان دهنده آثار تورمی است که به تدریج ظاهر خواهند شد. همچنین، در حالی که نرخ تورم کل توسط بانک مرکزی ۹ درصد اعلام شده، تورم نقطه به نقطه اسفند ۹۵ نسبت به اسفند ۹۴ توسط همین بانک ۱۲ درصد، رشد قیمت مواد خوراکی و آشامیدنی در اسفند ۹۵ نسبت به اسفند ۱۳۹۴، ۱۸ درصد و رشد هزینه های بهداشت و درمان، ۱۷ درصد محاسبه شده است. می توان این پرسش را نیز مطرح کرد که اگر تورم طی دولت یازدهم کنترل شده و برای مردم، رشد هزینه کاهش یافته چرا هزینه اداره دولت در این فاصله ۲٫۵ برابر شده است؟

بنابراین سیاست های اقتصادکلان کشور در سال های اخیر نظیر افزایش حجم پایه پولی، افزایش مخارج دولت، افزایش نرخ ارز و افزایش نرخ سود بانکی؛ همگی تورم را زاده است. علاوه بر آنها، نرخ رشد اقتصادی نیز که آثار تمامی سیاست ها در آن نمایان می شود هم روند کاهشی داشته است. این در شرایطی است که کشور در سال های اخیر کاهش نرخ تورم را تجربه کرده است. بنابراین، این کاهش عمدتاً ناشی از بلامتکلیفی و انتظار مردم و فعالان اقتصادی و مهمتر از آن ناشی از رکودی است که بر کشور حاکم شده است و در حقیقت رشد نقدینگی و سایر عوامل به شکل یک اژدهای خفته درآمده که ثبات اقتصادی را تهدید می کند.

۱-۴-۱۰- نابرابری

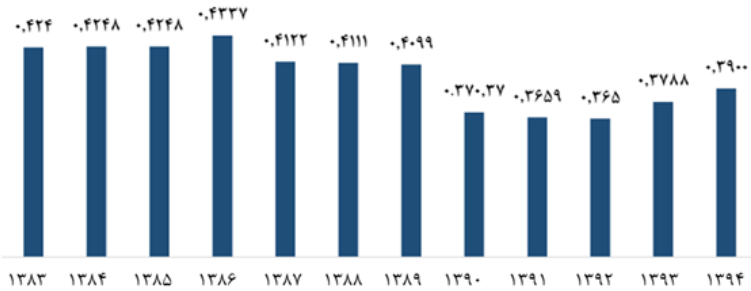
بنا به گزارش مرکز آمار، ضریب جینی که بیانگر فاصله طبقاتی است و از سال ۱۳۸۵ به طور مداوم رو به کاهش بوده و در سال ۹۱ به ۰٫۳۶۵ رسیده بود، از سال ۹۲ شروع به افزایش کرده و امروز بالغ بر ۰٫۴ است که به مفهوم ازدیاد فاصله طبقاتی است.

شاخص دیگری که برای سنجش نابرابری اجتماعی مورد استفاده قرار می گیرد، شاخص رفاه اجتماعی است که از ضرب درآمد سرانه در (ضریب جینی-۱) به دست می آید. بررسی آمار رسمی کشور نشان می دهد که



اگرچه در دوره ده ساله قبلی، شاخص رفاه اجتماعی سال ۱۳۹۱ به خاطر بهبود درآمد سرانه و کاهش ضریب جینی به طور محسوسی بهبود یافته است، اما در دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۴، شاهد کاهش مقدار شاخص رفاه اجتماعی هستیم. زیرا از یک طرف توزیع درآمد بدتر شده است (افزایش ضریب جینی) و از طرف دیگر درآمد سرانه کاهش یافته است.

نمودار ۲ روند تغییرات ضریب جینی ۱۳۸۳-۱۳۹۴



*منبع: مرکز آمار ایران و بانک مرکزی

۱-۴-۱۱- نظام بانکی، بدهی ها و نرخ سود

نظام بانکی در ایران، منبع اصلی تأمین مالی کسب و کارها است که در ادبیات موضوع از آن به عنوان ساختار سنتی تأمین مالی نام برده می شود. علاوه بر آن، ساختار نظام بانکی دولتی است و فضای رقابتی چندانی بر آن حاکم نیست. مهمترین تجربه دنیا نشان می دهد در عصر اقتصاد دانش بنیان، ساختارها و نظام های تأمین مالی سنتی کارکرد موثری در فرایند توسعه اقتصادی ندارند. لذا رویکردهای نوین مالی مورد نیاز است تا نهادهای تأمین مالی وظایفی فراتر از تأمین مالی صرف را به عهده بگیرند. ایجاد نهادها و ابزارهای نوین تأمین مالی می تواند در مدیریت، نوآوری و امور نظارتی کسب و کارهای دانش بنیان و انتخاب نیروی انسانی مدیریتی؛ فراتر از تأمین مالی ایفای نقش نماید. تغییرات شدید نرخ سود در چند سال اخیر یکی از عوامل کلیدی تاثیرگذار بر سرمایه گذاری بوده است. در حالی که دولت هزینه های مختلفی را در سال های گذشته بر تولید و کسب و کارها تحمیل کرده است، بالا بودن نرخ سود با وجود کاهش نرخ تورم، بازدهی بدون ریسک را در سپرده گذاری های بانکی افزایش داده است و از طرف دیگری افزایش هزینه تولید و هزینه مبادله ناشی از تحریم، بازدهی سرمایه گذاری را کاهش داده است. در این شرایط انتظار افزایش رشد سرمایه گذاری غیرواقع بینانه تلقی می شود و منابع بجای تخصیص در سرمایه گذاری و تولید، به سمت فعالیت های سفته بازی حرکت می کند.

با شروع روند کاهنده تورم نقطه به نقطه از خردادماه ۱۳۹۲ انتظار بر این بود نرخ سود علی الحساب سپرده های بانکی نیز کاهش یابد. بر خلاف انتظارات، نرخ های مذکور به ویژه نرخ سود سپرده های یک ساله و کمتر از آن در یک سال اول فعالیت دولت یازدهم به نحو ملموسی افزایش





یافت. علی‌رغم توسل بانک مرکزی به ابزارهای تنبیهی جهت کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی در سال‌های اخیر، نرخ‌های سود برخی بانک‌ها همچنان بالاتر از نرخ‌های پیش از خردادماه ۱۳۹۲ می‌باشد.

اما از منظر کلی، در حالی که طبق گزارش بانک مرکزی، بدهی دولت و شرکت‌های دولتی در پایان سال ۹۱ (در اوج تحریم) به مجموعه سیستم بانکی ۹۱ هزار میلیارد تومان بوده، در پایان بهمن ۹۵ این بدهی از ۲۱۰ هزار میلیارد تومان گذشته است؛ بدهی خود دولت (بدون شرکت‌های دولتی) نیز از ۶۹٫۹ هزار میلیارد تومان در پایان سال ۹۱ به ۱۷۹٫۸ هزار میلیارد تومان در آذر ۹۵ بالغ شده است. طبعاً این وضعیت به همراه اقدامات دولت در انتشار اوراق بدهی و برداشت خلاف قانون از صندوق توسعه ملی و ذخایر بانک مرکزی باعث تضعیف مقاومت اقتصاد کشور می‌شود. علاوه بر این، بانکها با انبوه مطالبات معوق و چکهای برگشتی (که دو سال است مقدار آنها از گزارش‌های رسمی حذف شده) مواجه هستند و بدهی بانکها به بانک مرکزی از ۴۹ هزار میلیارد تومان در پایان ۹۱ به بیش از ۱۰۹ هزار میلیارد تومان در دی ماه ۹۵ افزایش یافته است. با توجه به مشکلات موجود در مدیریت سیستم بانکی کشور، این ستون فقرات اقتصاد کشور به مرزهای بحران نزدیک شده است.

۱-۵- مهم‌ترین چالش‌های ایران از منظر نمایندگان کلان

علی‌رغم دستیابی به موفقیت‌های بسیار، چالش‌های کلیدی قابل توجهی پیش‌روی کشور است که مهم‌ترین آنها با محوریت شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی عبارتند از:

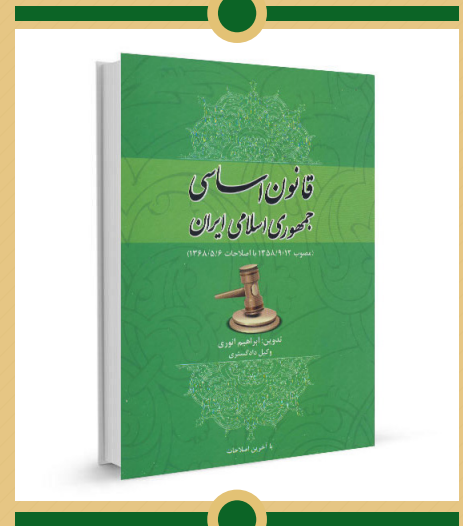
- رشد درآمد سرانه پایین و پرنوسان؛
- نرخ بیکاری بالا همراه با نرخ مشارکت نیروی کار پایین؛
- بهره‌وری پایین؛ بهره‌برداری ناکارآمد از ظرفیت‌ها؛
- توزیع نامتعادل درآمدها و فرصت‌ها؛
- نرخ تورم نسبتاً بالا و پرنوسان؛
- به‌کارگیری دانش، فناوری و نوآوری پایین؛
- پایین بودن توان رقابتی کشور؛
- وابستگی ساختار تولید و تجارت به نفت و جایگاه ضعیف و حاشیه‌ای کشور در اقتصاد بین‌المللی.

۱-۶- اهداف و وضع مطلوب در اسناد بالادستی

لازم است برای یک برنامه ریزی جامع، اهداف بالادستی نیز مدنظر باشد. اهداف و وضع مطلوب اقتصاد ایران در اسناد بالادستی تبیین شده است. اسناد بالادستی شامل قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری است.

۱-۶-۱- قانون اساسی

- اصل در تحکیم بنیان های اقتصادی، رفع نیاز انسان است.
- دستیابی به عدالت و ایجاد امکانات عادلانه برای همه و عدم تبعیض
- کارآیی بهتر در راه وصول به هدف
- فراهم کردن امکان اشتغال به کار برای همه
- **عدالت:** تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه
- افراد و رفع نیازهای ضروری
- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی
- ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعلیم
- **بیمه:** برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی است همگانی. دولت مکلف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت های مالی فوق را برای یک یک افراد کشور تأمین کند.
- **نهادسازی و قانونگذاری:** ایجاد نهادها و بنیادهای سیاسی که خود پایه تشکیل جامعه است.
- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور
- قانونگذاری که مبین ضابطه های مدیریت اجتماعی است بر مدار قرآن و سنت
- **عدم انحصار:** نفی هرگونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی
- **استقلال اقتصادی:** جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور و تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.
- تأمین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها
- **شکوفایی استعدادها، خلاقیت، نوآوری و دانش:** تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
- رشد دادن انسان در حرکت به سوی نظام الهی است (والی الله مصیر) تا زمینه بروز و شکوفایی استعدادها به منظور تجلی ابعاد خداگونگی انسان فراهم آید (تخلقوا باخلاق الله).
- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور
- ضرورت های توجه به تحقیق و توسعه؛ ابتکار، خلاقیت، نوآوری و مهارت و دانش، فناوری و نوآوری
- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی





- **مشارکت عموم مردم:** مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش
- مشارکت فعال و گسترده تمامی عناصر اجتماع در روند تحول جامعه ... در تمام مراحل تصمیم‌گیریهای سیاسی و سرنوشت‌ساز برای همه افراد اجتماع فراهم می‌سازد تا در مسیر تکامل انسان هر فردی خوددست‌اندرکار و مسوول رشد و ارتقاء و رهبری گردد.
- **آموزش:** آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی
- دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سرحد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد.
- **اشتغال:** دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید.
- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قراردادن وسایل کار در اختیار همه کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا همراه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروههای خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد.
- رعایت آزادی انتخاب شغل و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری
- **امکانات و تسهیلات زندگی:** داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است، دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.
- **تأمین نیازهای اساسی:** مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه

۱-۶-۲- سند چشم انداز

- نکات کلیدی سند چشم انداز در حوزه های اقتصادی به تفکیک عوامل پیشرفت، آثار پیشرفت و اندازه گیری و سنجش پیشرفت عبارتند از:
- **عوامل پیشرفت:** برخوردار از دانش پیشرفته، توانا در تولید علم و فناوری، متکی بر سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی و تولید ملی
 - **آثار پیشرفت:** برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، تأمین اجتماعی، فرصت های برابر، توزیع متناسب درآمد، نهاد مستحکم خانواده، به دور از فقر، فساد، تبعیض و بهره مند از محیط زیست مطلوب.
 - **نماگرهای اندازه گیری و سنجش پیشرفت:** دست یافته به جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه و آسیای جنوب غربی با تاکید بر جنبش نرم افزاری و تولید علم، رشد اقتصادی، ارتقای نسبی درآمد سرانه و رسیدن به اشتغال کامل.

۱-۶-۳- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی

- فعال‌سازی سرمایه‌های کشور: تأمین شرایط و فعال‌سازی کلیه امکانات و منابع مالی و سرمایه‌های انسانی و علمی کشور به منظور توسعه کارآفرینی و به حداکثر رساندن مشارکت آحاد جامعه در فعالیت‌های اقتصادی با تسهیل و تشویق همکاری‌های جمعی و تأکید بر ارتقاء درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط.
- دستیابی به اقتصاد دانش‌بنیان: پیش‌تازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقاء جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه.
- تمرکز بر ارتقای بهره‌وری: محور قراردادن رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توان‌مندسازی نیروی کار، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ایجاد بستر رقابت بین مناطق و استان‌ها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت‌های متنوع در جغرافیای مزیت‌های مناطق کشور.
- اصلاحات بنیادی در نظام مالی کشور: اصلاح و تقویت همه‌جانبه نظام مالی کشور با هدف پاسخگویی به نیازهای اقتصاد ملی، ایجاد ثبات در اقتصاد ملی و پیشگامی در تقویت بخش واقعی.
- ایجاد تحول و توسعه صادرات: حمایت همه‌جانبه هدفمند از صادرات کالاها و خدمات به تناسب ارزش افزوده و با خالص ارزآوری مثبت
- مقاوم‌سازی بنیادهای اقتصاد کشور: افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور.
- منطقی‌سازی ساختار و اندازه دولت: صرفه جویی در هزینه‌های عمومی کشور با تأکید بر تحول اساسی در ساختارها، منطقی‌سازی اندازه دولت و حذف دستگاه‌های موازی و غیرضرور و هزینه‌های زاید
- احیای جایگاه و نقش فرهنگ در اقتصاد کشور: تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد.
- توسعه استانداردسازی تولید محصولات کشور: افزایش پوشش استاندارد برای کلیه محصولات داخلی و ترویج.

۱-۶-۴- سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی

در مجموع می‌توان گفت یکی از اهداف سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، توجه به بهره‌وری منابع مادی و انسانی و فناوری می‌باشد که در سایه آن می‌تواند سایر اهداف این سیاست‌ها همچون ارتقای کارایی بنگاه‌های اقتصادی و افزایش رقابت‌پذیری اقتصاد ملی و سایر سیاست‌های مبتنی بر عدالت تأمین شود.

۱-۶-۵- سیاست‌های کلی دیگر

سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت: سیاست‌های کلی نظام در بخش صنعت با هدف افزایش سهم بخش صنعت در تولید داخلی و افزایش ارزش افزوده بخش صنعت، دستیابی به رشد مطلوب سرمایه‌گذاری صنعتی، انتخاب فرآیندهای صنعتی دانش‌محور و ارتقای





منزلت کار، تلاش و کارآفرینی و افزایش توان رقابت پذیری صنعت ملی براساس گسترش مالکیت و مدیریت بخش غیردولتی، رعایت اندازه اقتصادی بنگاه‌ها و لغو امتیازات خاص و انحصارات غیرضرور در ۹ ماده در تاریخ ۱۳۹۱/۰۹/۲۹ تصویب و ابلاغ شد.

سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی: سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه انسانی با هدف تقویت تولیدات داخلی در ۲۳ ماده در تاریخ ۱۳۹۱/۱۱/۲۴ تصویب و ابلاغ شده است. اهم بندهای مرتبط با تأکید بر مؤلفه‌های دانش، نوآوری، فناوری در این سیاست‌ها را می‌توان در سه بخش به صورت: ۱. ارتقای بهره‌وری (اعم از کمی و کیفی) عوامل تولید؛ ۲. فناوری، تحقیق و توسعه، نوآوری و کارآفرینی و ۳. فناوری اطلاعات و ارتباطات و حمایت از محققان و سرمایه‌گذاران تبیین کرد.

سیاست‌های کلی اشتغال: سیاست‌های کلی اشتغال با هدف تربیت نیروی انسانی آموزش دیده، کارآفرین و توجه به بهره‌وری عوامل تولید در ۱۳ ماده در تاریخ ۱۳۹۰/۰۴/۲۸ تصویب و ابلاغ شد. اهم بندهای مرتبط با مؤلفه‌های اقتصاد دانش بنیان مشتمل بر کارآفرینی، ارتقای بهره‌وری عوامل تولید (تقویت سرمایه انسانی) و ارتقای فناوری (جذب فناوری) است.

سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور: سیاست‌های کلی نظام برای رشد و توسعه علمی و تحقیقاتی کشور ۸ ماده و ۱۹ بند در تاریخ ۱۳۸۳/۱۲/۱۵ تصویب و الاغ شد. اهم موارد مرتبط با حوزه دانش، فناوری و نوآوری این سیاست‌ها بر را می‌توان در قالب توسعه متوازن کمی و کیفی نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی و بهینه-سازی ساختار آموزشی و تحقیقاتی کشور با هدف ارتقای بهره‌وری شکوفایی علمی دسته‌بندی کرد.

۱-۲- ظرفیت‌های اقتصاد ایران

امروزه توان واقعی کشورها براساس برآیندی از تمام توانایی‌ها و ظرفیت‌های مادی و معنوی و بالفعل و بالقوه سنجیده می‌شود. برخی از کشورها دارای ظرفیت‌های اقتصادی بسیار بالا در یک یا چند حوزه باشند ولی محدودیت‌های حوزه‌های دیگر اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است توانایی و ظرفیت کل جوامع مذکور را بشدت محدود سازد. جمهوری اسلامی ایران در چهار حوزه از شش حوزه توانمندی کلان خود، دارای ظرفیت‌های منحصر به فرد در دنیا بوده، به طوری که جزو برترین کشور یا کشورها قرار می‌گیرد. این چهار حوزه عبارتند از:

۱-۲-۱- ظرفیت‌های جغرافیایی و اقلیمی

تنوع اقلیمی فراوان. تنوع آب و هوایی مناسب برای تولید محصولات کشاورزی مختلف حتی بطور همزمان در نقاط مختلف کشور، که در عین حال ظرفیت منحصر بفرد جهانگردی و توریسم را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است.

کشور ایران به دلیل گستردگی و وجود کوهستان‌های بسیار و دشت‌های پهناور و همجواری با دو دریای بزرگ در شمال و جنوب و نیز به علت قرار داشتن در مجاورت نسبی اروپا و دریای مدیترانه و صحرای بزرگ آفریقا و اقیانوس هند و ارتفاعات داخلی آسیا و سرزمینهای وسیع

سردسیری، دارای تنوع اقلیمی فراوانی می باشد.^۸ این تنوع آب و هوایی وضعیتی چهارفصل را در ایران ایجاد کرده و تفاوت میانگین دما در نقاط مختلف کشور را به حدود ۳۰ درجه رسانده است. این آب و هوا از اقلیم گرم و خشک تا شبه مدیترانه ای را در خود جای داده بطوریکه برای تولید محصولات کشاورزی مختلف حتی بطور همزمان در نقاط مختلف کشور مناسب می باشد.^۹

از سوی دیگر این تنوع آب و هوایی در کنار کشورهای منطقه خلیج فارس که دارای آب و هوای گرم و خشک می باشند و از سوی دیگر همسایگان شمالی که دارای آب و هوای سرد و خشک هستند ظرفیت منحصر بفرد توریسم را برای جمهوری اسلامی ایران فراهم آورده است. ظرفیت کشاورزی ایران در ترکیب با جمعیت جوان و نیروی کار ماهر و دارای سهم بالای دانش آموختگان دانشگاهی شرایطی ممتاز برای طیف وسیعی از فعالیتهای تولیدی، صنعتی و کشاورزی را فراهم آورده است.^{۱۰} چنین تنوعی در منابع انسانی و طبیعی در کمتر کشوری به صورت یکجا وجود دارد و بدین لحاظ کشور ایران را به یک قاره شبیه ساخته است. از سوی دیگر ضعف بخش کشاورزی تمامی کشورهای حوزه جنوبی خلیج فارس فرصت مناسبی برای تجاری سازی فعالیت های کشاورزی و صادرات محصولات خام و فرآوری شده فراهم آورده است.

۱-۲-۲- ظرفیت های اقتصادی

نفت و گاز:

دومین ذخیره نفت جهان بعد از عربستان و دومین ذخیره گاز جهان بعد از روسیه، در مجموع، مقام اول جهان در ذخایر سوخت های فسیلی جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۲ دارای ۱۵۶٫۹ درصد سهم از ذخائر گاز جهان بوده است.^{۱۱} ایران بعد از کشور روسیه مقام دوم را در ذخایر بالقوه جهان دارا می باشد. مدت اتمام ذخایر نفت خام، مایعات و میعانات گازی کشور، نزدیک به ۱۰۰ سال و مدت اتمام ذخایر گاز کشور بیش از ۱۵۰ سال می باشد.^{۱۲} ایران دارای ۱۵۴٫۵۸ بشکه ذخایر اثبات شده نفت خام و ۳۳٫۶۲۰ میلیارد متر مکعب ذخایر اثبات شده گاز طبیعی است. جمهوری اسلامی ایران به تنهایی ۱۲٫۹ درصد ذخایر نفت کشورهای اوپک را نیز دارا می باشد. ایران دومین ذخیره نفت جهان بعد از عربستان و دومین ذخیره گاز جهان بعد از روسیه را داراست، لذا در ذخایر سوخت های فسیلی مقام اول جهان را دارا می باشد.^{۱۳} این ظرفیت باعث می شود تا برای چند دهه آینده نیز جایگاه ایران در ذخایر، تولید و صادرات نفت و گاز جهان همچنان مهم و استراتژیک باشد.

میزان تولید نفت خام ایران در سال ۱۳۸۹ به طور متوسط ۳/۹۴ میلیون بشکه در روز بوده که حدود ۲/۲ میلیون بشکه آن صادر و مابقی آن در داخل مصرف شده است.^{۱۴} تولید گاز طبیعی ایران در سال ۱۳۸۸ بالغ بر ۹۴۲ میلیون متر مکعب در روز بوده است.^{۱۵}

صنعت:

تنوع مواد معدنی	جزء ۱۰ کشور برتر دنیا
تولید سیمان	جزء ۱۰ کشور برتر دنیا
تولید سرب و روی	بزرگترین در خاورمیانه

- ۸- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، ۱۳۹۰، ص ۵۰.
- ۹- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، ۱۳۹۰، ص ۵۲.
- ۱۰- معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی، اقتصاد ایران و فرصت های سرمایه گذاری (برنامه ها و چشم انداز آن)، علاءالدین ازوجی، دفتر برنامه ریزی اقتصادی، آبان ۱۳۸۹.
- ۱۱- آمار ارائه شده در سایت Statistics British Petroleum به آدرس www.bp.com.
- ۱۲- موسسه مطالعات بین المللی انرژی، ترازنامه هیدروکربوری کشور، معاونت برنامه ریزی و نظارت بر منابع هیدروکربوری وزارت نفت، سال های مختلف.
- ۱۳- منبع گزارش سایت اوپک (OPEC)
- ۱۴- وزارت امور اقتصادی و دارایی، گزارش سالانه اقتصاد ایران، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۸۹.
- ۱۵- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، ۱۳۹۰.

تولید خودرو	قبلاً ۱۳ جهان، الآن ۱۸ جهان
تولید فولاد	۱۷ دنیا
تولید مس	جزء ۱۰ کشور اول جهان
تولید فیروزه	جز بزرگترین ها در جهان
تولید پسته، زعفران	جزء برترین های جهان
تولید و صادرات فرش	(بزرگترین در دنیا ۷۵٪ کل تولید جهانی)
صادرات مواد غذایی	جزء کشورهای برتر

معدن:

کشور ایران علاوه بر پهناور بودن، با واقع شدن بر روی یکی از کمربندهای اصلی کوهزایی جهان (که از عوامل موثر در تشکیل مواد معدنی در لایه های زمین است) و وقوع فعالیت های زمین شناسی در آن که موجب تنوع و غنی شدن انواع مواد معدنی ارزشمند در آن گردیده و دارای ذخیره قطعی بالغ بر ۵۵ میلیون تن و تنوع بیش از ۶۴ نوع ماده معدنی اصلی است. ایران ۱/۸ درصد منابع شناخته شده جهانی به میزان ۱۰۴ میلیارد تن را در خود جای داده است. بیش از ۵۰ میلیارد تن از این ذخایر، که قابلیت معدن کاری دارند شامل ۵ درصد منابع مس جهان، ۳/۵ درصد منابع روی، ۱۰/۵ درصد منابع زغال سنگ کک شو و حرارتی جهان و ۲ درصد سنگ آهن جهان می باشند. نیمی از ۲۴ نوع ماده معدنی فلزی و ۳۶ نوع از ۵۰ نوع ماده غیرفلزی جهان در ایران شناسایی و تعیین ذخیره شده است. همچنین از نظر تولید ۱/۱ درصد مس جهان، ۱ درصد سرب و روی، ۰/۰۸ درصد آهن، ۱ درصد زغال سنگ و ۰/۰۴ درصد طلای جهانی به ایران تعلق دارد. (ذخیره قطعی معادن کشور در سال ۱۳۹۰ بالغ بر ۳۶۲،۲۵۰ هزار تن بوده است).^{۱۷}

براساس نتایج طرح آمارگیری از معادن فعال کشور در سال ۱۳۸۹ تعداد ۴۹۷۴ معدن در حال بهره برداری در کشور وجود داشته است. نتایج بدست آمده نشان میدهد، در مجموع ۸۱۲۹۳ نفر در این معادن به کار اشتغال داشته اند.^{۱۸} در همین سال ارزش تولیدات معادن بالغ بر ۵۰۱۴۸ میلیارد ریال بوده است.

معادن عمده فعال کشور شامل: زغال سنگ، سنگ آهن، سرب و روی، سنگ طلا، سنگ مس، کرومیت، منگنز، بوکسیت، کبالت، آنتیموان، تیتانیوم، شن و ماسه، سنگ لاشه، سنگ بالاست، سنگ آهک، سنگ گچ، کائولن، خاک نسوز، دولومیت، بنتونیت و گل سرشوی، منیزیت و گل سفید، سولفات سدیم، باریت، خاک سرخ و زرد، فلورین، سولفات استرونیسم، بر، زرنیک، زاج، فسفات، نمک، سیلیس، پوکه معدنی، فلدسپات، تالک، پنبه نسوز، صدف دریایی، میکا، فیروزه، عقیق و سنگ های قیمتی و نیمه قیمتی می باشند. این معادن متنوع با ذخایر فراوان نشان دهنده ظرفیت بالا و حتی منجر به رفاه ایران می باشند.

خدمات:

بخش خدمات با نیروی کاری معادل ۱۰۰۳۴۵ هزار نفر، سهمی معادل ۴۰/۴ درصد از نیروی کار کشور را به خود اختصاص می دهد.^{۱۹} وضعیت رو به رشد بخش خدمات به ویژه در بخش خدمات مدرن پتانسیل بالای



۱۶- مرکز پژوهش های مجلس شورای اسلامی، جایگاه معدن و کشاورزی در اقتصاد کشور، ۱۳۸۶/۵/۳.

۱۷- پایگاه داده وزارت صنعت، معدن و تجارت.

۱۸- مرکز آمار ایران، سالنامه آماری، ۱۳۹۰، ص ۲۹۸.

۱۹- وزارت امور اقتصادی و دارایی، گزارش سالانه اقتصاد ایران، معاونت امور اقتصادی، ۱۳۸۹.



خود را برای کمک بیشتر به رشد و توسعه کشور نشان می دهد. این بخش دارای پتانسیل جذب سرمایه و اشتغالزایی داشته و همچنین نقش آن در رقابت پذیر کردن کالاها، ایجاد ارزش افزوده و در نتیجه افزایش صادرات کشور، بسیار مهم می باشد. باید توجه شود که ظرفیت اشتغال در کشورهای توسعه یافته نزدیک به ۷۰ درصد می باشد، لذا از این منظر باید اظهار داشت که ظرفیت عظیمی در حوزه خدمات کشور وجود دارد که در صورت استفاده از آن تحولات عمده ای در کشور بوجود خواهد آمد.

زیرساخت های شبکه ارتباطی و حمل و نقل

با توجه به جایگاه مهم ایران به عنوان شاهراه زمینی، هوایی و دریایی سه قاره جهان، بخش حمل و نقل کشور (حمل و نقل جاده ای، ریلی، هوایی و دریایی) به یک پتانسیل بزرگ تبدیل شده است.

۱-۷-۳- ظرفیت های ژئوپلیتیکی

موقعیت ایران میان سه قاره آسیا، اروپا و آفریقا واقع شده و نقش مهمی در ارتباط میان کشورهای مختلف جهان دارد. خاک ایران به تنهایی، بیشتر از مجموع مساحت شش کشور اروپایی آلمان، فرانسه، انگلستان، ایتالیا، هلند و بلژیک است.

۱-۷-۴- ظرفیت های فرهنگی

دین

به دلایل مذکور جامعه دین محور، جمهوری اسلامی ایران از یک انسجام و یکپارچگی برخوردار است که به عنوان یک ظرفیت بزرگ در انسجام ملی خود را نشان می دهد. براساس اصل سیزدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی، ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی اقلیت های دینی می باشند. براساس اصل چهاردهم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظف هستند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند.

زبان

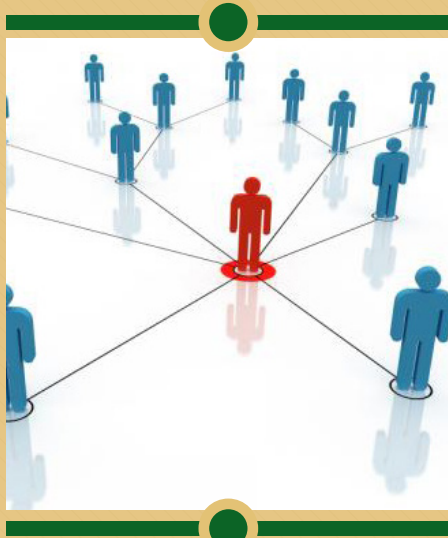
تنوع زبانی علاوه بر زبان فارسی: زبان های عربی و ترکی و نیز گویش های بلوچی، تاتی، تالشی، گیلکی، مازندرانی، کردی و لری و غیره. همچنین بخشی از مردم کشورهای افغانستان، تاجیکستان، غرب پاکستان، کردستان ترکیه و کردستان عراق به زبان فارسی تکلم می کنند که این موضوع یک ظرفیت منطقه ای برای فرهنگ و زبان ایرانی محسوب می شود.

نمادهای ملی

بارگاه امام هشتم، امام رضا (ع) یک نماد مذهبی برای تمامی مردم ایران، و بقاع متبرکه کشور عامل مهمی در تقویت همبستگی مذهبی مردم هستند. همچنین شعرای ایران زمین به عنوان نمادهای ملی یا سرمایه های نمادین عامل تقویت همبستگی ملی و متعاقباً تقویت ظرفیت های کشور هستند.

سنت ها و باورها

ایران با سابقه کهن تاریخی و تجربه دوبار تمدن سازی (یک بار قبل از اسلام و دیگر بار بعد از اسلام) دارای سنت ها و باورهای کهن و کارآمدی می باشد. سنی مانند عدالت اجتماعی، تأمین فقر، برابری و برادری انسان ها، تاکید به کار و تلاش، تاکید بر ایمان مذهبی، درستکاری و



برنامه جامع دانش و فرهنگ

صداقت در کارها، تاکید به پیگیری در دسترسی به علم و استفاده از آن و از جمله ظرفیت های دینی و سنتی ایران می باشند.

میراث فرهنگی

بر اساس طبقه بندی سازمان جهانی یونسکو به لحاظ اهمیت، ایران جزء ۱۰ کشور میراث فرهنگی جهان به شمار آمده است. مجموعه میراث فرهنگی ایران مربوط به دوران قبل و نیز بعد از اسلام یکی از ظرفیت های جذب توریسم فرهنگی و مذهبی از خارج کشور می باشد. همچنین در سال ۱۳۹۰، ۱۵٫۴ میلیون نفر از بناهای تاریخی کشور و ۶٫۷ میلیون نفر از موزه های کشور بازدید داشته اند.

۱-۲-۵- ظرفیت های اجتماعی و انسانی

سرمایه انسانی

- **میزان باسوادی:** در جمعیت ۶ ساله و بیش تر میزان باسوادی مردان ۸۸/۴ و زنان ۸۱/۰۵ درصد می باشد.
- دانشجویان باهوش و زیاد (حدود ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار دانشجو در مقاطع و زیرنظام های مختلف)
- وضعیت بهداشتی خوب کشور در مقایسه با جهان

۱-۲-۶- ظرفیت های علمی

در حال حاضر با حدود ۴ میلیون و ۸۰۰ هزار دانشجو که حدود ۹۰۰ هزار نفر آنها در مقاطع تحصیلات تکمیلی که حدود ۱۰۰ هزار نفر در مقطع دکتری در بیش از ۲۷۰۰ واحد آموزش عالی کشور مشغول تحصیل بوده و با بیش از ۷۰۰ واحد و موسسه پژوهشی و ۸۰۰ انجمن علمی و حدود ۱۰۰۰ نشریه علمی با بیش از ۷۶ هزار عضو هیات علمی و همچنین شتاب افزایش ظرفیت تحصیلات تکمیلی در کنار فعال شدن قانون حمایت از شرکت های دانش بنیان و افزایش آنها به حدود ۳۰۰۰ شرکت با مجوز و بیش از ۱۰۰۰ واحد فناور دیگر مستقر در ۳۳ پارک علم و فناوری و حدود ۱۲۰ مرکز رشد در سراسر کشور با حضور بیش از ۴۰ هزار دانش آموخته، ظرفیت ها و گنج عظیمی است که باید به شکل صحیح مدیریت و فعال شوند.

از نظر مقالات علمی، در سال ۲۰۱۰ از سوی تامسون رويترز بر اساس مقالات تولیدی ثبت شده کشورها در پایگاه استنادی WOS از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۹ شتاب رشد تولیدات علمی ایران ۱۱٫۵ برابر رشد متوسط جهانی شد. ضمناً در سال ۲۰۱۱ برای اولین بار آمار تولید علم ایران بر اساس پایگاه استنادی Scopus بالغ بر ۳۷ هزار مقاله شد که در منطقه رتبه اول یعنی ترکیه را پشت سر گذاشتیم و در جهان رتبه ۱۷ را بدون لحاظ مقالات علمی به زبان فارسی که در داخل منتشر می شود کسب نمودیم.

ظرفیت عمده	وضعیت ظرفیت	شرح ظرفیت	راه حل حداکثر استفاده از ظرفیت ها
ظرفیت های جغرافیایی و اقلیمی	***	بسیار بالا	بهبود مدیریت کلان ظرفیت ها
ظرفیت های اقتصادی	***	تقویت ظرفیت های متوسط و پایین تر (فرهنگی، اجتماعی و علمی)	تقویت ظرفیت های متوسط و پایین تر

تقویت زیربخش های لازم در برخی ظرفیت ها (سرمایه انسانی، سرمایه ...) اجتماعی و	(فرهنگی، اجتماعی و علمی)	**	ظرفیت های فرهنگی
	استفاده از ظرفیت های سیاسی	*	ظرفیت های اجتماعی
	استفاده از ظرفیت های سیاسی	*	ظرفیت های علمی
	بسیار بالا	***	ظرفیت های ژئوپلیتیکی

توجه: *** ظرفیت بسیار بالا ** ظرفیت متوسط به بالا * ظرفیت متوسط و قابل قبول

بررسی ها نشان می دهد که جمهوری اسلامی ایران در چهار حوزه از شش حوزه توانمندی کلان خود، دارای ظرفیت های منحصر به فرد در دنیا بوده، بطوریکه جزو برترین کشور یا کشورها قرار می گیرد. این چهار حوزه عبارتند از:

۱. ظرفیت های جغرافیایی و اقلیمی
۲. ظرفیت های اقتصادی
۳. ظرفیت های ژئوپلیتیکی
۴. ظرفیت های فرهنگی

همچنین جمهوری اسلامی ایران در حوزه ظرفیت های اجتماعی و علمی نیز دارای پتانسیل های متوسط و قابل قبول اما در سطحی پایین تر نسبت به سایر ظرفیت ها قرار دارد.

بررسی مجموع ظرفیت های کلان جمهوری اسلامی ایران به گونه ای است که جایگاه کشور را در صدر قوی ترین کشورهای جهان قرار می دهد. لذا با توجه به ظرفیت های منحصر به فرد ایران در چهار حوزه و ظرفیت های متوسط در دو حوزه دیگر، به نظر می رسد جایگاه ایران را باید حداکثر در میان ۱۰ کشور اول پیشرفته جهان جستجو کرد.

۸-۱- راهبرد پیشرفت آینده کشور

با توجه به اینکه ایران طی دهه های گذشته با به کارگیری راهبردهای مختلف از جمله جایگزینی واردات و توسعه صادرات، نتوانسته است به پیشرفت و توسعه اقتصادی در خور توانایی ها و شایستگی های این بوم و بر و این مردم بزرگ دست بیابد، بایستی به دنبال راهبردهای دیگری باشد. بنابراین، مدیریت کشور بایستی به یک انتخاب بزرگ و اساسی دست بزند. با عنایت به تجارب ایران و کشورهای مورد مطالعه، راهبرد پیشرفت ایران به شرح زیر تبیین می گردد:

«انتقال از اقتصاد متکی بر نفت و مواد خام به اقتصاد مقاوم و دانش پایه» محور ثقل راهبرد پیشرفت اقتصادی فوق مبتنی بر اقتصاد مقاومتی، و به تبع آن اتکای به مردم و توان بومی؛ دانش بنیانی و توسعه فناوری، نوآوری و کارآفرینی؛ توسعه فرهنگ و مدیریت جهادی؛ توزیع متعادل فرصت ها؛ و تعامل سازنده، مؤثر و عزتمند با جهان است که اهداف زیر در فرآیند پیشرفت با اتکا به آنها محقق خواهد شد:

- ارتقای پایداری اقتصادی کشور در برابر نوسان ها و تحریم ها



۲۲ - دیدار با نخبگان علمی کشور، ۶ آبان ۱۳۸۸
 ۲۳ - ممکن است بعضی از صاحب نظران و به اصطلاح تئوریسین های اقتصادی بگویند: آقا نمی شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنید، ناچار باید فاصله ی طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجا است که ما عرض می کنیم «نوآوری». نباید خیال کنیم که نسخه های اقتصادی غرب، آخرین حد دستاورد بشری است؛ نه، این هم یک نسخه ای است، دوره ای دارد؛ آن دوره طی می شود و فکر تازه و فکرنوی به میدان وارد می شود؛ بگردید آن فکر نو را پیدا کنید؛ شاخص باید این باشد. ... ما با این نیت و عزم راسخی که در ملتمان وجود دارد، می توانیم این کشور را باز هم پیش ببریم، مشروط بر این که مسئولان نوآوری را، ابتکار را، خلاقیت را. در روشهای گوناگون. برای خودشان یک وظیفه بدانند (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی ۱۳۸۷/۰۱/۰۱).

- ارتقای بهره‌وری با محوریت توسعه کارآفرینی و ارتقای نوآوری
- جهش در افزایش درآمد و ارتقای رفاه اجتماعی
- مردم‌محوری
- اشتغال‌زایی
- ارتقای توان مدیریت اقتصادی
- توسعه توان رقابتی کسب‌وکارها و کشور در سطح بین‌المللی
- عدالت اقتصادی و مقابله با نابرابری‌ها، فسادها و تبعیض‌ها
- در تراز جهانی

و در یک کلام، دستیابی به اهداف اقتصادی نظیر رشد اقتصادی بالا و با ثبات، افزایش اشتغال و کاهش نرخ بیکاری، توسعه صادرات از طریق افزایش قدرت و توان رقابتی، دستیابی به عدالت اقتصادی و مقابله با نابرابری‌ها، فسادها و تبعیض‌ها و کاهش نرخ تورم و با ثبات سازی آن در خصوص این راهبرد ذکر نکات زیر حائز اهمیت است:

الف- اقتصاد کشور باید در برابر انواع آسیب‌ها، نوسان‌ها و تحریم‌ها مقاوم و پایدار شود.

ب) مقام معظم رهبری اقتدار کشور را بدون انواع دانش ناممکن دانسته‌اند: «دانش، اقتدار می‌آورد». ^{۲۲} ایشان در جای دیگر، پیشرفت اقتصادی را به صورت مشخص مرهون اتخاذ مفهوم «نوآوری» تلقی فرموده‌اند و تاکید داشته‌اند که پیشرفت کشور در گرو این است که مسئولان، نوآوری، ابتکار و خلاقیت را - در روشهای گوناگون - برای خودشان یک وظیفه بدانند. ^{۲۳} ایشان یکی از بنیان‌ها و زیربناهای شکل‌گیری اقتصاد مقاومتی که تقویت درونی کشور است را در تقویت علمی، فناوری و نوآوری مطرح فرموده‌اند و تاکید داشته‌اند که ضمان حفظ استقلال سیاسی و عرض اندام فرهنگی کشور در دنیا وابسته به نوآوری در بخش‌های مختلف است. ^{۲۴} ایشان فعالیت، ابتکار، نوآوری و خلاقیت را اساس پیشرفت انسان عنوان و بر زنده نگه داشتن روح خلاقیت و نوآوری، موکداً توصیه نموده‌اند و نهایتاً خطاب به دولتمردان، مسؤولان کشور، مدیران عالی‌رتبه و اقشار مختلف در هر بخشی از بخشها، رحمت خداوند را در گرو جدیت در کار و کاریست دانش، ابتکار و نوآوری در آن دانسته‌اند. ^{۲۵} این مفاهیم در متون اسلامی (قرآن ^{۲۶} و عترت ^{۲۷}) مورد تاکید قرار گرفته است. با مطالعه و تدقیق در تاریخ اسلام و انبیا الهی، با مصادیق زیادی از بکارگیری دانش و کاریست آن در عرصه عمل در قالب فناوری‌ها و نوآوری‌ها مواجه می‌شویم که این موارد دال بر ضرورت بهره‌مندی از این راهبرد برای پیشرفت جامعه توحیدی و اسلامی است. استاد شهید مرتضی مطهری می‌فرماید: «می‌بینیم در قرآن در آنجا که صحبت از علم است می‌گوید: «عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَى» (النجم/۵)، نمی‌گوید: «عَلَّمَهُ كَثِيرُ الْعِلْم»؛ در اینجا که صحبت از قدرت است علم را به میان می‌آورد: «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ». ^{۲۸}

از سوی دیگر طی دهه‌های گذشته سرمایه‌گذاری عظیمی در آموزش در کشور صورت گرفته است. توجه به نوآوری در تولید و تجارت، از یک طرف باعث افزایش استفاده از سرمایه انسانی شکل گرفته در کشور و ایجاد اشتغال مؤثر و پایدار می‌شود و از طرف دیگر ظرفیت‌های دانشگاه به صورت هدفمند و متناسب با نیاز تولید کشور با محوریت نوآوری اختصاص خواهد یافت. با عنایت به توسعه جهانی شدن و گسترش

۲۴- ما باید از درون خودمان را تقویت کنیم؛ تقویت علمی، تقویت اقتصادی، تقویت نوآوری و بالاتر از همه، تقویت ایمانی (۱۳۸۸/۰۲/۲۲)

۲۵- اما اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفائی کار، به نوآوری در بخشهای مختلف کار. از مرکز تحقیقات و آزمایشگاه گرفته، تا توی محیط کارگاه‌ها، تا توی محیط مزرعه، در همه جا بایستی این نوآوری وجود داشته باشد. آن وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهانهای خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان، ۱۳۸۷/۰۲/۰۴)

۲۶- موکداً توصیه می‌کنم که رشته‌ی علم و تحقیق و نوآوری در دانش و زنده کردن روح ابتکار و خلاقیت و آفرینش درونی و حقیقی خود را رها نکنند. فعالیت و ابتکار و نوآوری و خلاقیت، اساس پیشرفت انسان و زندگی انسانی است. دولتمردان، مسؤولان کشور، مدیران عالی‌رتبه و اقشار مختلف در هر بخشی از بخشها - که یک گوشه‌ی آن، بخش صنعت یا معدن است - در صورتی که کار را با جدیت دنبال کنند و ابتکار و نوآوری در آن به کار برند و دانش را در آن به کار بگیرند، رحمت خدا شامل حال آنها خواهد شد (بیانات در دیدار کارکنان مجتمع مس سرچشمه، ۱۳۸۴/۰۲/۱۸)

۲۷- اَلَمْ يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ، از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می‌ترسند. (سوره فاطر، آیه ۲۸)؛

همچنین در آیه ۹ سوره زمر تاکید شده است که در پیشگاه خداوند متعال کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسان نیستند: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَغْلُمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَغْلُمُونَ»؛ در سوره المجادلة (۵۸/۱) آیه ۱۱ خداوند متعال می‌فرماید: يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ، خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده درجات عظیمی می‌بخشد.

۲۸- امام صادق (علیه السلام) می‌فرماید: «كَفَى بِخَشْيَةِ اللَّهِ عِلْمًا؛ علم برای خشیت و ترس از خدا کافی است.» (بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۷).

امیرالمومنین امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «لَنْ يَصْفُو الْعَمَلُ حَتَّى يَصْخُ الْعِلْمُ»، تا زمانی که علم درست نشود، عمل پاکیزه و خالص نخواهد شد (غیر الحکم/ ۲۵۵).

۲۹- ایشان ذیل آیل شریفه «قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْكِتَابِ» (نمل/۴) می‌فرماید: خداوند در این آیه که بحث از قدرت است علم را به میان می‌کشد، در سوره والنجم که بحث از علم است قدرت را به میان می‌کشد. این به واسطه توأم بودن این دو است. اساسا علم و قدرت عین یکدیگرند، علم عین قدرت است و قدرت عین علم است و این تفکیکی که انسان میان علم و قدرت می‌کند یک اشتباه است؛ اصلا خود علم قدرت است و قدرت علم است و لهذا در ذات پروردگار هر دو به شکل واحد موجود هستند. (مطهری، مجموعه آثار، ج ۴، ص: ۴۳۹-۴۴۰)





مرزهای رقابت از سطح ملی به سطح بین-المللی، اقتصادهایی قادر خواهند بود که اولاً بازار داخلی خود را در برابر رقبای بین‌المللی حفظ کرده و ثانیاً از فرصت‌ها و بازارهای جهانی استفاده کنند که نوآوری را در ابعاد مختلف توسعه داده و بتوانند با ارتقای بهره‌وری (به منظور تولید محصولات با کیفیت بالاتر و هزینه کمتر) تولید خود را بهبود دهند. یعنی نوآوری منجر به ارتقای بهره‌وری شده و ارتقای بهره‌وری منجر به توسعه توان رقابتی اقتصادها می‌شود.

ج- علی‌رغم تلاش‌ها و توسعه‌ها، در حوزه اقتصادی کار زیادی باقی مانده و باید وضعیت معیشت و رفاه مردم ارتقا یابد.

د- کشور به ارتقای مدیریت اقتصادی و به‌کارگیری فرهنگ و مدیریت جهادی نیازمند است. تاکید بر عمل، تلاش و مجاهدت در دین اسلام، ملازم تاکید بر کار کیفی و با بهره‌وری بالا است. پرواضح است که بهره‌وری در کارها در ادبیات علمی امروزی از نتایج فناوری و به تبع آن نوآوری است. لذا نتیجه منطقی حاصل از واکاوی آیات، احادیث و روایات، تاکید بر فراگیری علم و دانش و ملازمت با آن در همه شئون در گام اول و سپس اقدام به عمل و مجاهدت در گام بعدی است. علاوه بر این دو، توجه به نهایت بهره‌وری مورد اهتمام اسناد و متون اسلامی است. براین اساس راهبرد دانش، فناوری و نوآوری مبتنی بر مستندات برآمده از نصوص و روایات مورد اطمینان تشیع، تاکیداً مورد تأیید است.

ه- مردم از تبعیض‌ها و ناکارآمدی‌ها رنج می‌برند.

و- باید به تعامل مؤثر، پایدار و عزتمندانه با جهان بپردازیم.

۹-۱- سیاست‌ها و راهکارهای اقتصادی

اگر بخواهیم شکل عملیاتی‌تری به بحث بدهیم، باید برای رسیدن به نتایج مذکور به مواردی چون موارد زیر بپردازیم:

۱-۹-۱- اقتصاد کلان

۱-۱-۹-۱- ایجاد اشتغال

در تابستان سال ۱۳۹۵ نرخ بیکاری ۱۲٫۷ درصد بوده است. بیکاری معمولاً با میانگین نرخ بیکاری بیان می‌شود؛ اما باید توجه داشت که ممکن است تفاوت زیادی بین نرخ‌های بیکاری بین شهرستان‌ها، گروه‌های سنی، گروه‌های تخصصی و... باشد. بنابراین علاوه بر تعیین هدف برای میانگین نرخ بیکاری، باید برای پراکندگی نرخ بیکاری به تفکیک شهرستان‌ها و گروه‌های سنی و تحصیلی نیز هدف‌گذاری شود. به عنوان مثال میانگین نرخ بیکاری در سال ۱۳۸۹، ۱۳٫۵ درصد و انحراف معیار آن در توزیع بین شهرستان‌ها هفت درصد بوده است. به عبارت دیگر؛ در ۶۸ درصد از شهرستان‌ها نرخ بیکاری بین ۶٫۵ درصد تا ۲۰٫۵ درصد بوده و در ۱۶ درصد از شهرستان‌ها نرخ بیکاری بیش از ۲۰ درصد بوده است.

در جدول زیر نرخ بیکاری سال ۱۳۹۵ در سنین مختلف نمایش داده شده

نرخ بیکاری	سن	نرخ بیکاری	سن
۵٫۰٪	۴۰ - ۴۴	۶٫۷٪	۱۰ - ۱۴
۵٫۰٪	۴۵ - ۴۹	۲۵٫۰٪	۱۵ - ۱۹



۲۴-۲۰	%۳۱٫۹	۵۴-۵۰	%۵٫۱
۲۹-۲۵	%۲۳٫۹	۵۹-۵۵	%۴٫۹
۳۴-۳۰	%۱۳٫۰	۶۴-۶۰	%۲٫۲
۳۹-۳۵	%۷٫۰	۶۵ و بیشتر	%۱٫۹

است.

در بین افراد شاغل (با تعریفی که مبنای محاسبه نرخ بیکاری است) تعدادی دارای اشتغال ناقص هستند. اشتغال ناقص شامل تمام شاغلانی است که زمان اندازه‌گیری، حداقل دو ساعت در هفته شاغل بوده‌اند اما به دلایل اقتصادی نظیر رکود کاری، پیدا نکردن کار با ساعت کار بیشتر، قرار داشتن در فصل غیرکاری و... کمتر از ۴۴ ساعت کار کرده و خواهان و آماده برای انجام کار بیشتر هستند. در واقع این افراد را باید بیکار محسوب کرد. بیش از ۲ میلیون نفر (۹٫۵٪) از شاغلان در تابستان ۱۳۹۵ دارای شغل ناقص بوده‌اند.

بیکاری فارغ التحصیلان، آشکارترین نمود بیکاری در کشور است که باید به طور ویژه مورد توجه باشد. برای اشتغال فارغ التحصیلان از یک طرف باید فرصت‌های شغلی و از طرف دیگر آمادگی احراز مشاغل را برای فارغ

اهداف

ایجاد حداقل سالی یک میلیون شغل خالص برای تحقق اهداف برنامه ششم
کاهش تفاوت نرخ بیکاری بین شهرها و گروه‌های سنی و تحصیلی

راهکارها

برای افزایش اشتغال، باید تولید افزایش یابد. راهکارهای افزایش تولید عبارتند از:

۱. افزایش تقاضای محصول: افزایش صادرات، کاهش واردات و قاچاق، افزایش سرمایه‌گذاری، افزایش مصارف خانوار (در نتیجه افزایش اشتغال و درآمد در دوره‌های بعدی)
۲. افزایش عرضه محصول: ارتقای زیرساخت‌های نهادی (بهبود فضای کسب و کار)، تامین منابع مالی، سرمایه‌گذاری برای ایجاد ظرفیت‌های جدید و جبران استهلاك، افزایش توانمندی بنگاه‌های اقتصادی
۳. افزایش کارایی بازار کار
۴. کاهش ضوابط غیر ضروری و اصلاح قوانین مرتبط
۵. برنامه ارتقای مهارت
۶. ارتقای آمادگی منابع انسانی
 - تشویق دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی برای تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای بازار کار از طریق رتبه‌بندی و اعطای بودجه و امتیازات براساس رتبه
 - ایجاد مراکز توسعه فردی (ارایه دوره‌های آموزشی تکمیلی، ارایه خدمات مشاوره و...) این مراکز یکی از مولفه‌های دالان کسب کار هستند.



- پرداخت بخشی از کارمزد بکارگیری فارغ التحصیلان توسط دولت

۷. راهبردهای اصلاح عرضه و تقاضا، باید متوازن باشند؛ برای تداوم تولید و اشتغال، باید برای محصولات تولید شده، تقاضا وجود داشته باشد. به عنوان مثال، با جایگزینی ۵ میلیارد دلار از کالاهای قاچاق با تولید داخلی، حدود ۳۵۰ هزار شغل جدید ایجاد می‌شود.

۱-۹-۱-۲- تقلیل وابستگی اقتصاد به نفت خام

بررسی شاخص‌های اقتصاد کشور نشان می‌دهد که نفت عامل تأثیرگذار مهمی در اقتصاد کشور است که در عین حال نوسانات خود را به تمامی اقتصاد تحمیل کرده و ثبات و پایداری آن را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

اهداف

کاهش سهم بودجه دولت از درآمد نفت به کمتر از ۳۰٪
بزرگتر کردن بخش غیرنفتی اقتصاد
بالا بردن ارزش افزوده در بخش نفتی

راهکارها

راهکارهای جهت کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی در نظر گرفته شده‌اند:

- تفکیک درآمد نفت از حساب بودجه و التزام به هزینه‌کرد آن برای پیشرفت و توسعه اقتصاد کشور در آینده
- توسعه زیرساخت‌های کشور و افزایش سرمایه‌گذاری عمرانی دولت از محل درآمدهای نفتی
- عدم تخصیص منابع حاصل از درآمدهای نفتی برای اعتبارات هزینه‌ای و افزایش تخصیص منابع درآمدهای نفتی برای پیشرفت
- افزایش بهره‌وری و ارتقای کارایی و اثربخشی بودجه عمومی از طریق اصلاحات نهادی و اصلاح ساختار نیروی انسانی بخش دولت
- مدیریت سیستم مالیات در راستای حداقل‌سازی فرار مالیاتی و افزایش درآمدهای مالیاتی دولت از طریق گسترش پایه‌های مالیاتی
- توسعه و تقویت صنایع پایین دستی نفت و گاز
- ارتقای بنیان‌های تولید و کمک به تغییر راهبرد تولید از سنتی به تولید تجاری و دانش پایه
- توسعه بهره‌برداری از میادین گازی در راستای افزایش صادرات گاز به سایر کشورها

۱-۹-۱-۳- مبارزه با فقر، حرکت به سوی توزیع متعادل فرصت‌ها و درآمدها و توازن و توسعه منطقه‌ای

فقر به معنای ناتوانی در تأمین نیازهای اساسی زندگی از قبیل خوراک، پوشاک، مسکن و معیشت خانواده است. فقر را می‌توان به دو سطح مطلق و نسبی تفکیک کرد. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده



می‌شود، تعریف می‌شود. در فقرنسبی به نابرابری در توزیع درآمد و ثروت بیش از میزان مطلق درآمد افراد توجه می‌شود. در ایران دسترسی به امکانات عمومی (آب، حمل و نقل، آموزش، سلامت و ...) در حد مناسبی بوده و و مسائل تأمین مسکن و تغذیه مهم‌تر هستند.

اهداف

۱. کاهش افراد گرفتار فقر مطلق به کمتر از ۵۰٪
۲. توسعه عدالت اقتصادی
۳. توسعه و توازن منطقه‌ای بهتر
۴. توزیع مناسب‌تر فرصت‌ها

۱. افزایش اشتغال
 - توانمند سازی ۳ میلیون نفر از افراد تحت پوشش سازمان‌های حمایتی برای کسب فرصت‌های شغلی
 - توزیع متناسب فرصت‌های شغلی در مناطق کشور
۲. ساخت مسکن ارزان قیمت برای ۵۰۰ هزار خانوار کم توان
۳. پرداخت کمک و یارانه کافی برای تأمین نیازهای غذایی فقرا
۴. افزایش مشارکت‌های مردمی و هماهنگی آنها در فعالیت‌های حمایتی (فرا تر از پرداخت صدقه)
۵. اصلاح مأموریت‌ها و ساختار دولت؛ تجمیع، بازنگری و اصلاح ساختار نهادهای امدادگر در کشور.
۶. گسترش بیمه (انواع بیمه‌ها و پوشش آن‌ها)
۷. ضرورت توجه به توزیع متعادل و برابر فرصت‌ها، امکانات برای فعالیتهای اقتصادی در مناطق مختلف کشور برای همه در مراحل مختلف قبل / حین / بعد از انجام فعالیت‌های اقتصادی
۸. نهادسازی کارآمد تأمین اجتماعی و ایجاد جامعیت در ارائه خدمات امور تأمین اجتماعی به منظور تمرکز و یک-پارچه‌سازی مدیریت نهادهای حمایتی و امدادی و ارتقای قدرت خرید اقشار متوسط و آسیب پذیر جامعه
۹. طراحی و اجرای نظام مالیاتی مناسب و کارآمد در جهت بهبود توزیع درآمدها
۱۰. شناسایی اقشار کم درآمد و گروه‌های هدف برای حمایت‌های مورد نیاز
۱۱. حذف یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم که همه اقشار جامعه به صورت مساوی از آن بهره‌مند می‌شوند و توزیع هدفمند یارانه برای اصابت یارانه به اقشار آسیب پذیر
۱۲. رصد و پیش‌بینی حرکت‌های جمعیتی، تغییرات احتمالی و تدوین تدابیر موثر جهت مدیریت روندهای جمعیتی نامناسب
۱۳. شناسایی و معرفی فرصت‌های تولید و اشتغال و فعالیت‌های کارآفرینی در مناطقی نظیر روستا که مهاجر فرست هستند.
۱۴. متعادل و متوازن ساختن توزیع جمعیت در پهنه سرزمین با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در مناطق کم جمعیت



۱۵. گسترش فعالیت‌های صنعتی با توجه به قابلیت‌های معدنی، امکانات صادراتی، چشم‌انداز شبکه‌های ارتباطی با عملکرد بین‌المللی
۱۶. تهیه و تدوین و اجرای برنامه آمایش سرزمین در کشور به منظور نیل به توازن و توسعه متوازن منطقه‌ای

۹-۱-۴- مقابله با ناکارآمدی و فساد

فساد در دستگاه‌های حاکمیتی و فسادهای اقتصادی، باعث کاهش اعتماد مردم به حاکمیت شده و مهم‌ترین قبح فساد را از بین برده است. شفافیت اطلاعات و عملکرد سازمان‌های حاکمیتی و غیر حاکمیت، باعث افزایش کارایی، مسئولیت‌پذیری و اعتماد عمومی و کاهش فساد می‌شود. ناکارآمدی سامانه‌ها و مجموعه‌های دولتی و عمومی به این موضوع دامن زده و در عین حال، باعث تداوم برخی مشکلات کشور شده است.

اهداف

۱. کاهش فساد در دستگاه‌های حاکمیتی تا حد قرار گرفتن در بین ۳۰ کشور اول جهان
۲. شفافیت اقتصادی
۳. ارتقای کارآمدی

راهکارها

۱. شفافیت
 - انتشار عمومی هزینه‌های و معاملات دستگاه‌های حاکمیتی (دولت، نهادهای عمومی، قوه مقننه و قضائیه شهرداری‌ها)
 - ثبت و اعلام عمومی دارایی‌ها و درآمد مدیران (تا سطح مدیران کل) قبل و بعد از مسئولیت
 - ارائه گزارش‌های درخواستی به مردم درباره پروژه‌ها، مناقصات، وام‌های دولتی و ...
 - انتشار عمومی گزارش عملکرد دستگاه‌های حاکمیتی مبتنی بر شاخص‌های استاندارد و قابل مقایسه بین واحدهای مشابه در مقاطع روند زمانی
 - انتشار جریان رسیدگی، گزارش پرونده و احکام صادر شده بدون بیان مشخصات شاکی و متهم
 - اجرای دقیق و کامل حاکمیت شرکتی (برای شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار)
۲. کاهش پیچیدگی و فرصت‌های رشوه و اختلاس
 - اصلاح مأموریت و ساختار دولت
 - دالان کسب و کار
 - اصلاح عملکرد و ساختار نظام بانکی
۳. ردیابی تراکنش‌های مالی
۴. حمایت و حفاظت از افشاگران
۵. آموزش تخصصی روش‌های کشف فساد برای عموم داوطلبان
۶. تقویت اصول اخلاقی در خدمات بخش عمومی و مدیریت شرکت‌ها



۷. تقویت مطالبه مردمی مبارزه با فساد
 ۸. سرعت عمل و شفافیت دستگاه قضایی در برخورد با فساد
 ۹. محدودیت‌های شغلی برای مقامات دولتی فاسد
- بهبود وضعیت معیشت مردم تاثیر قابل ملاحظه ای بر کاهش جرایم دارد.

۱-۹-۵- اصلاح ساختار بودجه دولت

ساختار بودجه کشور دچار مسائل زیادی است، مسائلی مانند: سهم بالای بودجه شرکت‌های دولتی در بودجه کل کشور و عدم نظارت دقیق بر آن‌ها، بدهی بسیار زیاد دولت به بانک‌ها، بانک مرکزی و پیمانکاران، وابستگی به صادرات نفت خام، سهم اندک منابع قابل مدیریت در بودجه، مداخله دولت در بسیاری از امور تصدی گرایانه و تبعات مالی و هزینه‌ای آن‌ها و...

اهداف

۱. اصلاح مأموریت و ساختار حاکمیت
۲. کاهش مداخله دولت و واگذاری کارها به بخش خصوصی و شهرداری‌ها
۳. واگذاری اموال مازاد و شرکت‌های دولتی
۴. اجرای دقیق بودجه‌بندی عملیاتی

راهکارها

۱. انتشار عمومی هزینه‌های دولت حذف تاثیر بودجه دولت بر نرخ ارز
۲. ثبات خدمات دولت و عدم وابستگی به قیمت و مقدار فروش نفت
۳. کاهش هزینه‌های دولت
۴. کاهش بدهی‌های دولت به بانک‌ها
۵. افزایش شفافیت و دقت بودجه

۱-۹-۶- مبارزه با قاچاق

برآورد می‌شود که حجم قاچاق حدود ۱۸ میلیارد دلار است. البته باید به این رقم، کم اظهاری قیمت کالاهای وارداتی از گمرک نیز افزوده شود.

هدف: کاهش حداقل ۶۰ درصدی قاچاق کالا تا سال ۱۴۰۰

راهکارها

۱. ردیابی جابه جایی کالا؛ ایجاد سامانه اطلاعات زنجیره تأمین
 ۲. ردیابی مالی
- ردیابی تراکنش‌های پولی مشکوک
 - ردیابی معاملات؛ سامانه مالیات: اتصال ارزش اعلام شده به گمرک و مالیات ارزش افزوده، شناسایی و بررسی درآمدهای اشخاص
 - ۳. تقویت اقتصاد و اشتغال مرزی

۱-۹-۷- بهبود محیط کسب و کار

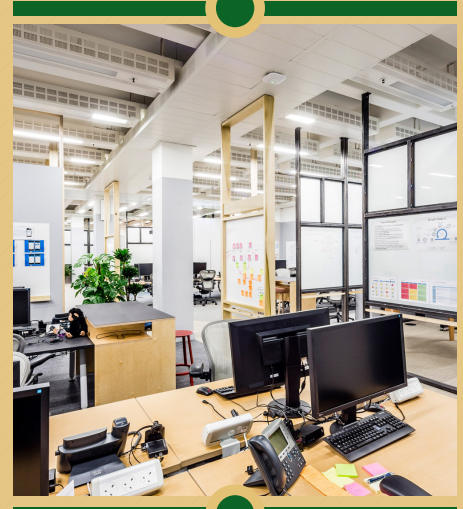
کسب و کارها با چالش‌های متعددی روبرو هستند؛ چالش‌هایی مانند منابع مالی (ضمانت، تسهیلات بانکی، جذب سرمایه و ...)؛ منابع انسانی (شناسایی و جذب نیروی انسانی توانمند، تشکیل تیم و ...)؛ اطلاعات فنی؛ قیمت، کیفیت و تأمین مواد اولیه؛ قیمت تمام‌شده و کیفیت محصول؛ تأمین تجهیزات آزمایشگاهی و تولیدی؛ نظارت، ارزیابی؛ دادرسی؛ دریافت مجوزها، احراز صلاحیت، ثبت، رانت‌ها، تقابل‌ها، مافیایها و ... این چالش‌ها، مسائل زیادی برای کسب و کارها ایجاد می‌کنند. برخی از مسائل کسب و کارها، داخلی (مربوط به درون بنگاه) و برخی مربوط به محیط کسب و کار است.

اهداف

۱. اثبات‌سازی اقتصاد به‌منظور کاهش ریسک و عدم اطمینان
۲. مناسب کردن فضای قانونی و مقرراتی
۳. ارتقای کارآمدی بازارهای کلان

راهکارها

- پیگیری تنظیم قوانین تسهیل‌کننده فضای کسب و کار و پیگیری اجرایی کردن قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار و همچنین اصلاح این قانون با رویکرد تحت پوشش قرار دادن حوزه‌های موضوعی مختلف محیط کسب و کار
- کاهش هزینه مبادله از طریق ساده‌سازی و کارآمدسازی قانون‌ها و مقررات برای تسهیل فرآیندهای مختلف فعالیت‌های کسب و کار
- تسهیل برای بکارگیری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فناوری‌های نوین از طریق کوتاه کردن مدت زمان و فرآیند صدور مجوز
- راهکارهای اثبات‌سازی فضای اقتصادی
- سیاست‌ها و راهکارهای اثبات‌سازی اقتصاد و محیط کسب و کار به‌منظور کاهش ریسک و عدم اطمینان از جمله اثبات‌سازی سطح قیمت‌ها، نرخ ارز، نرخ سود بانکی به‌منظور افزایش توان و پیش‌بینی‌پذیر ساختن آنها برای عاملان اقتصادی
- تقویت مدیریت کارآمد و موثر محیط کسب و کار و مقاوم‌سازی آن به‌منظور خنثی‌سازی و یا تقلیل آثار منفی تکانه‌های داخلی و خارجی در اقتصاد
- راهکارهای ارتقای کارآمدی بازارهای اقتصاد کلان
- پیگیری اجرای کامل سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی برای توسعه رقابت در بازارهای کلان
- کاهش مداخلات ناکارآمد دولت در بازارهای مالی، بازار کل کالاها و خدمات و بازار کار با محوریت افزایش انعطاف‌پذیری کارکرد این بازارها از جمله کاهش مداخلات ناکارآمد دولت
- گسترش بازارهای مالی برای تأمین مالی کسب و کارها





۱-۹-۱-۸- توسعه رقابت پذیری

اهداف

۱. توسعه رقابت
۲. مقابله با انحصار

راهکارها

۱. اجرای کامل و دقیق قانون سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی به ویژه فصل نه (۹) این قانون با عنوان منع انحصار و توسعه رقابت در راستای توسعه فضای رقابتی و رفع موانع موجود.
۲. تقویت رویکرد کسب و کارها و کارآفرینان به منظور سرمایه‌گذاری در راستای تولید و تجارت با نگاه محلی-جهانی برای حضور در بازارهای جهانی
۳. تمرکز بر تولید با رویکرد تولید محصولات کیفی و با دانش و فناوری بومی
۴. کاهش وابستگی واردات به درآمدهای حاصل از صادرات نفتی با ارتقای کیفیت صادرات غیرنفتی و تغییر ترکیب آن به نفع کالاهای با فناوری بالا و فراآوری شده
۵. فراهم کردن زمینه‌های لازم جهت تغییر ترکیب واردات به نفع کالاهای سرمایه‌ای در راستای واردات فناوری.
۶. مقاوم‌سازی اقتصاد از طریق نقش‌آفرینی بیشتر نهادهای مردمی در اقتصاد، کاهش انحصار و دولت‌محوری و کاستن از تصدی‌های بخش دولتی و شبه‌دولتی در راستای کاهش آسیب پذیری در مقابل تحریم‌ها
۷. اصلاح قوانین تجاری بواسطه:
 - زمان‌دار کردن تعرفه‌ها و تغییر تدریجی آن
 - بکارگیری سیاست‌های حمایتی هدفمند جهت صادرات کالا و خدمات
۸. کاهش فرآیند صادرات کالا و خدمات از طریق:
 - کاهش مدت زمان صادرات کالا بواسطه حمایت از پنجره واحد تجاری و تجهیز زیرساخت‌های اقتصاد به نوآوری و فناوری
 - کاهش مجوزهای لازم جهت انجام صادرات
۹. تسریع در صدور بیمه‌نامه‌های خدمات فنی و مهندسی
۱۰. گسترش دسترسی به خدمات مالی نوین

۱-۹-۱-۹- ارتقای بهره‌وری

هدف:

اکتساب ۳ واحد درصد از رشد اقتصادی سالانه کشور از طریق ارتقای بهره‌وری (با اصلاح نظام تخصیص منابع، تجاری‌سازی دانش، رشد و پیشرفت اخلاقی و فرهنگی، منابع انسانی)

راهکارها

راهکارها:

با توجه به علل و عوامل پایین بودن بهره‌وری در ایران، مهمترین راهکارهای ارتقای بهره‌وری شرح زیر است:

۱. راهکار اصلاح نظام تخصیص منابع:

- شناسایی و معرفی فرصت‌های تجاری - تولیدی بین‌المللی، ملی، منطقه‌ای و محلی به کسب و کارها از طریق بانک‌های اطلاعاتی به تفکیک حوزه‌های موضوعی در پهنه جغرافیایی
- ضرورت ارزیابی فنی، اقتصادی فعالیت‌های اقتصادی، طرح‌ها و پروژه‌های خصوصی و دولتی به منظور هدایت منابع به سمت تخصیص بهینه و رشد و توسعه سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های با بازدهی بالا در بخش‌های مختلف صنایع و معادن، کشاورزی و خدمات با محوریت شناسایی در راستای ارتقای قدرت رقابتی کشور

- اتخاذ تدابیر موثر برای بهره‌برداری از ظرفیت‌ها و سرمایه‌های موجود کشور و کاهش وابستگی اقتصاد کشور به نفت و گاز

۲. راهکارهای تجاری‌سازی دانش:

- اصلاح قوانین و مقررات در فرآیندهای مختلف تجاری‌سازی دانش و فناوری به ویژه قانون حقوق مالکیت معنوی
- حمایت از رشد و توسعه کاربرد دانش، فناوری و نوآوری در کسب و کارهای کارآفرینانه
- بهبود فرآیندهای تولید از طریق بکارگیری رشد و توسعه فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد و بخش‌های تولید و فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت استفاده از فناوری‌های نوین
- طراحی و تدوین سازوکارهای تشویقی لازم برای مدیران و نیروی کار جهت ارتقای روحیه خلاقیت و نوآوری و حمایت از این قبیل فعالیت‌ها

- سرمایه‌گذاری در نیروی انسانی متخصص، متعهد و عمل‌گرا و حمایت مستمر از پژوهش‌های کاربردی

۳. راهکارهای رشد و پیشرفت اخلاقی و فرهنگی:

- اصلاح رفتار مدیران کشور در سطوح مختلف در راستای تطبیق و ایجاد کنش‌های اخلاق‌مدارانه به عنوان رویکرد عملی برای رشد و توسعه اخلاق در جامعه و میان مردم
- تبیین سازوکارهای موثر برای رشد و توسعه سرمایه‌های فرهنگی و اخلاقی در فضای اقتصادی

۴. راهکارهای منابع انسانی:

- اصلاح نظام آموزشی کشور برای تربیت نیروی انسانی متناسب با نیازهای بازار کار
- بهبود اثربخشی منابع انسانی موجود به ویژه از طریق ارائه آموزش‌های کوتاه‌مدت و تخصصی
- تأکید بر آموزش و توسعه کارآفرینی با رویکرد انتقال دانش از مراکز تولید دانش به درون کسب و کارها
- بازنگری در سیاست‌های تعیین دستمزد با توجه به مؤلفه بهره‌وری
- بازنگری در سیاست‌های بازار کار جهت ایجاد انعطاف‌پذیری‌های





لازم در این بازار و فراهم آوردن زمینه‌های لازم جهت سهولت جابه‌جایی نیروی کار

۱-۹-۱۰- توسعه دانش، فناوری و نوآوری

اهداف

۱. افزایش سهم محصولات با فناوری متوسط به بالا از تولید ناخالص داخلی به ۵ درصد تا ۱۴۰۰
۲. حمایت از نوآوری و کارآفرینی

۱. راهکارهای نهادسازی

- اصلاحات نهادی و ایجاد یا تقویت نهادهای توسعه‌ای در سطح ملی. در واقع خط‌مشی‌های مرتبط با دانش و نوآوری باید مبتنی بر سرمایه‌گذاری اساسی در ایجاد نهادها نوین برای توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز باشد و در این ارتباط ایجاد نهادهای توسعه‌ای برای سرمایه‌گذاری در ایجاد نوآوری برای رشد پایدار ضروری است.
- توسعه نهادهای علمی به منظور ایجاد زیرساخت‌های تحقیقاتی و تکنولوژیکی جهت گسترش پیوند میان این مراکز تحقیقاتی و بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی با رویکرد توسعه ارتباط صنعت و دانشگاه.
- کارآمدسازی و گسترش پارک‌های علمی فناوری در مناطق مختلف کشور و تلاش در راستای خودکفایی آنها. در واقع صرف حمایت‌های مالی از این پارک‌ها جهت توسعه نوآوری کافی نیست و باید زمینه‌های لازم جهت توانمندسازی آنها برای خلق و فروش ایده و نوآوری خود به اصحاب صنعت و اقتصاد فراهم شود.
- فراهم آوردن بسترهای لازم برای انتقال دانش، فناوری و نوآوری بین المللی به اشکال مختلف از جمله جذب سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی. بدیهی است در فرآیند بومی‌سازی دانش وارداتی، یکی از اصول موفقیت‌آمیز برای رشد و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی تلقی می‌شود. برای این منظور سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه مکمل الزامی است.
- ورود سرمایه‌گذاران خارجی بویژه در صنایع پیشرفته و ورود فناوری‌های جدید و تکنولوژی‌های پیچیده به کشورها به عنوان یکی از عوامل مؤثر توسعه نوآوری و بومی‌سازی دانش، فناوری و نوآوری.

۲. راهکارهای حمایتی

- جهت‌دهی حمایت‌ها یا کمک‌ها به سمت مناطقی از کشور که ظرفیت و پتانسیل‌های بیشتری در تحقیق و توسعه در حوزه‌های خاصی دارند.
- حمایت از تولید محصولات با فناوری بالا (های‌تک) از طریق:
- پرداخت یارانه سود تسهیلات برای تولید محصولات با فناوری بالا



- اولویت بخشی به تولید محصولات با فناوری بالا در پرداخت تسهیلات از محل صندوق ذخیره ارزی
- کمک به توسعه فعالیت های تحقیق و توسعه (R&D) مؤسسات خصوصی.
- طراحی و استقرار نظام ملی نوآوری بواسطه:
- اصلاح و تکمیل قوانین و مقررات مرتبط با حفظ حقوق مالکیت معنوی
- گسترش برنامه ریزی شده و اثربخش مراکز رشد علم و فناوری در کشور
- گسترش صندوق های سرمایه گذاری خطرپذیر
- تأکید بر آموزش و توسعه کارآفرینی با رویکرد انتقال دانش از مراکز تولید دانش به درون کسب و کارها
- توسعه بکارگیری کسب و کار الکترونیکی و تجارت الکترونیک بواسطه گسترش زیرساخت های نهاد فاوا (ICT) مورد نیاز بنگاه های تولیدی توسط وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
- حمایت از شکل گیری خوشه های کسب و کار از طریق:
- حمایت از شکل گیری و توسعه خوشه های تولیدی و صادراتی از طریق اولویت در پرداخت تسهیلات، برقراری پوشش های بیمه ای
- حمایت فنی و آموزشی از بنگاه های کوچک و متوسط توسط دستگاه های ذیربط

۱-۹-۱۱- مردمی کردن اقتصاد/ توسعه مشارکت عمومی. خصوصی برای توسعه زیرساخت

مردم زیادی احساس مشارکت فعال، کارآفرین و مؤثر در عرصه اقتصاد را ندارند. همچنین مشارکت عمومی. خصوصی برای توسعه زیرساخت ها ضمن اینکه زمینه جلب منابع مالی بخش خصوصی را فراهم می کند، بر ارتقای کارایی و سرعت بخشی پروژه های زیرساختی تاثیر بسزایی دارد.

اهداف

۱. سهم کردن بیشتر مردم در اقتصاد کشور
۲. تقویت حضور بخش خصوصی برای توسعه زیرساخت ها
۳. استفاده حداکثری از تمامی ظرفیت های موجود

راهکارها

- حمایت از توسعه کارآفرینی
- فراهم کردن زمینه حضور و نظارت بیشتر مردم در اقتصاد
- ایجاد فضا برای نهادهای مشارکتی مردمی برای حل مشکلات اقتصادی
- توسعه و توانمندسازی تعاونی ها
- تهیه و تدوین قانون ها و مقررات تسهیل کننده برای تقویت مشارکت عمومی. خصوصی در توسعه زیرساخت ها و همچنین اصلاح قانون های جاری ناظر بر مشارکت بخش خصوصی در





طرح‌های دولتی در جهت هم راستا کردن آن با الگوی نوین توسعه و لزوم اتکای اقتصادی بر بخش خصوصی برای مشارکت در اجرای طرح‌های بزرگ

- ضرورت تهیه و تدوین برنامه راهبردی برای مشارکت عمومی - خصوصی در توسعه زیرساخت‌ها که طی آن رویکرد بلندمدت دولت و حوزه‌های زیرساختی به طور شفاف تبیین شده باشد.
- ایجاد نهادهای متولی امور برای سرعت بخشیدن به مشارکت عمومی - خصوصی در توسعه زیرساخت‌ها
- ایجاد تسهیلات، امکانات و خدمات لازم و مناسب برای مشارکت فعالان اقتصادی
- بازنگری و اصلاح حقوق اقتصادی در جهت تأمین شرایط رقابتی در بازار و تضمین حقوق مالکیت مادی و معنوی برای فعالان بخش خصوصی

۱-۹-۱۲- کارآمدسازی نظام تأمین مالی و اصلاح ساختار و عملکرد نظام بانکی

نظام تأمین مالی کشور با چالش‌های متعددی مواجه است. در حوزه پولی و بانکی، نظام بانکی کشور در طول سال‌های گذشته با چالش‌های متعددی روبرو بوده و نتوانسته انتظارات برای پشتیبانی از پیشرفت اقتصادی کشور را برآورده سازد. بخشی از این مسائل به دلیل سپردن نقش‌های بیش از حد به نظام بانکی بوده و بخشی نیز ناشی از ضعف ساختار و عملکرد نظام بانکی است. در این حوزه، پایین بودن نسبت کفایت سرمایه بانک‌ها، بالا بودن مطالبات غیر جاری، نقص ابزارها و روش‌های نظارتی، بدهی بالای بانک‌ها به بانک مرکزی و بدهی بخش دولتی به بانک‌ها و انجماد بیش از حد دارایی‌ها چالش‌های مهمی هستند. بازار سرمایه نیز توسعه کافی نیافته و جذابیت لازم برای سرمایه‌گذاران را ندارد. سهم صنعت بیمه نیز در نظام تأمین مالی علمی کشور بسیار اندک است. حجم نقدینگی در سال ۱۳۹۵ به بیش از ۱۲۵۰ هزار میلیارد تومان رسیده، اما توزیع نقدینگی بین بخش‌های اقتصاد بسیار نامتناسب است. و محدودیت نقدینگی، مسائل زیادی برای تولید و سرمایه‌گذاری ایجاد کرده است.

اهداف

۱. اصلاح نظام تأمین مالی و حذف کامل هرگونه شائبه ربا از سیستم بانکی کشور
۲. متناسب سازی (کاهش) نرخ سود تسهیلات بانکی با افزایش کارایی بازار مالی
۳. کاهش هزینه‌های جانبی و زمان دریافت تسهیلات بانکی و جذب سرمایه
۴. تأمین سرمایه در گردش بنگاه‌های تولیدی
۵. تأمین سرمایه ثابت برای ایجاد زیرساخت‌ها و ظرفیت‌های اقتصادی
۶. افزایش ثبات و شفافیت در نظام مالی



راهکارها

۱. شکستن انحصار بانکی و ایجاد فضای رقابت سالم بین بانک‌ها (از جمله برای کاهش نرخ سود تسهیلات)
 - کاهش تقاضای تسهیلات از طریق سامانه حساب اعتباری
 - افزایش منابع تسهیلات بانکی: الف) برنامه‌ریزی پرداخت بدهی‌های دولت ب) کاهش سهم بانک‌ها از تأمین سرمایه ثابت و افزایش سرمایه بانک‌ها و مصرف منابع آن‌ها برای تأمین سرمایه در گردش و کمک به تولید (کاهش مطالبات غیر جاری بانک‌ها د) کاهش دارایی‌های منجمد بانک‌ها
۲. توسعه بازار سرمایه؛
 - توسعه ابزارهای مشتقه
 - تقویت شرکت‌های تأمین سرمایه و سرمایه گذار
 - تقویت شرکت‌های بیمه
 - شفافیت عملکرد شرکت‌های خصوصی به ویژه برای سهامداران (اجرای حاکمیت شرکتی)
۳. حل مشکل بدهی دولت به بانک‌ها و بانک مرکزی
۴. اصلاح عملکرد و ساختار نظام بانکی: جایگزینی جریمه دیرکرد با محدودیت‌های اقتصادی، افزایش سهم کارمزد خدمات بانکی در درآمدهای بانک
۵. راه اندازی سامانه حساب اعتباری
۶. تسهیل ضمانت
۷. پیگیری تدوین و تصویب قانون جدید بانکداری با هماهنگی سه قوه
۸. اصلاح ساختار بانک مرکزی
۹. استفاده از منابع جدید (واریزی دولت علاوه بر قانون برنامه ششم) صندوق توسعه ملی برای تسهیلات قرض الحسنه ازدواج، تحصیل، مسکن، ضمانت شهروندان ایرانی و سرمایه‌گذاری
۱۰. محدوده کردن ورود منابع مالی به بازارهای غیر مولد از طریق دریافت مالیات‌های تنظیمی
۱۱. کاهش سهم درآمد بانک‌ها از اعطای تسهیلات، افزایش سهم کارمزد خدمات بانکی در درآمدهای بانک
۱۲. اجرای سخت گیرانه استانداردهای بانکی: ممنوعیت فعالیت مؤسسات مالی غیرمجاز، رعایت نسبت کفایت سرمایه، واگذاری سهام تمامی شرکت‌های متعلق به بانک‌های تجاری (به جز شرکت‌های خدمات مالی) و...
۱۳. گسترش تسهیلات اعتبار خریدار به ویژه برای صادرات

۱-۹-۱۳- پایداری ارزی

نوسانات نرخ ارز در عملکرد اقتصادی کشور نقش اساسی دارند. تغییرات ناگهانی نرخ ارز، اطمینان به اقتصاد ملی را کاهش می‌دهد. راهکارها

اهداف

۱. قیمت‌گذاری نرخ ارز به صورت شناور، براساس عملکرد واقعی اقتصاد و حذف تغییرات ناگهانی
۲. تنوع سبد ارزی کشور؛ حذف وابستگی به دلار آمریکا



- (۱) افزایش عرضه ارزهای خارجی (از طریق افزایش صادرات غیر نفتی نسبت به واردات تا ۲۵ میلیارد دلار)
- (۲) مدیریت درآمد دولت از صادرات نفت (حذف تاثیرات تأمین بودجه از طریق دستکاری نرخ ارز)
- (۳) برقراری پیمان‌های ارزی دو و چند جانبه برای مبادله با ارزهای ملی و حذف دلار
- (۴) تلاش برای جذب ارزهای در دست مردم به چرخه ارزی کشور

۱-۹-۱-۱۴- اصلاح نظام مالیاتی

دریافت مالیات با هدف کسب درآمد، تنظیم اقتصاد و یا تولید اطلاعات انجام می‌شود. هریک از مالیات‌ها بسته به نوع طراحی، یک یا چند کارکرد را دارند. متأسفانه در کشور ما، مالیات بیشتر کاربرد درآمدی داشته و بر درآمدهای خاصی نیز متکی است و از کارکردهای تنظیمی و تولید اطلاعات آن نیز غفلت شده است. هدف اصلی از اخذ مالیات‌های تنظیمی، اجرای خط‌مشی‌ها (سیاست‌ها) و هدایت و تخصیص بهینه منابع کشور است.

اهداف

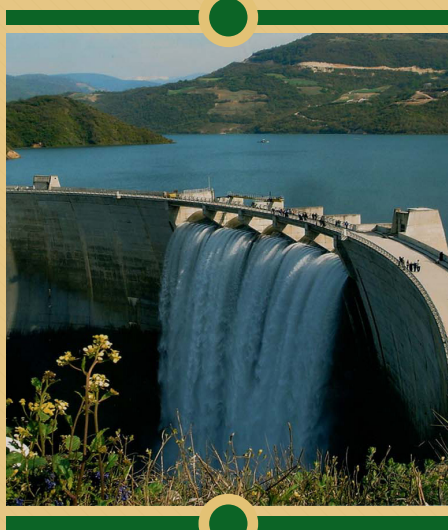
۱. برقراری عدالت مالیاتی
۲. افزایش درآمد مالیاتی دولت و در نتیجه کاهش وابستگی به نفت
۳. کنترل فعالیت‌های اقتصادی آسیب‌زا

راهکارها:

۱. توسعه پایه‌های مالیاتی
۲. تکمیل سامانه الکترونیکی مالیات
۳. اتصال پایگاه‌های مالیاتی به سایر پایگاه‌ها و ایجاد و یکپارچه‌سازی پایگاه‌های اطلاعاتی
۴. پیگیری تصویب و اجرای مالیات‌های تنظیمی (با هدف شفافیت، تنظیم و عدالت)

۱-۹-۱-۱۵- توسعه کارآفرینی

در مفهوم نوین، کارآفرین کسی است که با پذیرش ریسک و نااطمینانی، با نوآوری از فرصت‌ها استفاده و کسب و کار راه اندازی می‌کند. با وجود اینکه آمارهای رسمی برای کارآفرینان با مفهوم نوآور بودن، تولید و منتشر نمی‌شود، باید اذعان داشت سهم کارآفرینان با این مفهوم، در تولید و تجارت اقتصاد کشور بسیار ناچیز است. به همین دلیل ساختار اقتصاد ایران همچنان سنتی و غیرقابل رقابت باقیمانده است. چون کارآفرین به عنوان نوآور، قادر است بازارهای جهان را شناسایی و به عنوان فرصت بهره‌برداری کند. بنابراین، توسعه کارآفرینی ضمن اینکه قادر است در حل چالش اشتغال و رشد اقتصادی ایفای نقش نماید، از طریق توسعه کسب و کارهای کوچک و نوآور، می‌تواند بخشی از مشکل توزیع نامتعادل درآمدها را نیز حل نماید.



تحقیق و توسعه در کسب و کارهای خودشان

- استفاده از رسانه های گروهی برای آگاه ساختن جامعه و احاد مختلف مردم به اهمیت و نقش نوآوری در زندگی فردی و اجتماعی و آرامش و آسایش مردم

- گسترش ارتباط دانشگاه-صنعت-دولت برای توسعه فعالیت های مرتبط با تجاری سازی و کاربرد دانش و فناوری در قالب نوآوری
- عملیاتی و اجرایی ساختن نقشه جامع علمی کشور در بخش های مختلف دانشگاهی و تولیدی و تجاری

۴- شناسایی و توسعه فرصت های کارآفرینی

- ایجاد بانک های اطلاعاتی از فرصت های کسب و کار بالقوه و بالفعل موجود در کشور
- شناسایی فرصت های موجود در کشورهای مختلف به ویژه همسایگان و کشورهای منطقه و معرفی آنها به جامعه برای تبدیل کارآفرینانه بالقوه به بالفعل

- رصد کردن کم و کیف تحولات جمعیتی آینده کشورهای منطقه به عنوان فرصت های موجود پیش بینی پذیر در بازار تقاضا و معرفی آن به جامعه

۵- اصلاح های قانونی و مقررات

- کارآمدسازی نهادهای متولی اصلاح و اجرای قوانین و مقررات در راستای کاهش هزینه مبادله
- ساده سازی و شفاف سازی قوانین و مقررات حاکم بر فعالیت های کسب و کارها از طریق اصلاح قوانین و همچنین بانک های اطلاعاتی قوانین و مقررات در نهادهای مختلف مرتبط با کسب و کارها
- اجرا و پیگیری بهبود قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار

۱-۹-۲- آب

ایران در منطقه ای خشک و نیمه خشک قرار گرفته و تغییر اقلیم و استفاده نادرست منابع آب، بحران های مهمی پدید آورده است. در سال آبی ۹۴-۹۵ حجم بارش ایران ۴۱۳ میلیارد متر مکعب بوده است. مصارف آب در این سال در جدول زیر نمایش داده شده است.

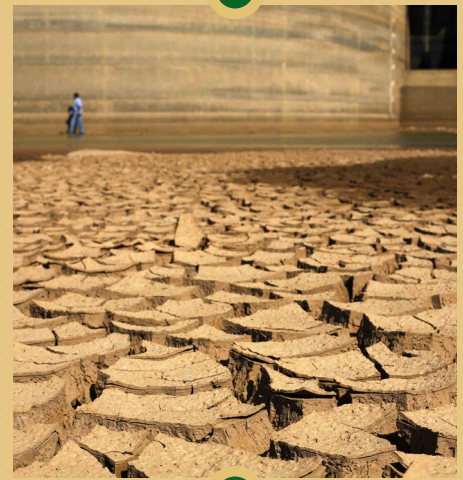
محل مصرف	مصرف	قابلیت بازیابی یا صرفه جویی (میلیارد متر مکعب)
(میلیارد متر مکعب)	قابلیت بازیابی یا صرفه جویی (میلیارد متر مکعب)	۱۹
کشاورزی	۴۸	۰
صنعت	۳	۱
شرب	۵	۱۰۰
تبخیر	۲۹۶	۲۰

بخش آب با سایر حوزه‌ها درهم تنیدگی بسیار دارد و برنامه ریزی در این بخش مستلزم نگاه به سایر حوزه‌های کلان کشور نیز می‌باشد. برای مثال هر گونه تغییر در قیمت آب اثر مستقیم و غیر مستقیم بر قیمت تمام شده محصولات صنعتی و کشاورزی دارد. مهمترین چالش‌های این حوزه عبارتند از:

- نگاه تک بعدی به بخش آب و عدم نگرش جامع نگرانه؛
- عدم نگاه اقتصادی به آب؛
- عدم توجه به آمایش سرزمین و نقش آب در احداث صنایع و اسکان مردم؛
- اتخاذ سیاست‌های بومی و منطقه‌ای به خصوص در بخش مدیریت منابع آب؛
- ناکارآمدی مدیریت منابع آب و چند متولی بودن بخش آب؛
- فقدان مدیریت مصرف در کنترل بحران آب
- تغییر اقلیم و خشکسالی؛
- تاکید بر راهکارهای مهندسی و سخت افزاری؛
- افت سطح آب منابع آب زیرزمینی؛ و بروز پدیده فرونشست زمین
- کاهش کیفیت منابع آب؛
- عدم تخصیص حق آبه زیست محیطی؛
- راندمان بخش کشاورزی به عنوان مهمترین مصرف کننده آب شیرین؛

اهداف:

- مدیریت کارآمد تعادل منابع و مصارف آب کشور با نگاه به آینده راهکارها:
- ۱. مذاکره با کشورهای همسایه حول محور آب و اتخاذ تدابیر مناسب جهت وابستگی آنها به رابطه متقابل (برای مثال تبادل انرژی و آب)؛
- ۲. توجه به مبحث آب مجازی و ردپای آب در واردات و صادرات (به ویژه در بخش کشاورزی)؛
- ۳. بازنگری طرح‌های سدسازی و پروژه‌های انتقال آب؛
- ۴. تمرکز کمتر بر روش‌های نمک زدایی و استفاده بیشتر از روش‌های بازچرخانی و استفاده مجدد از آب (به ویژه در بخش صنعت و شهری)؛
- ۵. آبخوان داری و آبخیزداری (برای کاهش تبخیر آب)
- ۶. تکمیل شبکه آبرسانی پایین دست سدها و شبکه‌های آب شرب
- ۷. افزایش بازده آبیاری از ۴۰ درصد به ۵۵ درصد
- ۸. مهار آبهای خروجی از کشور (بویژه از زیرسطح)
- ۹. جلوگیری از حفر چاه‌های غیرمجاز و کنترل برنامه ریزی شده برداشت آب از چاه‌های مجاز
- ۱۰. اصلاح مأموریت و ساختار دولت:
- مدیریت یکپارچه منابع آب با ایجاد مدیریت حوزه‌های آبریز کشور
- واگذاری مدیریت منابع آب به مردم در قالب تشکلهای مجموعه‌های حقوقی (مدل قنات)
- واگذاری مالکیت، نگهداری و بهره‌برداری تصفیه خانه‌های آب و فاضلاب و خطوط انتقال آب و سدهای کوچک به بخش خصوصی و شهرداری‌ها





۱۱. مدرنیزاسیون بخش کشاورزی و توانمند کردن کشاورزان و مناطق روستایی
۱۲. تجدیدنظر در الگوی کشت کشاورزی با نگاه به امنیت غذایی و منابع بومی و بازده اقتصادی

۱-۹-۳- بخش کشاورزی

«برای ما مایه شرمندگی است که با وجود این کشور غنی، محصولات گیاهی و حتی مواد غذایی لازم را از دیگران بگیریم. درست مثل کشوری که زمین و امکانات و این تاریخ عظیم کشاورزی را ندارد» (مقام معظم رهبری)

آب کشاورزی

رهبر معظم انقلاب در خصوص مشکلات حوزه آب کشاورزی می‌فرمایند «اگر با عقل و تدبیر و روحیه خستگی‌ناپذیر پیش برویم، می‌شود از همین آب موجود استفاده کرد. با روح جهادی ممکن است».^{۳۰} براساس آمارهای موجود، میانگین دراز مدت بارش در کشور ۲۴۳ میلیمتر، برابر یک سوم متوسط بارندگی جهانی بوده و در عین حال میزان تبخیر در ایران معادل ۳ برابر متوسط دنیا می‌باشد. در حالی که بازده کل آبیاری در کشورهای توسعه یافته ۶۵ درصد و در کشورهای در حال توسعه ۴۵ درصد است، این شاخص در ایران ۳۷-۳۳ درصد می‌باشد. همچنین کارایی مصرف آب (میزان محصول تولید شده به ازای هر مترمکعب آب) در ایران ۰/۹ کیلوگرم بر مترمکعب می‌باشد، در صورتیکه در کشورهای پیشرفته صنعتی این مقدار به طور متوسط ۲/۵ کیلوگرم بر مترمکعب است. مصرف آب در بخش کشاورزی کشور با توجه به تلفات ناشی از تبخیر در مراحل مختلف، نفوذ عمقی، تلفات انتقال و سایر هدررفت‌ها در حدود ۸۰-۹۰ درصد برآورد می‌شود، که با افزایش میزان بهره‌وری و کارایی آب در مزرعه، هدررفت آب کاهش می‌یابد و سبب افزایش حجم آب قابل استحصال در کشور می‌گردد. از مهمترین چالش‌های کشور در بخش آب می‌توان به بحران مدیریت منابع آب، بهره‌وری پایین آب در بخش کشاورزی، روند بسیار کند اجرای عملیات‌های زیربنایی آب و ضعف دیپلماسی آب با کشورهای همسایه اشاره نمود.

مهمترین اهداف برای بخش آب کشور در حوزه کشاورزی

۱. ارتقای بهره‌وری آب در بخش کشاورزی به میزان ۲۰ درصد.
۲. توسعه سامانه‌های نوین آبیاری و احداث شبکه‌های فرعی در سطح ۴ میلیون هکتار.
۳. افزایش سطح زیر کشت گلخانه‌های کشور به میزان ۶۰۰۰ هکتار.
۴. عملیاتی کردن برنامه کشت فراسرزمینی و استفاده از سیاست آب مجازی با رعایت اصل خودکفایی.

۳۱- رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴

راهکارها

- طراحی و اجرای الگوی یکپارچه مدیریت منابع آب کشور.
- اجرای قانون افزایش بهره‌وری بخش کشاورزی و منابع طبیعی.
- تعریف و تقویت مدیریت مصرف همگام با مدیریت منابع آب.
- ترویج و اجرای روش های نوین آبیاری حداقل به میزان یک میلیون هکتار در سال.
- توسعه کشت گلخانه ای تا سطح ۵۰ درصد وضعیت موجود.
- اصلاح مزارع سنتی و نوسازی شبکه‌های انتقال و توزیع آب کشاورزی.
- اجرای صحیح طرح احیاء و تعادل بخشی منابع آب زیرزمینی.
- تحویل حجمی آب به کشاورزان با کنتورهای هوشمند.
- اجرای الگوی کاشت منطقه ای و توسعه کشت متمرک.
- کاهش تبخیر آب از پشت سدها و بازسازی کانال ها.
- استفاده از سیاست واردات آب مجازی.

امنیت غذایی

رهبر معظم انقلاب در خصوص اهمیت امنیت غذایی می‌فرمایند: «امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پُرجمعیت و دارای هدف‌های بلند، بسیار مهم است؛ لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند».^{۳۱}

به طور کلی منظور از امنیت غذایی عبارت است از غذای کافی، سالم و در دسترس برای کل آحاد جامعه. با توجه به چشم انداز کلان کشور جهت افزایش نرخ رشد جمعیت طی سالهای آتی، لذا برنامه‌ریزی در راستای افزایش تولید محصولات کشاورزی ضروری است. بطور متوسط سالانه حدود ۱۱۰-۱۰۰ میلیون تن انواع محصولات زارعی، باغی و فرآورده‌های دام و طیور در کشور تولید می‌شود و حدود ۲۰ میلیون تن هم انواع محصولات کشاورزی به کشور وارد می‌شود. تراز بازرگانی بخش کشاورزی در سال‌های گذشته همواره منفی بوده است، که البته در سال‌های اخیر بهبود یافته و به حدود منفی ۳ میلیارد دلار رسیده است. متأسفانه بخش کشاورزی با مشکلات عدیده‌ای از قبیل: بالا بودن هزینه‌های تولید، نرخ پایین سرمایه‌گذاری، عدم طراحی و برنامه‌ریزی برای اجرای الگوی کشت، پایین بودن سطح نفوذ دانش و فناوری، ضایعات بالا در چرخه تولید تا مصرف، قاچاق و واردات مدیریت نشده، وابستگی شدید به نهاده‌های فناورانه، خرد بودن اراضی و بهره‌وری پایین نهاده‌ها روبرو می‌باشد. سهم بخش کشاورزی از تسهیلات بانکی در سال‌های اخیر ۷-۱۰ درصد بوده است، درحالی‌که ارزش افزوده کسب و کار بخش کشاورزی در سال ۹۴ بیش از ۳۲ درصد اعلام شده است. سالانه حدود ۳۰ درصد تولیدات کشاورزی و مواد غذایی کشور تبدیل به ضایعات می‌شود که معادل ۳۵ میلیون تن است و ارزش آن بیش از ۱۵ میلیارد دلار برآورد می‌شود. واردات ۹۵ درصد سموم کشاورزی، وابستگی ۸۵ درصدی در واردات مرغ لاین از انگلستان، وابستگی ۱۰۰ درصدی در واردات تخم ماهی از فرانسه، وابستگی ۱۰۰ درصدی در واردات اسپرم دام از آمریکا و کانادا و... نیز برخی از مصادیق وابستگی تکنولوژی بخش کشاورزی است.



برنامه جامع رشد و اشتغال

۳۱- رهبر معظم انقلاب در دیدار با جمعی از کشاورزان ۱۳۸۲/۱۰/۱۴



مهمترین اهداف برای امنیت غذایی کشور

۱. تأمین امنیت غذایی و نیل به خودکفایی در محصولات اساسی زراعی، دامی و آبی به میزان ۹۵ درصد.
۲. اجرای الگوی کشت بهینه در سطح کشور.
۳. دستیابی به تراز تجاری مثبت در بخش کشاورزی.
۴. افزایش ۲۰ درصدی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی با استفاده از منابع صندوق توسعه ملی.

راهکارها

- طراحی و اجرای الگوی کشت مناسب، متناسب با پتانسیل تولید و عامل محدود کننده آب.
- ارتقای بهره‌وری عوامل تولید شامل آب، خاک و نهاده‌ها.
- عملیاتی کردن آمایش سرزمین.
- اصلاح الگوی مصرف و عادات غذایی در جامعه.
- ارتقاء و عملیاتی کردن سهم بخش کشاورزی از تسهیلات بانکی تا سطح ۲۵ درصد.
- بهبود فضای کسب و کار و ارتقاء سطح امنیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی و مقابله موثر با قاچاق.
- گسترش صنایع فرآوری و بسته‌بندی، ارتقای زیرساخت‌های حمل و نقل و توسعه مکانیزاسیون کشاورزی در راستای کاهش ضایعات محصولات کشاورزی.
- بومی‌سازی فناوری‌های وارداتی به کشور با اعتماد و تکیه به توان و تخصص داخلی، و همچنین تقویت حضور بخش خصوصی در استفاده از فناوری‌های نوین و به روز دنیا در بخش کشاورزی.

امنیت حیاتی (محیط زیست و منابع طبیعی)

رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولان محیط زیست و منابع طبیعی کشور در خصوص راهکار حل مشکلات زیست محیطی کشور می‌فرمایند: «برای حل مسائلی همچون پدیده گرد و غبار و همچنین کمبود آب و فرسایش خاک، بیشتر از تبلیغات، باید کار و تلاش جدی و پیگیری مستمر انجام داد».^{۳۲}

افزایش بیابان‌زایی و گسترش ریزگردها، خشک شدن تالاب‌ها و تخریب جنگل‌ها، فرسایش شدید خاک، تخریب، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تجاوز به منابع طبیعی، افزایش سیلاب‌ها و افت سطح سفره‌های آب زیرزمینی از مهمترین چالش‌های کشور در حوزه محیط زیست و منابع طبیعی می‌باشد که به دغدغه افکار عمومی کشور تبدیل شده است. براساس آمارهای موجود، طی سالهای گذشته به طور متوسط روزانه ۴۰ هکتار جنگل زدایی در جنگل‌های شمال کشور صورت گرفته است. فرسایش خاک در ایران بیش از ۱۶ تن در هکتار است، درحالی‌که میانگین جهانی کمتر از ۴ تن در هکتار می‌باشد. براساس برآوردها در هر ه سال معادل ۲۸۰ میلیارد دلار از منابع خاک کشور از بین می‌رود. همچنین بسیاری از تالاب‌ها و دریاچه‌های کشور از قبیل ارومیه، بختگان، هامون، جازموریان، گاوخونی، شادگان، هورالعظیم و... در وضعیت خشک یا



۳۲- رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار مسئولان و فعالان حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و فضای سبز شهری ۱۳۹۳/۱۲/۱۷

نیمه خشک هستند. اگرچه معضل ریزگردها سالهاست که در کشور تشدید شده و بسیاری از استان ها را درگیر نموده است، اما مشکلات اخیر خوزستان نشان داد که ادامه روند کنونی در کشور می تواند صدمات جبران ناپذیری به استان های جنوبی کشور وارد نماید که مهاجرت های گسترده، کاهش تولید نفت و گاز، اختلال در عملکرد پتروشیمی ها و مراکز صنعتی و مهمتر از همه تهدید سلامت مردم از جمله پیامدهای آن خواهد بود. آلودگی هوا آثار زیانبار بلند مدت و کوتاه مدتی بر سلامت انسان ها می گذارد. کودکان و سالمندان بیشتر از دیگران از آلودگی هوا آسیب می بینند. ۸۰٪ آلودگی هوای تهران ناشی از خودروها و ۲۰ درصد ناشی از سایر منابع آلاینده است؛ البته در زمستان استفاده بیشتر بخاری و منابع تولید انرژی و گرما سهم منابع آلاینده جابه جا می شود.

مهمترین اهداف برای امنیت حیاتی کشور

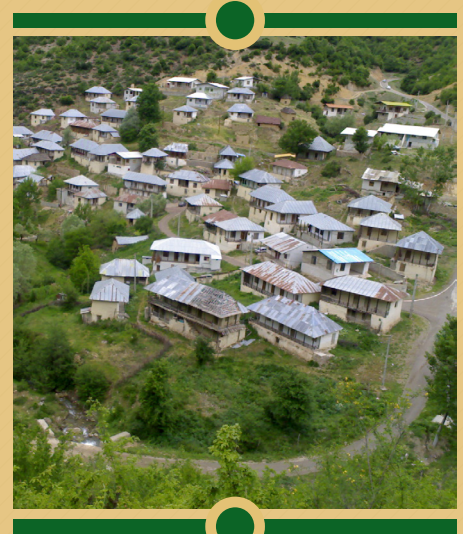
۱. کنترل کامل چشمه های داخلی ریزگرد.
۲. اجرای مدیریت جامع حوزه آبخیز.
۳. کاهش ۵۰ درصدی تخریب و تغییر کاربری اراضی کشاورزی.
۴. کاهش ۷۰٪ از آلودگی هوا ناشی وسایل نقلیه غیر استاندارد

راهکارها

- کنترل چشمه های ریزگرد داخلی با عملیاتی کردن بند (ض) ماده ۴۸ برنامه ششم توسعه.
- استفاده از ظرفیت بسیج مردمی برای احیاء و اصلاح کانون های گرد و غبار.
- اعمال مدیریت جامع، یکپارچه، نظام مند و هماهنگ حوزه های آبخیز.
- حفظ، احیا، توسعه و بهره برداری پایدار از تالاب ها و رها سازی حق آبه تالاب ها از پشت سدها.
- اشاعه فرهنگ حفاظت از منابع طبیعی پایه با مشارکت همه مردم و دستگاه های دولتی.
- مقابله موثر با تخریب، تغییر کاربری اراضی کشاورزی و تجاوز به منابع طبیعی.
- نوسازی خودروهای عمومی، خودروهای فرسوده و موتورسیکلت های آلاینده
- ارتقای کیفیت سوخت
- گسترش فضای سبز و بکارگیری فناوری های کاهش آلودگی

محوریت دادن به روستاها

براساس بیانات امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، روستا محوری و کشاورزی محوری باید به عنوان رکن قرار گیرد و توجه به روستائیان به عنوان محور امنیت غذایی باید به رسمیت شناخته شود، درحالیکه وضعیت موجود در روستاهای کشور بسیار نگران کننده است. براساس آمارهای موجود، سهم جمعیت روستایی کشور طی شصت سال گذشته حدود ۴۵ درصد کاهش یافته و به ۲۶ درصد رسیده است و پیش بینی می



شود که این میزان تا سال ۲۰۵۰، به ۱۶ درصد خواهد رسید. همچنین از سال ۱۳۷۰ مقدار مطلق جمعیت روستایی کشور روند نزولی داشته و در سال ۱۳۹۵ به حدود ۲۰ میلیون نفر کاهش یافته است. اشاره به برخی آمارها در خصوص جامعه روستایی کشور قابل توجه است: طی ۳ دهه اخیر حدود ۴۰-۳۰ هزار روستا تخلیه و بعضاً تخریب شده است، بیش از ۷۰ درصد جمعیت حاشیه نشین در کشور مهاجران روستایی هستند، ۸۲ درصد از خانوارهای روستایی کشور زیرآستانه فقر قرار دارند، میانگین سنی کشاورزان کشور ۵۴ سال است، سالانه حدود ۵۰ هزار نفر از تعداد کشاورزان کاسته می شود، در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۸۰ درآمد هر فرد شهرنشین به طور متوسط ۹۰ درصد بیشتر از هر فرد روستایی بوده است، و نکته جالب این که در سال ۱۳۹۵ کمتر از ۵ درصد تسهیلات بانکی جذب مناطق روستایی شده است. پراکندگی مدیریت امور روستایی و عدم برخورداری از متولی واحد در سیستم دولتی، مهاجرت و تخلیه روستاها، پایین بودن سهم کلی روستائیان و عشایر از بودجه سنواتی کشور، روند کند توسعه روستایی در کلیه بخش های عمرانی، بهداشتی، رفاهی، آموزشی و اشتغال، افزایش میانگین سنی کشاورزان، نبود اشتغال و خشکسالی های متوالی از مهمترین چالش های حوزه روستایی کشور می باشد که وضعیت نگران کننده ای را پیش روی بخش کشاورزی و معیشت روستائیان قرار داده است و می تواند آسیب های جبران ناپذیری برای کشور در پی داشته باشد.

مهمترین اهداف برای توسعه روستایی کشور

۱. تعیین متولی مستقل برای مدیریت و سیاست گذاری امور روستائیان و عشایر.
۲. ارتقاء منزلت اجتماعی روستائیان و عشایر در سطح جامعه.
۳. کنترل روند مهاجرت از روستاها و تثبیت سهم جمعیت روستایی کشور.
۴. ارتقاء سهم عمران و توسعه روستایی و عشایری از بودجه عمرانی دولت تا سطح ۱۵ درصد.

راهکارها

- بهبود سطح درآمد و ارتقاء منزلت و رفاه اجتماعی کشاورزان، روستائیان و عشایر.
- تأکید بر شکل گیری معیشت پایدار و حیات طيبة در روستاها به عنوان مبنای برنامه ریزی و بودجه ریزی توسعه روستایی.
- تصویب و اجرای طرح جامع توسعه و عمران روستایی کشور.
- ارتقاء خدمات عمومی روستایی و عشایری حداقل تا سطح ۹۰ درصد وضعیت مناطق شهری.
- توانمندسازی روستاها با:
 - ایجاد خوشه های صادراتی برای صدور محصولات روستایی
 - ایجاد فروشگاه های زنجیره ای خرده فروشی محصولات روستایی
 - حرفه آموزی ۱۰۰ هزار نفر از روستائیان و عشایر
 - پوشش ۱۰۰ درصدی بیمه اجتماعی روستائیان و عشایر.
 - بهبود فضای کسب و کار و توسعه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی



- کاهش زمان صدور مجوزهای کسب و کار نواحی روستایی به حداکثر ۲۰ روز).
- توسعه صنایع در روستاها و توسعه گردشگری روستایی.
- پرداخت وام های ارزان قیمت برای ورود سرمایه به بخش کشاورزی و مناطق روستایی.
- توجه به مسکن، اشتغال پایدار و مشارکت جوانان در مناطق روستایی.
- تهیه و اجرای برنامه فقرزدایی در روستاها.

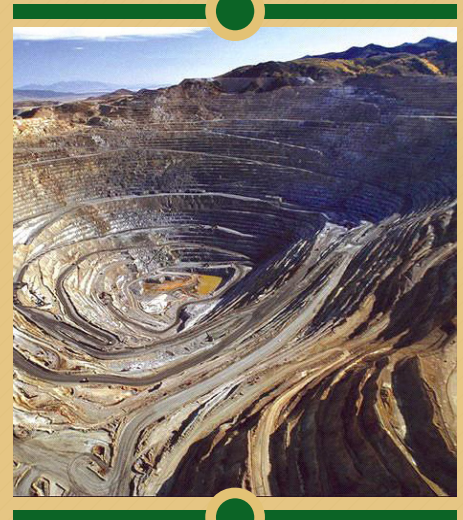
۱-۹-۴- صنعت، معدن و تجارت

بخش صنعت، معدن و تجارت را می توان مهم ترین جزء حقیقی اقتصادی کشور قلمداد کرد. لذا هرگونه سوء مدیریت در بخش های پولی و مالی و اقتصادی به صورت مستقیم عملکرد این بخش را متأثر خواهد ساخت و در نهایت رفاه جامعه که ذینفع اصلی این بخش می باشد کاهش یافته و از طرف دیگر اشتغال و تولید کشور دچار آسیب خواهد شد. اهم چالشهای بخش صنعت، معدن و تجارت عبارتند از:

- رکود شدید حاکم بر تولید و تجارت
 - بالاترین فعالان اقتصادی
 - کاهش سرمایه گذاری
 - عدم رشد متوازن تولیدات صنعتی
 - روند فزاینده بنگاه های غیرفعال و ظرفیت های بلااستفاده
 - وجود طرح های نیمه تمام زیاد بالاترین
 - وابستگی بالای تولیدات داخلی به واردات و نهاده های مواد اولیه
 - ناکارآمدی نظام توزیع
 - کم توجهی به حقوق مصرف کننده و اصل مشتری مداری
 - در مقابل، در تولید و تجارت ظرفیت ها و توانمندی های قابل توجهی وجود دارد، از جمله:
 - منابع انسانی مستعد، جوان، تحصیلکرده و توانمند
 - برخورداری رتبه اول هیدروکربوری در جهان
 - موقعیت ممتاز ژئوپلیتیکی و دسترسی به آبهای آزاد در جهان
 - وجود ذخائر غنی معدنی در کشور (۶۸ نوع مواد معدنی و جزء ۱۰ کشور برتر معدنی دنیا)
 - وجود بازارهای رو به رشد و قابل دسترس در منطقه (۱۵ کشور همسایه با حدود ۷۰۰ میلیون نفر)
 - دارا بودن ظرفیت تولید ۳۱ میلیون تن فولاد، ۴۶۰ هزار تن آلومینیوم، ۳۷۰ هزار تن مس، ۸۳ میلیون تن سیمان، ۶۲ میلیون تن محصولات پتروشیمی، ۱/۹ میلیون دستگاه خودرو، ۳۶۰ هزار تن لاستیک و تایر، ۸۵۰ هزار تن تجهیزات صنعتی، ۶/۳ میلیون دستگاه لوازم خانگی، ۹۷۰ هزار تن انواع نخ
- هدف:** اشتغال پایدار با تولید و تجارت در تراز جهانی
- اصول محوری:** بهره وری، رقابت پذیری، مشتری مداری
- راهکارها:**

الف- فضای کسب و کار

مرور وضعیت شاخصهای مرتبط با فضای کسب و کار که از طرف نهادهای بین المللی منتشر می شود نشان می دهد که رتبه کشور ما





متناسب با شرایط، ظرفیتهای و توانمندی های کشور نبوده و ضروری است در این خصوص اقدامی عاجل صورت گیرد. به عنوان نمونه ای از این شاخص ها می توان به جایگاه نامناسب جمهوری اسلامی ایران در رتبه بندی فضای کسب و کار (۱۲۰ از ۱۹۰ کشور در گزارش سال ۲۰۱۷) و شاخص توانمندی تجارت (رتبه ۱۳۱ از ۱۳۸ کشور در گزارش ۲۰۱۴) اشاره نمود. در این راستا پیگیری و اجرای برنامه های راهبردی ذیل پیشنهاد می گردد:

- اجرای کامل و جامع سیاستهای اصل ۴۴ قانون اساسی و مردمی کردن تولید و تجارت

- ساماندهی، شفاف سازی و ثبات در قوانین و مقررات و حذف قوانین و مقررات زائد
- مقابله سیستماتیک با قاچاق کالا از طریق فناوری های نوین و مدیریت موثر جریان کالا و پول
- فرهنگ سازی مصرف کالای ایرانی و منع فروش و مصرف کالای قاچاق
- ارتقای زیرساختهای نرم مرتبط با تولید و تجارت (دولت الکترونیکی، تجارت الکترونیکی)
- تسهیل فرایندهای کسب و کار و حذف نظام مجوزی در بخش تولید و تجارت

ب- رقابت پذیری و بهره وری

مهمترین عواملی که باعث شده است بهره وری و رقابت پذیری بخش صنعت، معدن و تجارت وضعیت نامناسبی داشته باشد را می توان در شیوه ناکارآمد مدیریت و بنگاه داری، نامناسب بودن اندازه بنگاه ها، غیر اقتصادی بودن مقیاس تولید، عدم بهره برداری از دانش و تکنولوژی روز و در نهایت کیفیت و خدمات نامناسب محصولات تولیدی است که لازم است با اتخاذ راهبردها و برنامه های هوشمندانه و سیاستهای مناسب تولیدی و تجاری نسبت به ارتقاء شاخص بهره وری و رقابت پذیری تولید اقدام نمود. در صورت اجرای برنامه های ذیل، می توان نسبت به تحقق اهداف پیش بینی شده در برنامه ششم توسعه در خصوص بهره وری (رشد سالانه بهره وری کل عوامل تولید در بخش صنعت و معدن ۲/۴ درصد) و ارتقاء شاخص رقابت پذیری صنعتی (رتبه ۶۶ از ۱۴۴ کشور) امیدوار بود.

اهم برنامه های راهبردی و سیاستهای مورد نظر در این خصوص عبارتند از

- کمک به تجمیع بنگاهها و شکل گیری زنجیره های اقتصادی تولید و تجارت
- کارآمد سازی نظام توزیع کشور
- مدیریت هدفمند و موثر واردات و اتخاذ سیاستهای تجاری مناسب برای رقابت پذیر شدن محصولات تولیدی
- پیگیری و اجرای طرح های مرتبط با تحریک تقاضا و پشتیبانی از صادرات
- تعیین تکلیف طرحهای نیمه تمام و در حال اجرا و تسریع در تکمیل و راه اندازی آنها متناسب با وضعیت مربوطه
- توسعه و ایجاد واحدهای جدید تولیدی با توجه به مزیت رقابتی با اولویت رشد بالا، پایداری در رشد، اشتغال زائی پایدار و مولد، محصول صادراتی و سرمایه گذاری غیر دولتی

- توسعه و تقویت انجمنهای غیردولتی حمایت از حقوق مصرف کننده
- راه اندازی نهضت ملی کاهش قیمت تمام شده و ارتقاء بهره وری
- ایجاد توسعه زیرساختهای تولیدی و تجاری (شامل زیرساختهای لجستیک)
- ترویج نام و نشان تجاری (برندسازی) در سطح ملی و بین المللی
- توسعه آموزشهای مدیریتی و مهارتی در بخش تولید و تجارت

ج) تأمین مالی

- سهم بخش صنعت و معدن از تسهیلات بانکی از ۳۲ درصد در سال ۹۲ به کمتر از ۲۹ درصد در سال ۹۵ کاهش یافته است. از طرف دیگر دشواری در نقل و انتقال پول و هزینه های قابل توجه و بسیار بالای تأمین مالی در اقتصاد نیز مزید بر علت شده است تا بخش تولید و تجارت کشور دچار رکود شود. همچنین ناهماهنگی در نظام های مالی و پشتیبانی تولید و صادرات (بانک، بورس و بیمه) باعث شده است ناکارآمدی سیاستهای اقتصادی افزایش یافته و عملاً امکان پشتیبانی مؤثر از تولید میسر نشود. اهم برنامه های راهبردی و سیاستهای مرتبط با تأمین مالی در بخش صنعت، معدن و تجارت به شرح ذیل ارائه می شود.
- تسهیل فرآیند جذب سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت، معدن و تجارت
- ایجاد تنوع در ابزارهای تأمین مالی بخش
- بازتعریف نقش و جایگاه صندوق توسعه ملی در پشتیبانی از تولید و صادرات
- اصلاح و بازنگری در ساختار و فرآیندهای بازار سرمایه در جهت تسهیل تأمین مالی بخش تولید
- بازتعریف نقش و جایگاه نظام بیمه در پوشش ریسک تولید و سرمایه گذاری
- بازنگری در ساختار و فرآیند بورس کالا در پشتیبانی مؤثر از تولید و تجارت
- تسهیل در نقل و انتقال پول در سطح بین المللی برای فعالان تولیدی و تجاری

د- دانش و فناوری

بررسی وضعیت تولید و صادرات کشور نشان میدهد که خام فروشی و سهم اندک محصولات با فناوری بالا، سهم پایین صادرات محصولات دانش بنیان، مشکل دسترسی بنگاه ها به دانش و فناوری روز، ضعف در تحقیق و توسعه بنگاه ها، توان پایین بنگاه ها برای جذب، بکارگیری و نگهداشت متخصصین، نفوذ اندک فناوری اطلاعات و ارتباطات در تولید و تجارت، ناکارآمدی مدلهای قراردادی برای انتقال و جذب دانش فنی از مهمترین چالش های این حوزه است. به عنوان نمونه میتوان به ارزش هر تن کالای صادراتی در سال ۹۵ که ۳۵۰ دلار بوده و مقایسه آن با ارزش هر تن کالای وارداتی در سال ۱۳۹۵ که ۱۳۰۰ دلار می باشد اشاره کرد که نشان دهنده خام فروشی و اندک بودن ارزش افزوده صادرات کشور و نفوذ کم دانش و فناوری در تولید است. اهم برنامه های راهبردی و سیاست های اجرایی در این خصوص ارائه می گردد:

- حمایت از تجاری سازی اختراعات و ابتکارات
- تسهیل حضور و عرضه کالاهای دانش بنیان در نمایشگاه ها و بازارهای خارجی
- بکارگیری توان دانشگاه ها برای حل مسائل بنگاه های تولیدی و





تجاری

- حمایت از تولید کالاهای با فناوری بالا
- پشتیبانی از سرمایه گذاری برای تبدیل مواد خام به محصولات با ارزش افزوده بالاتر به ویژه در بخش معدن
- افزایش سهم پژوهش از تولید ناخالص داخلی با تاکید بر پژوهشهای کاربردی و مسئله محور
- حمایت از ایجاد مراکز تحقیق و توسعه مشترک برای واحدهای کوچک و متوسط
- حمایت از ایجاد مراکز نوآوری
- اختصاص واحدهای صنعتی و معدنی به دانشگاه ها و ایجاد پیوند ساختاری بین صنعت و دانشگاه

۵) صادرات غیرنفتی

متأسفانه در طی سالهای اخیر روند رشد صادرات غیرنفتی به شدت کُند شده و حجم تجارت خارجی ایران کاهش یافته است. این در حالی است که ظرفیت های بلااستفاده ای در بخش تولید وجود دارد که قابلیت صادرات دارد و دولت نتوانسته با برنامه و تدبیر مناسب از این ظرفیت ها استفاده نماید. از جمله دیگر مواردی که شرایط فعلی نامناسب تجارت خارجی را رقم زده می توان به شناخت ناکافی از بازارهای هدف و سلايق مشتریان، ضعف راهبرد برای حضور و بقا در بازارهای بین المللی، بهره برداری نامناسب از مزیت های منطقه ای و ترانزیتی، متنوع نبودن بازارها و کالاهای صادراتی کشور اشاره نمود و محدودیت های بین المللی همچنان باقی است.

به منظور رفع چالش های فعلی و با رشد متوسط سالانه دو رقمی صادرات غیر نفتی با تأکید بر صادرات کالاهای صنعتی و کشاورزی و خدمات با ارزش افزوده بالا و تحقق برنامه ششم توسعه در بخش صنعت، معدن و تجارت، تأمین ارز مورد نیاز تولید از محل ارز حاصل از صادرات (استقلال ارزی بخش)، ارتقای ۵ پله ای صادرات صنعتی و معدنی ایران و ارتقای رتبه شاخص توانمندسازی از ۱۳۱ به زیر ۱۰۰؛ برنامه های ذیل باید در دستورکار قرار گیرد.

- پیوند زنجیره تولید و تجارت در قالب دیپلماسی صنعتی- تجاری و اجرای آن با تقسیم کار ملی؛
- قرارگرفتن تولید در ریل صادرات یا همان تولید صادراتگرا؛
- بازاررسانی کالاها و خدمات ایرانی با هدف تحریک تقاضا و در نتیجه تکمیل ظرفیت های خالی بنگاه ها، افزایش تولید و اشتغال؛
- توسعه لجستیک و زیرساخت های تجاری با هدف تسهیل صادرات و کاهش هزینه های کالا و خدمات صادراتی؛
- توسعه تعامل با بخش خصوصی و واگذاری امور به بخش غیردولتی در حوزه صادرات از طریق راه اندازی هلدینگ های بزرگ صادراتی و اعزام رایزنان صنعتی بازرگانی؛
- توجه به حوزه های متنوع خدمات دارای مزیت در صادرات و توسعه صادرات خدمات با تأکید بر خدمات فنی و مهندسی؛
- استفاده از توان سفارتخانه های ایران در خارج از کشور؛
- توسعه تعاملات مؤثر دو و چند جانبه با کشورها و سازمان های اقتصادی؛
- استفاده از مناطق آزاد برای جذب سرمایه گذاری خارجی و توسعه صادرات.



۱-۹-۵- نفت و گاز

کشورما با دارا بودن بیش از ۱۵۸ میلیارد بشکه ذخایر نفت خام، دارای رتبه سوم سوپک و چهارم جهان وبا ۳۴ تریلیون متر مکعب ذخایر گاز طبیعی دارای رتبه نخست جهان در این بخش است. ایران با تولید روزانه بیش از ۴ میلیون بشکه نفت خام و بیش از ۱۵۱ میلیارد متر مکعب گاز به ترتیب ۴ و ۵/۶ درصد از تولید نفت و گاز جهان را برعهده دارد. کشورما به لحاظ ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک به عنوان قلب منطقه و کریدور انتقال انرژی، از اهمیت بسزایی برخوردار است. که در صورت استفاده از این مزیت و سایر ظرفیت ها و مقدرات داخلی مثل وجود نیروی انسانی جوان، با انگیزه و متخصص، فرصت درخور توجهی برای توسعه درون نگر و برون گرا برای کشور فراهم خواهد آمد. عمده چالش های این بخش که ناشی از عوامل داخلی هستند در موضوعاتی مثل؛ عدم توجه کامل به سیاستهای اقتصاد مقاومتی، تغییر سیاست های اجرایی در حوزه بالا دستی، فقدان روحیه جهادی و مدیریت ضعیف و ناکارآمد در این بخش، عدم بهره وری و وجود ضایعات در کلیه فرایندها، خام فروشی و ضعف در زیرساختهای صنعت پتروشیمی و صادرات با ارزش افزوده بالا، عدم استفاده از مزیت های و ظرفیت های کشور در تعاملات بین المللی و توسعه داخلی (بخش خصوصی و مردمی)، ضعف دیپلماسی انرژی، توسعه نامتوازن بخش و رویکرد غیر آمایشی دسته بندی می شوند که باید تحریم های ظالمانه غرب را نیز به عنوان یک چالش مهم خارجی به آنها اضافه کرد.

اهداف

۱. دستیابی به جایگاه تاثیرگذار و مقتدرانه کشور در فرایندهای بین المللی و منطقه ای در حوزه نفت و گاز
۲. حفظ جایگاه ظرفیت دومین تولید کننده نفت خام در اوپک و جایگاه دوم جهانی در ظرفیت تولید گاز طبیعی
۳. دستیابی به جایگاه اول منطقه به لحاظ ظرفیت پالایشی و ارزش تولید مواد و کالاهای پتروشیمیایی با ارزش افزوده بالا
۴. نیل به جایگاه اول فناوری نفت و گاز در منطقه
۵. کاهش شدت انرژی کشور به کمتر از ۰٫۳ (معادل تن نفت خام به ازای هزار دلار تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت سال ۲۰۰۰)
۶. دستیابی صنعت نفت کشور به جایگاه تأمین کننده ۷ درصد از تقاضای بازار جهانی نفت و سهم ۸ تا ۱۰ درصد از تجارت جهانی گاز و فرآورده های گازی با اولویت ایفای نقش ویژه در تأمین انرژی شرق و جنوب آسیا

راهکارها:

۱. اصلاح ساختار و سازمان نیروی انسانی در سطوح مدیریتی با رویکرد مدیریت جهادی در صنعت نفت و گاز
۲. مردمی سازی اقتصاد و صنعت نفت و گاز با رویکرد استفاده از تمامی مقدرات مالی و فنی داخل کشور، و اجرای برنامه های حمایتی و تقویتی بخش خصوصی و اشتغال پایدار جوانان و فعالیت در صحنه های داخلی و بین المللی
۳. جذب سرمایه خارجی با رویکرد جایگزینی تدریجی با امکانات مالی داخلی
۴. جذب و انتقال فن آوری خارجی و الزام به بومی سازی فن آوری های



- مورد نیاز صنعت نفت بارویکرد کاهش وابستگی به خارج از کشور در یک بازار رقابتی و تجاری
۵. جلوگیری از خام فروشی و توسعه صنایع با ارزش افزوده بالا با ملاحظات اساسی آمایشی
 ۶. کاهش ضایعات و تلفات در بخش تولید، انتقال و توزیع گاز طبیعی و افزایش ضریب بازیافت و بهره وری در همه فرایندهای نفت و گاز
 ۷. اجرای برنامه های برداشت حداکثری از میادین مشترک
 ۸. ایجاد ظرفیت های ذخیره سازی سوخت (بنزین ، گاز و ...) و تقویت زیرساختهای تامین پایدار آن در کلیه مناطق کشور
 ۹. اجرای برنامه های احداث خطوط لوله صادرات گاز با اولویت انعقاد قراردادهای صادرات گاز به کشورهای منطقه خلیج فارس ، شرق آسیا و اتحادیه شانگهای
 ۱۰. استفاده از قیمت های واقعی و پلکانی حامل های انرژی در راستای حمایت از مصرف کننده با رویکرد کاهش شدت مصرف انرژی والگوی مصرف (خانوار ، خدمات و صنایع انرژی بر)
 ۱۱. برنامه ریزی و پیگیری قاطع استفاده از مزیت های کشور در حوزه ژئوپلیتیک و ژئو اکونومیک به عنوان قلب منطقه و تبدیل شدن به هاب انرژی همچنین نقش آفرینی مقتدرانه در مجامع بین المللی مثل اوپک

۱-۹-۶- انرژی الکتریکی

در حالی که در بسیاری از کشورهای دیگر، دسترسی ارزان و قابل اتکا به منابع اولیه (سوخت های فسیلی؛ آب های جاری و یا دیگر شکل های انرژی تجدیدپذیر) چالش اصلی حوزه انرژی الکتریکی سنتی است، در کشور ما، با افزایش روزافزون تقاضا و تغییر بهای انرژی اولیه و نگهداری زیرساخت ها در عین ثبات نسبی قیمت، چرخه اقتصادی فعالیت های این بخش با مشکل روبرو گردیده است.

از دیدی دیگر می توان گفت که چالش اساسی این حوزه، مأموریت محور بودن آن است. فعالیت های تولید و ارائه انرژی الکتریکی به طور سنتی در کشور، خصوصیت های یک کسب و کار را نداشته و تنها با تزریق بودجه های عمومی سر پا ایستاده است.

در بخش برق آبی این حوزه نیز از سویی تناقض بین توقعات مربوط به تامین آب و تامین برق، به صورت معضلی اساسی جلوه گر شده و تکیه بر توسعه کمی در آن، به معضلات زیست محیطی، کشاورزی و در برخی موارد مناقشه های اجتماعی منجر شده است.

اهداف

۱. خودکفایی در تامین برق قابل اطمینان و با کیفیت
۲. خودکفایی و اصلاح سبد سوخت نیروگاه ها
۳. افزایش سهم فناوری های نیروگاهی پربازده
۴. کاهش شدت مصرف انرژی الکتریکی
۵. افزایش سهم بخش خصوصی در زنجیره تامین انرژی الکتریکی
۶. گسترش استفاده از فناوری های پاک در تولید انرژی الکتریکی

راهکارها:

۱. توسعه ظرفیت های نیروگاهی براساس شاخص های علمی و مبتنی بر توسعه پایدار و آمایش سرزمین

۲. احداث نیروگاه های پربازده با اولویت تکمیل واحدهای چرخه ترکیبی ناتمام
۳. برنامه ریزی توسعه نیروگاه ها و استفاده از فناوری های تولید برق مبتنی بر خودکفایی در تامین سوخت
۴. نظام مندسازی یارانه ها در جهت کاهش شدت انرژی الکتریکی
۵. راه اندازی کامل بازار برق
۶. استفاده از ظرفیت های بخش خصوصی و ایجاد شرکت های خدمات انرژی به منظور اجرای طرح های افزایش راندمان نیروگاه ها
۷. تسهیل امور، راهنمایی و تشویق سرمایه گذاران به مشارکت در تولید انرژی الکتریکی از طریق انرژی های پاک و دوستدار محیط زیست
۸. افزایش سهم نفوذ انرژی های پاک و پشتیبانی از توسعه فناوریهای و نوآوری ها در این حوزه

۱-۹-۷- مسکن

مسکن به عنوان اساسی ترین و ابتدایی ترین نیاز خانوار، سهمی عظیم از سرمایه ثابت کشور را به خود اختصاص داده است و در اصل سی و یک قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، دسترسی به مسکن، به عنوان حق اصلی هر خانواده ایرانی تلقی شده است. تولید مسکن بر سه جزء اصلی اقتصاد ملی: تولید، سرمایه گذاری و اشتغال، تأثیر عمده دارد؛ در عین حال که از اقتصاد ملی نیز تأثیر می پذیرد. از دیدگاه اقتصاد کلان، مسکن، پرتحرک ترین و پویاترین بخش اقتصاد کشور در چند دهه ی اخیر بوده است.

در سه دهه ی اخیر، همواره بین ۲۰ تا ۴۰ درصد از کل سرمایه گذاری های کشور، در این بخش انجام شده است. بین ۴ تا ۸ درصد تولید ناخالص ملی تنها به بخش مسکن، اختصاص داشته است.

شاخص دسترسی به مسکن با در نظر گرفتن یک سوم درآمد خانوار برای خرید واحد مسکونی به عنوان استاندارد جهانی، رقم شاخص مذکور در سال ۹۴ برای کل کشور برابر ۳۶ و در تهران ۴۵ سال می شود پایین بودن نسبت مبلغ تسهیلات به ارزش واحد مسکونی (در سال ۹۴ برابر ۱۵ درصد)، از مشخصه های بارز و نقاط ضعف سیستم تامین مالی مسکن در کشور می باشد.

سهم مسکن در سبد هزینه خانوار شهری با بیشترین سهم هزینه ای با عدد ۳۵ درصد را در مقایسه با سایر کالاها و خدمات دارد و رتبه دوم در سبد هزینه ای خانوار به مواد خوراکی اختصاص دارد.

اهداف

۱. مسکن کرامت؛ برنامه ریزی مسکن ارزان و مناسب برای اقشار محروم جامعه
۲. ساخت واحدهای مسکونی با دوام بالا
۳. ایجاد بازار با ثبات زمین و مسکن
۴. تولید حرفه ای، انبوه و صنعتی مسکن متناسب با شرایط زیست محیطی کشور با تاکید بر طرح های کاهش مصرف انرژی.

راهکارها

۱. تکمیل باقیمانده از مسکن مهر که وعده مسئولان مربوطه براتمام این طرح تا پایان سال ۹۴ بوده است
۲. ایجاد نظام جامع مالی جهت اعطای وام های بلند مدت مؤثر برای





۳. ساخت و عرضه واحد های مسکونی
۴. ایجاد زمینه برای ورود بخش خصوصی به منظور تولید مسکن اجاره ای
۵. آگاه سازی و ترویج فرهنگ اسلامی- ایرانی در معماری و تدوین نظام بیمه / استاندارد ساختمان و مسکن
۶. اصلاح ساختار نظام درآمدی شهرداری ها
۷. حمایت از انبوه سازان داخلی و خارجی جهت سرمایه گذاری در مسکن کشور
۸. احیای بافت فرسوده در مناطق شهری
۹. حمایت از نوسازی و بهسازی مسکن روستایی

۱-۹-۸- حمل و نقل

حمل و نقل زیرساخت توسعه کشورها و بزرگترین بخش مصرف کننده انرژی در کشور ما است. از منظر اشتغال جمع رانندگان حمل و نقل درون شهری و برون شهری و کمک رانندگان قریب به ۳٫۵ میلیون نفر است و جمع سازندگان و تامین کنندگان وسایل نقلیه بالغ بر ۱٫۱ میلیون نفر است.

از منظر انرژی، محیط زیست و هزینه های خارجی مصرف سوخت در کشور تا قبل از سهمیه بندی سوخت هر دو سال یکبار دو برابر می شد (در دنیا هر ۵۰ سال یکبار مصرف سوخت دو برابر می شود). توجه به افزایش سالانه ی تعداد و پیمایش خودروها این عدد را معنی دارتر می کند. حمل و نقل حدود ۶۰ درصد انرژی کشور را مصرف می کند و بیش از ۸۵ درصد مصرف انرژی بخش حمل و نقل متعلق به حمل و نقل جاده ای است.

وجود بیش از ۱۰۰ هزار کامیون فرسوده سالانه چهار میلیارد لیتر سوخت اضافی و به عبارتی دو میلیارد دلار هزینه اضافی بر کشور تحمیل می نماید. جابجایی شدن هر سفر با وسیله نقلیه شخصی به حمل و نقل همگانی، ۷۵۵ گرم از غلظت گاز منواکسید کربن می کاهد.

اهداف:

۱. ارتقای ایمنی و بهینه سازی فرآیندهای ارائه خدمات در حمل و نقل جاده ای و وضعیت ناوگان
۲. ارتقای ترانزیت (افزایش میزان حمل و نقل بار از طریق ایران به سایر کشورها) و توسعه کریدورها و شبکه به مرزها و نقاط مهم تولید و جذب بار و مسافر
۳. بکارگیری فناوری های نوین توسعه حمل و نقل هوشمند و شفاف
۴. ارتقای زیربنای حمل و نقل (مانند بنادر، جاده ها، ریل و مترو و سایر زیربنایها) با تاکید بر مشارکت بخش خصوصی
۵. جذب سرمایه و توسعه بنادر کشور
۶. مدیریت توسعه فرودگاه امام خمینی (ره) برای هاب هوایی منطقه
۷. مدیریت توسعه ترانزیت هوایی به عنوان امن ترین فضای هوایی منطقه

راهکارها:

۱. تکمیل فرودگاه امام به عنوان هاب منطقه
۲. اولویت دادن به حمل و نقل ریلی با کامل کردن شبکه و اتصال به اسکله های تجاری

۳. ایجاد مرکز ملی بار به عنوان سامانه اطلاعاتی مدیریت و برنامه ریزی و کنترل
۴. استفاده از فناوری های نوین در کاهش آلاینده های محیط زیستی
۵. تهیه طرح جامع مدیریت سواحل مکران با تاکید بر توسعه همه جانبه و حفاظت محیط زیست

۱-۹-۹- فناوری اطلاعات و ارتباطات

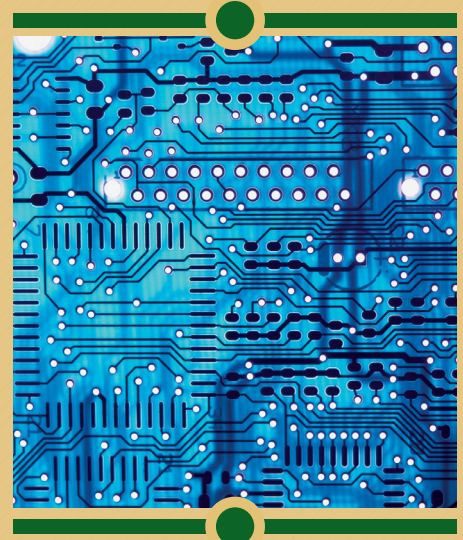
برای رفع مشکلات اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی کشور مهاجرت از اقتصاد منبع پایه به اقتصاد دانش بنیان الزامی و اجتناب ناپذیر است. ایجاد شفافیت اطلاعات و جلوگیری از فساد دستگاهها، برخورداری از نظام کارآمد و چابکی در فرآیندهای اداری و کاهش هزینه های جاری کشور، کاهش ترافیک و سفرهای غیر ضروری و مواردی از این نوع همگی در گرو استفاده فناوری اطلاعات و ارتباطات است. ورود کشور برای بکارگیری این فناوری نیز گرچه نسبتاً به موقع در مقاطع مختلف تحقق یافته است، لیکن روند حرکتی آن مطابق پیشرفت جهانی نبوده است. در مجموع چالش های موجود فاوا را می توان در محور چالش های عمومی، توسعه بی هدف فاوا و عدم بهره برداری مناسب از آن در کشور، عدم اجرای طرح ها و سندهای ملی و بخشی، ضعف ساختاری در حوزه مدیریت و تولید محتوا، فقدان نهادهای حمایتی مالی کارآمد، مشکلات بخش خصوصی و بین المللی نشدن شرکت های داخلی، عدم وجود سیستم عامل بومی کارت هوشمند و سخت افزار بومی برای آن، و سوء استفاده شبکه های تروریستی، جاسوسی از نفوذ شبکه های اجتماعی مجازی غربی در کشور، ضعف نگاشت ساختاری، به کارگیری منابع انسانی، امنیت سایبری، ضعف قوانین و مقررات و چالش های فعال نشدن شبکه ملی اطلاعات، چالش های موجود در به کارگیری کارت هوشمند و اینترنت اشیا دسته بندی کرد.

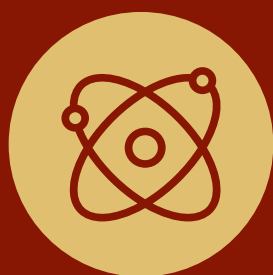
اهداف

ارتقاء صنعت، کاربرد، اشتغال و صادرات فناوری اطلاعات و ارتباطات در کشور مبتنی بر نیازهای جهانی و توانایی ها، اولویت ها و فرهنگ بومی

راهکارها

۱. تکمیل و راه اندازی شبکه ملی اطلاعات و ارتباطات کشور؛
۲. انتقال مراکز داده خارج کشور به داخل؛
۳. افزایش توان و قدرت سایبری کشور و کاهش شکاف دیجیتالی داخلی و با سایر کشورها؛
۴. توجه بیشتر به کارآفرینی در حوزه فاوا و تسهیلات قانونی در این زمینه؛
۵. ساماندهی فضای مجازی کشور (شبکه های اجتماعی)؛
۶. توسعه و بروزرسانی زیرساخت شبکه های ارتباطی و برخوردار کردن کلیه نقاط کشور از خدمات نوین و متنوع آن
۷. توجه بیشتر به گسترش کاربردهای فناوری اطلاعات در حوزه های مختلف تجاری، پزشکی، خدماتی و... (مراکز داده، داده های عظیم، اینترنت اشیا و...).





علم نافع

فناوری ثروت ساز و دانشگاه کار و کرامت آفرین
برنامه عملیاتی علم و فناوری تا سال ۱۴۰۰



۲ برنامه عملیاتی علم و فناوری تا سال ۱۴۰۰

پیشرفت همه جانبه کشور در ابعاد علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی، مستلزم توجه ویژه به مراکز علمی و دانشگاهی است که زمینه ساز اقتدار ملی کشور در همه ابعاد خواهد بود. مشارکت فعال دانشگاهیان در این فرایند نه تنها زمینه ساز تحولات اساسی در ابعاد شخصیت فردی و اجتماعی آحاد جامعه و ارتقای جایگاه ایشان متناسب با شأن و کرامت انسانی است، بلکه زمینه را برای پیشرفت کشور در همه ابعاد علمی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی فراهم می سازد. از این رو در مکتب امام راحل عظیم الشان (ره) دانشگاه مبدأ همه تحولات است.

ایران اسلامی به عنوان یک کشور مستقل از نظام سلطه از دو دهه قبل مسیری نوین را در عرصه علم و فناوری خود آغاز کرد که این حرکت با هدایت رهبری معظم حضرت آیه الله امام خامنه ای (مدظله العالی) صورت پذیرفته و نتیجه آن رشد پرشتاب علمی و کسب رتبه اول در شتاب برون داده های علمی، کسب رتبه شانزدهم جهانی و رتبه اول منطقه و جهان اسلام در تعداد برون داده های بین المللی نمایه شده در میان دیگر کشورهاست که مورد اذعان همه نهادهای پیشگرم علم و فناوری جهانی نیز می باشد. دستاوردهای ملموس در فناوری های هسته ای صلح آمیز، فناوری فضایی، سلول های بنیادی و فناوری نانو را نیز می توان به عنوان جنبه محصولی آن برشمرد. از طرف دیگر گذار از آموزش عالی محدود به آموزش عالی فراگیر اقدام تحسین برانگیز دیگری بود که در جمهوری اسلامی ایران رقم خورد و ایران در این شاخص نیز به عنوان یکی از ۵ کشور برتر جهان در شتاب گستردگی آموزش عالی تبدیل گردید و تا چند سال آینده همچنان جز ۱۰ کشور برتر در جمعیت آموزش عالی خواهد بود. این پتانسیل اگر به خوبی از آن بهره برداری گردد سرمایه ای بی نظیر در پیشرفت علمی کشور و اقتصاد دانش بنیان است.

چالش ها و مشکلات پیش رو

در سال های اخیر به دلایل مختلف از جمله مشکلات مدیریتی و سیاست های ناهماهنگ، روند پرشتاب علمی کشور آهنگ رشد منفی به خود گرفته است. از این رو اغلب شاخص های علم و فناوری روندی کاهشی را نسبت به شرایط پرشای قبلی نشان می دهند، این در حالی که است که کشور ما برای دفاع از استقلال و رونق اقتصادی نیازمند رشد پرشتاب علمی است.

در یک نگاه اجمالی شاخص هایی نظیر: میزان تولید علم، سرمایه گذاری های پژوهشی، دستاوردهای پژوهشی، ارتباط دانشگاه و صنعت، طرح های کلان ملی، همکاری بین دانشگاهی و مراکز علمی، جذب هیئت علمی، تعداد پروانه ثبت اختراع، روحیه امید و نشاط، شرایط رکود و کاهش را نشان می دهند.

هرچند بر اساس اسناد موجود تعداد شرکت های دانش بنیان دارای مجوز به ۲۹۷۵ مورد رسیده است لکن واقعیت آن است که بخش عمده ای از این شرکت ها قبلاً وجود داشته و صرفاً تغییر وضعیت داده اند تا از مزایای قانونی برخوردار شوند. این شرکت ها دارای ۵۳،۵۳۸ نفر شاغل با درآمد سالانه حدود ۱۴ هزار میلیارد تومان در سال ۹۵ بوده اند و این در حالی است که سالانه حدود یک میلیون نفر دانش آموخته جدید دانشگاهی





جویای کار هستند. لذا عملکرد تناسبی با اهداف برنامه‌ای و تقاضای فزاینده موجود ندارد. از سوی دیگر براساس آمارهای رسمی نرخ بیکاری کشور در پایان سال ۱۳۹۵ برابر ۱۲٫۴ درصد بوده است، درحالی‌که همین نرخ بین دانش‌آموختگان حدود ۲۰ درصد می‌باشد. علاوه بر این‌ها عدم تناسب بین شغل و شاغل نیز خود یک مسئله مهم می‌باشد.

در ادامه شماری از مهم‌ترین چالش‌های موجود پیرامون نظام آموزش عالی کشور بیان شده است:

۱. بیکاری فزاینده دانش‌آموختگان دانشگاهی و اشتغال غیر مؤثر ایشان
۲. رشد مشکلات و ناهنجاری‌های اجتماعی در میان قشر تحصیل‌کرده و دانشجویان
۳. ضعف ساختاری در ارتباط دانشگاه با صنعت و نیازهای جامعه
۴. اثرگذاری وسیع رکود اقتصادی بر پژوهش‌های دانشگاهی
۵. کمبود و هزینه کرد نامناسب منابع تخصیص یافته به امور پژوهشی و زیرساخت‌های مرتبط
۶. پاسخگو نبودن محتوای دروس، مراجع درسی و برخی رشته‌های دانشگاهی با نیازهای جامعه
۷. کیفیت پایین آموزش و عدم سازوکار مناسب برای مهارت‌آموزی و شکوفاسازی خلاقیت و ابتکار دانشجویان
۸. ضعف در بهره‌گیری از ظرفیت‌های دانشگاهی در پژوهش‌های کاربردی و رفع نیاز جامعه
۹. نامناسب بودن سازوکارهای موجود برای ارتقا انگیزه و نشاط علمی دانشجویان و اساتید
۱۰. عدم تحرک کافی در تولید علم و تولید محتوا در علوم انسانی اسلامی
۱۱. شبکه‌ای نبودن فعالیت‌های تحقیقاتی و عدم وجود سازوکار مناسب برای تحقیقات مشترک دانشگاهی
۱۲. انجام فعالیت‌های سطحی و قشری تحت عنوان برنامه‌های فرهنگی
۱۳. کاهش شتاب رشد علمی
۱۴. غلبه روحیه سیاست زدگی در مدیریت آموزش عالی و ناکارآمد سازی نهادهای شوراهای تصمیم‌گیری کلان در حوزه علم و فناوری

عوامل مؤثر در پیدایش و تقویت چالش‌ها و مشکلات

۱. باور نداشتن و عدم پایبندی به چشم‌انداز و اسناد بالادستی کشور و ضعف تفکر راهبردی و رویکرد علمی در ارتقای توانمندی علمی و فناوری کشور به عنوان مؤلفه اقتدار ملی
۲. تفکر وابسته، نگاه به بیرون و عدم باور به توانمندی‌های داخلی در پیشرفت همه‌جانبه
۳. رویکرد تشریفاتی و غیرعملیاتی، حزبی و سیاسی به دانشگاه و جایگزینی اقدامات عوامانه به جای تلاش و شور علمی
۴. عدم بهره‌مندی کافی از ایده‌ها و توانمندی اساتید، دانشمندان برجسته و نخبگان جوان در فرایندهای برنامه‌ریزی آموزش عالی

راهبردهای جهش و تحول علمی به معنای واقعی

در وضع حاضر، دانشگاه‌های کشور علی‌رغم پتانسیل بسیار بالای آن‌ها در انجام وظایف محوله به لحاظ عدم به‌کارگیری از توان آنان، اثربخشی

۱. ارتقای باورمندی مسئولین به نقش و جایگاه علم و فناوری در اقتصاد ملی و تقویت توان مدیریتی آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی با بهره‌گیری از روحیه جهادی و به‌کارگیری حداکثری از توان و قابلیت‌های نخبگان و خبرگان
۲. ایجاد قرارگاه جهادی پیشرفت علمی جهت انسجام مدیریتی و پشتیبانی با حضور اساتید، دانشمندان، نخبگان جوان، دانشجویان و بازیگران اصلی سیاست‌گذاری
۳. توسعه و خلق فرصت‌های جدید برای اشتغال دانش‌بنیان در جذب و به‌کارگیری دانش‌آموختگان دانشگاهی در راستای تحقق سیاست‌های کلان اقتصاد مقاومتی
۴. شناسایی و بهره‌گیری از قابلیت‌های موجود و خلق ظرفیت‌های جدید از جمله توان تحقیقاتی دانشگاه‌ها و انگیزه ورود دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی به حوزه فناوری
۵. طراحی و ایجاد سازوکار پایش جهت مدیریت هوشمند تحولات
۶. بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی و ایجاد فرهنگ و فضای گفتمانی در راستای جریان سازی، تعمیق و پایبندی به اهداف و سیاست‌های بالادستی علم و فناوری
۷. استقرار نظام نوآوری با تأکید بر مدیریت دانش و دانش‌بنیان نمودن سازمان‌های اصلی با تمرکز بر اجرای طرح‌های کلان پژوهش و فناوری اولویت‌دار متناسب با نیاز حال و آینده کشور
۸. بهره‌گیری از مشارکت مراکز تحقیقاتی و دانشگاهی، صنایع، بخش‌های اقتصادی اعم از دولتی و غیردولتی در تعریف و اجرای طرح‌های کلان ملی و برنامه‌های علمی
۹. پایدارسازی منابع مالی و کشف منابع مالی جدید به منظور حفظ و ارتقای جایگاه کشور در شاخص‌های کلان پیشرفت علمی
۱۰. تقسیم‌کار ملی در نظام آموزش عالی و مراکز تحقیقاتی بر اساس مأموریت‌های محول‌منطبق با اسناد بالادستی به‌ویژه نقشه جامع علمی کشور
۱۱. ارتقا سطح تعاملات و تبادلات علمی بین‌المللی، در راستای تربیت و تأمین‌کننده نیروی انسانی متخصص و حمایت از صادرات محصولات دانش‌بنیان و فناوری‌های بومی و همچنین جذب دانش‌نوین جهانی و فناوری‌های برتر



اهداف

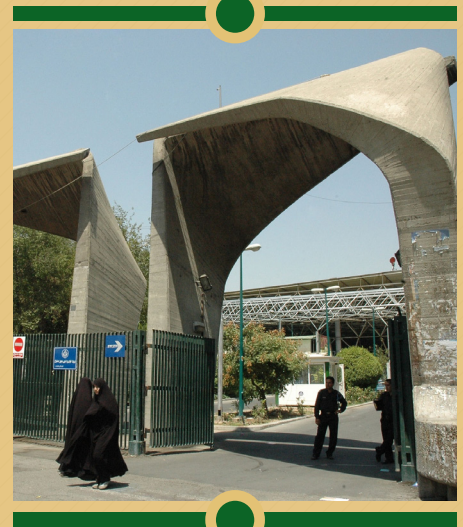
۱. هدفمند و کاربردی نمودن ۹۰٪ مقالات علمی و پایان نامه های تحصیلات تکمیلی
۲. افزایش سهم تأمین اعتبارات پژوهشی دانشگاه ها از محل ارتباط با صنعت. اختصاص عمده ظرفیت های پژوهشی و فناوری دانشگاه ها به رفع نیازمندی های جامعه در راستای اقتصاد مقاومتی و ارتقای توان رقابت تولید ملی در سطح جهان
۳. تداوم بازنگری و اصلاح متون و رشته های دانشگاهی و به روزرسانی آن ها با قدمت حداکثر پنج ساله
۴. اصلاح آمایش آموزش عالی و کاهش انحراف از سند مصوب
۵. توسعه دوره های کارآموزی و کارورزی به منظور ارتقای مهارت های شغلی و تقویت ارتباط دانشگاه و جامعه
۶. ارتباط علمی و پژوهشی هرکدام از دانشگاه های کشور با دو دانشگاه یا مرکز علمی، پژوهشی بین المللی
۷. توسعه عضویت و فعالیت دانشجویان در تشکلهای مختلف قانونی دانشجویی برای تحقق اهداف والای انقلاب اسلامی
۸. ایجاد حداقل یک آزمایشگاه یا پژوهشکده پیشرفته با طرح های پیشرو برای فعالیت های علمی نخبگان و استعداد های درخشان با مشارکت دانشگاه های برتر در هر استان.

راهکارها

برنامه اقدامات اساسی برای تحقق تحولات بنیادین در حوزه آموزش عالی متناسب با راهبردهای فوق مستلزم سازمان دهی نیروهای کارآمد در مراکز تحقیقاتی، تعامل مناسب بین ارکان آموزش عالی، ایجاد زمینه فهم مشترک و همراهی عمومی می باشد. از سوی دیگر اجرای این برنامه مستلزم حضور مدیران جهادی، خلاق، شجاع و باتجربه و حمایت سایر مسئولین از برنامه ها و پیاده سازی آنهاست. در نهایت نظارت و ارزیابی اثربخش و پیگیرانه آخرین حلقه ضرورت های موفقیت این برنامه و اقدامات آن می باشد. مهم ترین اقدامات، برنامه ها و ملاحظات در این فرایند عبارت اند از:

۱. به کارگیری مدیران شایسته (انقلابی، جهادی و دانا) در سطوح عالی.
۲. انسجام و یکپارچگی در مدیریت و هدایت راهبردی جریان علمی کشور
۳. تهیه برنامه جامع اقدام در چارچوب اهداف و سیاست های مصوب و ابلاغی و پایبندی جدی مسئولین به آن در عمل
۴. پیگیری و اجرای جدی طرح های کلان پژوهش و فناوری و محوریت آن ها در پیشرفت اساسی کشور
۵. حمایت از ایجاد صنایع نوین و پیشرفته فناوری محور، مبتنی بر دستاوردهای پژوهشی جهت اشتغال دانش آموختگان دانشگاهی
۶. تأمین سهم اعتبارات پژوهش و فناوری از تولید ناخالص داخلی برابر قانون
۷. تحول اساسی در نظام و محتوای آموزشی متناسب با نیاز حال و آینده کشور مبتنی بر طرح آمایش آموزشی
۸. تقویت ارتباط دانشگاه و صنعت به صورت جهشی و واقعی

۹. هدایت و حمایت از دوره‌های تحصیلات تکمیلی (مقالات، پایان‌نامه‌ها) به سمت نیازهای پژوهشی کشور
۱۰. حفظ کرامت دانشگاهیان در مستندسازی و اشاعه و نشر دستاوردهای علمی
۱۱. تقویت نقش قطب‌های علمی، انجمن‌های علمی، نشریات و همایش‌های علمی در طرح‌های کلان و نیازهای جامعه
۱۲. تقویت مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری به منظور توانمندسازی و افزایش جهشی شرکت‌های دانش‌بنیان و عملکرد علمی و اقتصادی آنها
۱۳. استقرار نظام ملی نوآوری و ارتقای بهره‌وری پژوهشی مبتنی بر نقشه جامع علمی کشور با تأکید بر مدیریت دانش
۱۴. طراحی و استقرار نظام خود ارزیاب و هوشمند آموزش عالی و دانشگاه‌ها منطبق با اهداف و سیاست‌های نقشه جامع علمی کشور
۱۵. تعیین سازوکارهای کارآمد در خلق منابع مالی جدید و به‌کارگیری منابع مالی در جهت ارتقا فعالیت‌های پژوهشی
۱۶. حمایت از پژوهشگران جوان و دانشجویان تحصیلات تکمیلی به‌عنوان کنشگران فعال پیشرفت علمی
۱۷. تسهیل و تقویت فرایند جذب محققین و اساتید جوان و نخبگان
۱۸. طراحی و استقرار رصدخانه علمی کشور
۱۹. گسترش شبکه‌های تحقیقاتی و ایجاد زیرساخت‌های لازم به‌منظور شبکه‌سازی فعالیت‌های تحقیقاتی در سطح ملی بین دانشگاهی مبتنی بر فاوا و بر بستر شبکه ملی اطلاعات، تقویت شاعا و شبکه پرسرعت علمی کشور و همچنین در سطح فراملی به‌منظور هم‌افزایی و افزایش کارایی و ارتقای بهره‌وری در فعالیت‌های علمی
۲۰. توجه جدی به آمایش آموزش عالی
۲۱. اهتمام جدی به تجدید ساختار و ساماندهی مراکز تحقیقاتی
۲۲. شفاف‌سازی، ایجاد و تقویت فضای گفتمانی در دانشگاه‌ها
۲۳. طراحی، تصویب و پیاده‌سازی نظام پژوهشگری برای هویت بخشی مستقل به شغل پژوهشگری در مراکز علمی و تحقیق و توسعه کشور (جهت جذب مخترعین، مبتکرین، صاحب‌نظران، نخبگان و دانش‌آموختگان دانشگاهی)
۲۴. ارتقا منزلت و بهبود معیشت استادان، محققان و دانش‌پژوهان





ارتقای آموزش و پرورش با معلمان پرنشاط
برنامه عملیاتی آموزش و پرورش تا سال ۱۴۰۰



۳ برنامه عملیاتی آموزش و پرورش تا سال ۱۴۰۰

از دیدگاه دین مبین اسلام و به بیان قرآن کریم؛ «یرفع الله الذین آمنوا منکم والذین اوتوا العلم درجات»، اما خمیرمایه انسان های عالم و هرکس که خداوند تبارک و تعالی وعده ترفیع آنها وبالطبع، عزتمندی جامعه متشکل از آنها را داده است، ریشه در بنیان‌هایی دارد که از جمله مؤثرترین آنها دورانی است که همچون نهالی قاعده رشد و شاکله وجودشان را بر آن دوران بنا می‌نهند. نقش تربیت و تعلیم اینچنین در فرآیند زندگی و رشد انسان‌ها مؤثر است و براین اساس است که اگر جامعه‌ای بخواهد به عزت مادی، سعادت معنوی، سیطره سیاسی، پیشرفت علمی و آبادانی زندگی دنیا و هرآرزوی دیگر دست پیدا کند باید به تعلیم و تربیت و آموزش و پرورش به عنوان یک کار بنیادی و راهبردی بنگرد و از این روست که هرگونه هزینه‌ای در آن، سرمایه‌گذاری تلقی شده و آینده کشور بر آن استوار خواهد بود.

اهداف

- در این راستا کشور باید دستیابی به اهداف زیر را دنبال کند؛
- نقش‌آفرینی مؤثر مدرسه و نظام آموزش و پرورش در آینده‌سازی آحاد جامعه.
- ارتقاء منزلت معلمان و افزایش احساس رضایت شغلی آنان به عنوان پرچم‌داران تعلیم و تربیت و نقش‌آفرینان اصلی در این حوزه.
- ارتقاء مهارت‌ها و توانمندی‌های کاری، شغلی و زندگی فردی و اجتماعی دانش‌آموزان و مطابق‌سازی آن با نیازها و ویژگی‌های بومی آنها.
- ارتقاء جایگاه اجتماعی آموزش و پرورش در بین نهادهای کشور.

راهکارها

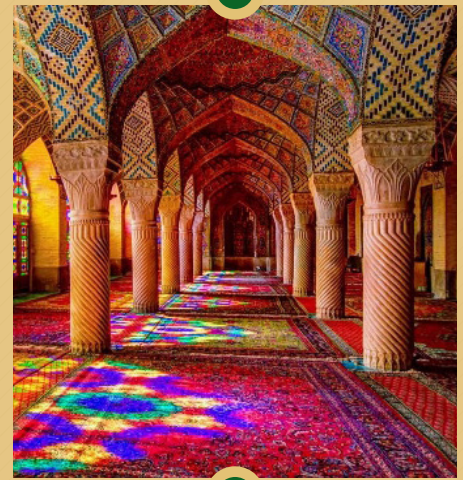
۱. پیگیری اجرای کامل سند تحول بنیادی آموزش و پرورش.
۲. اجرای کامل نظام رتبه‌بندی معلمان مطابق سند نقشه جامع علمی کشور، سند تحول بنیادی و سیاست‌های کلان.
۳. اهتمام ویژه به حضور اندیشمندان و فرهیختگان در آموزش و پرورش و ایجاد فضای مناسب انگیزشی برای آن.
۴. اجرای برنامه‌های حمایتی ویژه معیشتی و منزلتی برای معلمان.
۵. اهتمام ویژه نسبت به فعالیت‌های تربیتی، پرورشی، هنری در محیط مدارس و توجه به ورزش و نظام سلامت در مدارس.
۶. توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای منطبق با اهداف برنامه‌های پنجم و ششم (حداقل به میزان ۵۰ درصد دانش‌آموزان مقطع دوم متوسطه).
۷. تدوین و اجرای برنامه جامع و اثربخش قرآنی، برگزاری برنامه‌های معرفتی و مصون‌ساز از تهاجم فرهنگی با استفاده از فناوری‌های نوین و رسانه‌ها.
۸. اهتمام ویژه به آموزش ابتدایی و پیش دبستانی.
۹. بازنگری موضوعات درسی و محتوایی دروس از مباحث غیر ضرور در سطوح و رشته‌های مختلف.





اخلاق‌مداری، معنویت، رسانه‌های
کارآمد و هنرمتعالی همراه با ارتقای ورزش
برنامه عملیاتی فرهنگی کشور تا سال ۱۴۰۰





۴ برنامه عملیاتی فرهنگی کشور تا سال ۱۴۰۰

هماهنگی و انسجام بخشی به مدیریت کلان فرهنگی کشور

یکی از نکات کلیدی و مهم در زمینه فرهنگ، اعمال یک مدیریت هماهنگ و منسجم برای مسائل کلان فرهنگی کشور است تا نه تنها کارها پراکنده یا متعارض با یکدیگر نباشد بلکه همه، در راستای رسیدن به یک هدف سازماندهی شده و با ایجاد یک نظام اطلاعاتی جامع و شفاف در این زمینه، هم‌افزایی لازم نیز پدید آید به طوری که فرهنگ عمومی جامعه در زمینه نظم و انضباط اجتماعی، قانون‌مداری، صداقت، امانتداری، وفا به عهد و پیمان، وجدان کاری و سخت‌کوشی، رعایت اعتدال و دیگر مسائل ضروری و حیاتی تقویت گردید. و همه نهادهای فرهنگی در راستای گسترش فضائل و مکارم انسانی و تقویت ارزش‌های اسلامی در جامعه تلاش نمایند.

توانمندسازی مردم در نقش آفرینی فرهنگی براساس ارزش‌های اسلامی-ایرانی

دولت دوازدهم باید با رعایت مصالح و منافع کلی نظام اسلامی، تلاش نماید تا نقش آفرینی مردم در مسائل فرهنگی افزایش یابد. در نتیجه، سرعت کارها افزایش یافته و سیاستهای کلان فرهنگی با مشارکت و همکاری مردم به صورتی کارآتر و با هزینه کمتر اجرا می‌گردد؛ بسط و گسترش ارزشهای فرهنگ اسلامی و نهادینه شدن نظارت عمومی با امر به معروف و نهی از منکر، دولت را در این زمینه یاری می‌نماید. بدیهی است ارتقاء جایگاه مساجد و محوریت بخشی به این نهاد مقدس در حل مسائل و مشکلات فرهنگی و اجتماعی و استمداد از نیروهای فکری و معنوی حوزه‌های علمیه در این مسیر راهگشاست.

افزایش تولید برنامه‌های هنری سالم، فاخر و ارزشی

ارایه هنرمندانه و مسئولانه معارف دینی و ساخت برنامه‌های هنری مورد نیاز، جزء اولویت‌های برنامه‌سازی و مسئولیت اصلی برنامه‌سازان می‌باشد و لازم است با برنامه‌ریزی صحیح و هدفمند و براساس محتوای غنی اسلامی به تهیه و تولید برنامه و پیام ارزشی و تاثیرگذار جهت نیل به اهداف و آرمان‌های نظام و مردم ایران اسلامی اقدام نمود.

ترویج سبک زندگی اسلامی-ایرانی

شناساندن شیوه‌های ریشه‌دار و مستحکم زندگی ایرانی و اسلامی یک آینده مهم در حوزه فرهنگی است و هر فرد ایرانی صاحب سبک به مثابه یک الگو برای کل کشور خواهد بود. این امر به معنی طراحی و ابتکار و تولید در عرصه پوشاک، خوراک، تفریح و سرگرمی، بازی و... به سبک ایرانی و اسلامی است که در عین حال جنبه اقتصادی نیز خواهد داشت.

گسترش و نهادینه کردن قرائت و تدبیر قرآن در میان همه افراد جامعه و حضور آموزه‌های آن در عرصه زندگی و همه برنامه‌ها و فعالیتها

مهمترین و موثرترین منبع و سند برای تدوین سبک زندگی اسلامی قرآن است. زیرا قرآن کریم به عنوان ثقل اکبر و یکی از دو امانت پیامبر





اکرم (ص) در میان امت اسلامی است لذا افراد یک جامعه اسلامی برای دستیابی به سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت خود باید با قرآن مانوس باشند. بدیهی است در دولت کار و کرامت مقدمات و زمینه‌های مناسب برای رسیدن به این هدف مهم را فراهم می‌آورد به طوری که قرآن و آموزه‌های آن به صورت عینی وارد زندگی مردم گشته و عمل به قرآن کریم وجه همت همه نهادها و سازمان‌های حکومت اسلامی باشد و حضور قرآن در میان دولت و ملت از حالت تشریفاتی و ظاهری درآید. برای این دستیابی به این اهداف، راهکارهای آموزشی و تربیتی ویژه‌ای در نظر گرفته شده که نتیجه آن در حل مشکلات فردی اجتماعی با سرعت آشکار می‌گردد.

ترویج فرهنگ عفاف و حجاب

اگرما سطح آگاهی و بصیرت افراد جامعه را چنان افزایش دهیم که پایبندی و ترویج حجاب و عفاف را به مصلحت خود و جامعه و کشورشان بدانند و در مقابل این آگاهی و بصیرت عمومی پدید آید. قریب به اتفاق افراد جامعه به طور خودکار نه تنها آموزه‌های اسلامی را در زمینه حجاب و عفاف رعایت می‌نمایند بلکه خود مروج این فرمان الهی خواهند بود چرا که انسان‌ها به طور فطری به پاکی‌ها و فضائل اخلاقی و انسانی گرایش دارند. دولت کار و کرامت موظف است با ظرافت و تدبیر عقلایی همراه با جدیت با آنها رفتار نماید و این مطلبی است که دغدغه بسیاری از خانواده‌های متدین و انقلابی جامعه اسلامی ماست.

بازآفرینی رسانه‌ای

بی‌تردید امروزه رسانه‌ها یکی از مهمترین و مؤثرترین عوامل تربیت و بالندگی در هر جامعه می‌باشند. رسانه‌ها با وسعت دامنه خود، در حکم دانشگاه عمومی هستند که با همه اقشار جامعه سروکار دارند لذا در برنامه دولت کار و کرامت هم‌افزایی دستگاه‌های دولت با رسانه ملی و ارتقاء روابط عمومی دستگاه‌ها به معاونت فرهنگ و ارتباطات و توسعه کمی و کیفی رسانه‌های فرامرزی با زبان‌های رایج بین‌المللی و نیز ارتقاء سازوکار ارتباطی دوطرفه دولت با مردم و احترام به منتقدین از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

ترویج و تقویت شاخه‌های مختلف هنر اسلامی با تاکید بر تربیت نیروی انسانی متعهد

امروزه یکی از بهترین راههای تبلیغ و گسترش آموزه‌های اسلامی برای ارتقاء سطح دانش، آگاهی و بصیرت عمومی و تربیت صحیح نسل جوان و ترویج سبک زندگی اسلامی استفاده از شاخه‌های مختلف هنر اسلامی است ولی از آنجا که ابزار و تجهیزات مدرن تبلیغاتی عمدتاً در دست استکبار جهانی و صهیونیسم بین‌الملل می‌باشد. گرچه بعد از انقلاب کارهای هنری ارزشمندی صورت گرفته، اما هنوز تا رسیدن به وضعیت مطلوب فاصله زیادی داریم و عمده کاستی و ضعف ما در این قسمت مربوط به تربیت نیروهای متخصص و متعهد در این زمینه می‌باشد، لذا برنامه دولت کار و کرامت استفاده بهینه از نیروهای موجود در جهت اهداف مقدس نظام اسلامی است. و با برنامه‌ریزی صحیح، نسل جدیدی از هنرمندان متعهد به حفظ و گسترش ارزشهای انقلاب اسلامی

تربیت کردند تا این نظام مقدس به عنوان امانت الهی، به صورتی سالم و پویا، زمینه رشد و تعالی نسل جدید را فراهم آورد.

تقویت نگاه فرهنگی دولت و تهیه پیوست فرهنگی برای طرحها بر اساس نقشه مهندسی فرهنگی

فرهنگ از زیربنایی ترین بخش‌های هر جامعه است و واسطه تمدن و اندیشه در جوامع بشری می‌باشد. مهندسی فرهنگی به معنای تنظیم بهینه روابط بین ابعاد، عناصر و مولفه‌های گوناگون فرهنگ می‌باشد. پیوست فرهنگی در راستای مهندسی فرهنگی حامل پیام ویژه‌ای برای عملیاتی کردن ایده‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های فرهنگی در فضای عمل اجتماعی است. لذا در دولت کار و کرامت تاکید بر پیوست فرهنگی به عنوان جزء لاینفک طرح‌ها در دستور کار است.

ایجاد نظام ارزیابی شاخص‌های کلان فرهنگی و استاندارد سازی محصولات فرهنگی

ارایه هنرمندانه و مسئولانه معارف دینی و ساخت برنامه‌های هنری مورد نیاز، جزء اولویت‌های برنامه سازی و مسئولیت اصلی برنامه سازان می‌باشد و لازم است با برنامه ریزی صحیح و هدفمند و براساس محتوای غنی اسلامی به تهیه و تولید برنامه و پیام ارزشی و تاثیرگذار جهت نیل به اهداف و آرمان‌های نظام و مردم ایران اسلامی اقدام نمود.

رونق تفریح و گردشگری

موقعیت ایران و روحیه میهمان‌پذیری ایرانیان ظرفیت فرهنگی و اقتصادی مناسبی را فراهم کرده که می‌تواند از ابعاد مختلف مد نظر قرار گیرد و برای جمهوری اسلامی ایران منفعت داشته باشد که در برنامه دولت کار و کرامت علاوه بر ترویج گسترش این رویکرد به دنبال ممکن سازی امر گردش در همه ایام سال برای هموطنان عزیز نیز می‌باشد، لذا تکمیل زیرساخت‌ها با مشارکت مردمی، بسیج ظرفیت‌های مردمی و دولتی در ایام سفر و فراهم آوردن شرایط نواز جمله برنامه‌های دولت است.

ورزش

برنامه دولت کار و کرامت اهمیت دادن به ۴ دسته ورزش پرورشی، همگانی، قهرمانی و پهلوانی است به همین دلیل پایان رساندن ۴ هزار ورزشگاه نیمه تمام، پیوند دادن اقشار مختلف با ورزش از طریق تخصیص بیشتر امکانات دولتی، افزایش فرهنگ سازی در جهت امر ورزش و روحیه جوانمردی، برنامه‌ریزی استفاده از فضاها همچون مدارس، راه‌اندازی نظام غربالگری در جهت قهرمان پروری و... در برنامه کاری دولت قرار دارد.





جامعه متحد، بانشاط و فارغ از آسیب
برنامه عملیاتی رفع مشکلات اجتماعی کشور تا سال ۱۴۰۰



۵ برنامه عملیاتی رفع مشکلات اجتماعی کشور تا سال ۱۴۰۰

حوزه اجتماعی یکی از مهم‌ترین حوزه‌های مورد توجه دولت است. بخشی مهم از وظایف و مسوولیت‌های رئیس‌جمهوری، تلاش در جهت تحقق حقوق اجتماعی است که در نصوص قانونی جمهوری اسلامی به صورتی مشخص و روشن، بیان و تبیین شده است.

۵-۱- حقوق اجتماعی در قانون اساسی

۱. حق برابری
۲. حق برخورداری از عزت، حرمت و کرامت انسانی
۳. حق بهره‌مندی از آزادی: قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بر سه وجه بنیادی آزادی تاکید دارد:
 - آزادی جان و مال و حیثیت
 - آزادی بیان فکر، اندیشه و عقیده؛
 - آزادی در اجرای عدالت قضایی.
۴. حق برخورداری از شغل مناسب
۵. حق آحاد جامعه در انتفاع از مساعدت و حمایت اقتصادی دولت
۶. حق برخورداری آحاد ملت از مزایای تامین اجتماعی
۷. حق داشتن مسکن مناسب
۸. تأمین استقلال اقتصادی، محو فقر و محرومیت و تامین نیازهای فرد با حفظ عزت، کرامت و آزادی او

۵-۲- مهم‌ترین برنامه‌های حوزه اجتماعی

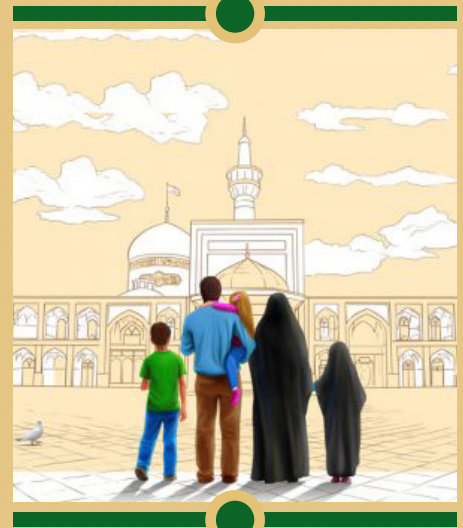
ارایه هنرمندانه و مسئولانه معارف دینی و ساخت برنامه‌های هنری مورد نیاز، جزء اولویت‌های برنامه‌سازی و مسوولیت اصلی برنامه‌سازان می‌باشد و لازم است با برنامه‌ریزی صحیح و هدفمند و براساس محتوای غنی اسلامی به تهیه و تولید برنامه و پیام ارزشی و تاثیرگذار جهت نیل به اهداف و آرمان‌های نظام و مردم ایران اسلامی اقدام نمود.

۵-۲-۱- حمایت از خانواده

جامعه سالم محصول خانواده‌های سالم است؛ خانواده تنها یک نهاد عمومی صرف نیست بلکه کانون اصلی رشد و تعالی انسان است. اساسا انسان با کرامت، تربیت یافته کانون گرم و پراز محبت خانوادگی است. با این حال، در سال‌های اخیر تزلزل بنیاد خانواده یکی از مهمترین آسیب‌های اجتماعی کشور بوده است. افزایش آمار طلاق، کاهش آمار ازدواج، افزایش سبک زندگی مجردی و افزایش ناهنجاری‌های اخلاقی از عناصر متزلزل کننده نهاد خانواده به شمار می‌روند. ادامه کم توجهی به این موضوع مهم اجتماعی، موجب از بین رفتن مهمترین کانون تربیت عاطفی انسانی و در نتیجه افتادن در سراشیبی سقوط اخلاق در جامعه خواهد بود.

اهداف

۱. تقویت بنیان‌های خانواده و خانواده محوری در جامعه
۲. کاهش نرخ طلاق
۳. تقویت کرامت و بنیه اقتصادی زنان سرپرست خانوار و زنان بی سرپرست
۴. حمایت از افراد آسیب دیده به منظور جلوگیری از بروز آسیب‌های بعدی





برنامه جامع روش درمانی

راهکارها:

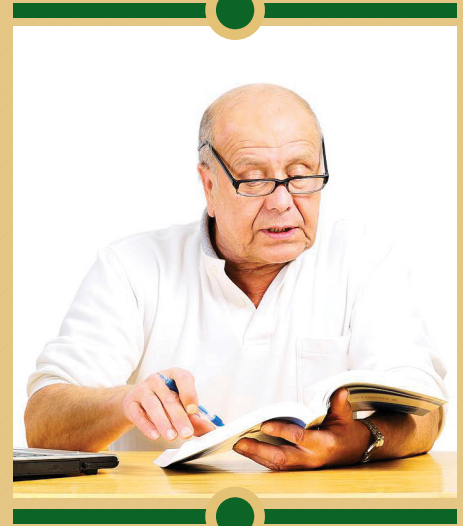
۱. تهیه نقشه راه پیاده سازی سیاستهای کلی خانواده ابلاغی رهبر معظم انقلاب اسلامی و اجرای آن
۲. پیگیری سیاست گذاری و برنامه ریزی خانواده محور در تمام ارکان کشور
۳. ایجاد تحول ساختاری به منظور هم افزایی در موضوع مدیریت خانواده در سطح کشور از طریق تمرکز مدیریتی نهادهای ذیربط
۴. تهیه بانک اطلاعاتی جامع از وضعیت خانواده ها، زنان سرپرست خانوار و توانمندی های زنان سرپرست خانوار.
۵. حفظ و تقویت خانواده از طریق بسط تولید و اشتغال و افزایش میزان درآمد خانوار از طریق توزیع عادلانه ثروت.
۶. ترویج سبک زندگی اسلامی و خانواده محوری در جامعه
 - توجه جدی به ارتباط ضابطه مند مدرسه، مسجد و خانواده
 - ایجاد فرصت برای حضور مفید و مؤثر اعضای خانواده در کنار یکدیگر
 - اصلاح رفتار گروه های مرجع و برجسته سازی رفتارهای شایسته آنها
 - حمایت از عزت و کرامت همسری، نقش مادری زنان و توانمندسازی اعضای خانواده در مسئولیت پذیری، تعاملات خانوادگی و ایفاء نقش و رسالت خود.
- آگاه سازی عمومی
۷. ایجاد نهضت فراگیر ملی برای ترویج و تسهیل ازدواج آسان و موفق؛ و نفی تجرد در جامعه
 - تامین مسکن ارزان قیمت برای زوج های جوان
 - مبارزه جدی با اشرافی گری و تجمل گرایی
 - ساماندهی نظام مشاوره ای و آموزش قبل، حین و پس از تشکیل خانواده
 - ایجاد ساز و کارهای لازم برای ارتقاء سلامت همه جانبه خانواده ها
- بویژه سلامت باروری
۸. اتخاذ روش های حمایتی و تشویقی مناسب برای تکریم سالمندان در خانواده و تقویت مراقبت های جسمی و روحی و عاطفی از آنان.
۹. بازنگری، پیگیری، اصلاح و تکمیل نظام حقوقی و رویه های قضایی در حوزه خانواده متناسب با نیازها و مقتضیات جدید و حل و فصل دعاوی در مراحل اولیه توسط حکمیت و تأمین عدالت و امنیت در تمامی مراحل انتظامی، دادرسی و اجرای احکام در دعاوی خانواده با هدف تثبیت و تحکیم خانواده.

۵-۲-۲- توسعه سلامت و تامین اجتماعی

موضوع سلامت و تامین عدالت محور اجتماعی در اسناد بالا دستی نظام جمهوری اسلامی مورد توجه قرار گرفته و در دستور کار دولت های مختلف نیز بوده است. قابلیت ها و ظرفیت های درخوری نیز در کشور در حوزه های خدمات، فناوری ساخت تجهیزات پزشکی و دارو سازی، آموزش و پژوهش بخش سلامت (پیشگیری و درمان) و در حوزه رفاه و تامین اجتماعی ایجاد شده است، ضمن اینکه امکان توسعه آن با وجود ظرفیت های بالقوه در کشور و هم فرصت های موجود بین المللی با وجود متخصصین و امکانات پزشکی، سابقه طب اسلامی و سنتی، و هم فرهنگ غنی ایرانی- اسلامی مردم در حوزه های کسب علم، اخلاق پزشکی و مساعدت نیازمندان و آسیب پذیران

وجود دارد. لیکن علیرغم همه تلاش ها هنوز توفیق حل کامل مشکلات این بخش حاصل نشده و اجرای نظام های تحولی در عین داشتن مزایا به بعضی از مشکلات موجود دامن زده است. طرح اخیر تحول نظام سلامت و پوشش بیمه ای اقشار کشور علی رغم امیدواری اولیه که در قلوب محرومین ایجاد کرد، بدلیل عدم توان دولت در تامین بودجه و سیاست های غیر هماهنگ با اهداف، پیامدی جز افزایش پرداخت از جیب مردم و در نتیجه فاصله گرفتن قشر آسیب پذیر از فرایندهای بهداشتی و ... نداشته است. کما این که طی سالهای اخیر تورم بخش بهداشت ۱۱ درصد بیش از تورم عمومی کشور بوده، تعرفه ها بصورت تصاعدی افزایش یافته و پرداخت از جیب مردم به حدود ۵۸ الی ۶۰ درصد هزینه های ذیربط رسیده است.

از طرف دیگر، عدم وجود یک نهاد منسجم و قدرتمند سیاستگذار و نظارت کننده در حوزه تامین اجتماعی در سال های گذشته باعث ایجاد نارضایتی عمومی از کیفیت و کمیت در این حوزه خصوصا در اقشار آسیب پذیر و روستائیان شده است. این در حالیست که با تشکیل وزارت کار و رفاه اجتماعی انتظار می رفت که این خلاء پر شود اما ضعف مدیریتی، حاکمیت نگاه جناحی به شرکت های زیرمجموعه تامین اجتماعی و پستوهای تو در تو و شرکت های پیچیده در هم آن باعث شده است که تاکنون انتظارات برآورده نشود و مشکلات مردم نیز همچنان باقی باشد. در کنار این موارد پیشی گرفتن مصارف بر منابع و دست اندازی مدیران دولتی به ذخائر سازمان تامین اجتماعی برای رفع کسری بودجه، ناپایداری درآمدها و رشد کسری بودجه سازمان تامین اجتماعی، موج متولدان ۱۳۶۰ و افزایش جمعیت غیرفعال در بخش تولید (گسترش جمعیت بیکاران)، ضعف نظام ارزیابی محاسبات بیمه ای ادواری، نارسایی ساختار نظام تامین اجتماعی و فقدان جامعیت، کفایت و فراگیری، ضعف نظام ارزیابی محاسبات بیمه ای و فقدان گزارش های مالی بلندمدت تامین اجتماعی و ناکارآمدی سیاست های یارانه ای در اجرای سیاست های بازتوزیعی برای اقشار زیر خط فقر باعث شده که عملا نظام رفاه و تامین اجتماعی کشور به نمادی از ناکارآمدی تبدیل گردد. چالشهای مهم این بخش عبارتند از: تداخل وظایف نهادهای دست اندرکار و مشخص نبودن تولید در تعریف تعرفه ها و سیاستگذاری های حوزه، مشکل تامین منابع دولتی و لزوم پرداخت عادلانه مردم، مشکل تدارک خدمات درمانی، کاهش کیفیت و نبود امکان کنترل اقدام مؤثر از طرف دست اندرکاران، عدم پاسخگویی، فرار بیمه ای اقشار ثروتمند و نابرابری در بهره مندی، تاثیر مواضع سیاسی در تصمیم گیری های بخش، شوک های اقتصادی، نرخ بالای بیکاری، تغییر در ترکیب و ساختار سنی جمعیت کار و تأثیر پذیری صندوق ها و عدم پایداری آنها.



اهداف

۱. ارتقاء عدالت اجتماعی در این حوزه و ایجاد فرصتهای برابر برای آحاد مردم در دسترسی به سلامت و رفاه و ارتقاء شاخص های آن
۲. ایجاد نظام جامع تامین اجتماعی برای حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان
۳. حمایت و ارتقاء فعالیت نهادهای عمومی، مؤسسات و خیریه های مردمی در حمایت از حقوق محرومان و مستضعفان و مبارزه با فقر
۴. ایجاد توازن در درآمد و هزینه های صندوق تامین اجتماعی و سایر صندوق های بازنشستگی
۵. مبارزه گسترده با سوء عملکرد در شرکت های زیر مجموعه صندوق ها
۶. ایجاد شفافیت بیشتر در نظام ارزیابی و محاسبات بیمه ای
۷. جلوگیری از دست درازی های دولتی به منابع صندوق های بازنشستگی و تامین اجتماعی



۸. ارتقاء شاخصهای سلامت هوا، امنیت غذا، محیط و بهداشت جسمی و روحی برای آحاد جامعه (انسان سالم و سلامت همه جانبه)
۹. کاهش مخاطرات و آلودگی‌های تهدید کننده سلامت و رفاه اجتماعی
۱۰. اصلاح الگوی تغذیه جامعه با بهبود ترکیب و سلامت مواد غذایی
۱۱. توسعه کمی و کیفی بیمه‌های سلامت و کاهش سهم مردم از هزینه‌های سلامت

راهکارها:

۱. تقدّم بخشی به اصل عدالت اجتماعی در نظام تصمیم‌گیری رفاه اجتماعی و تقویت معیارهای عادلانه در سازماندهی فعالیت‌ها و ارائه خدمات در بخش‌های بیمه‌ای و حمایتی.
۲. تلاش در جهت اصلاح قوانین فعلی رفاه و تامین اجتماعی منطبق بر شرایط اقتصادی کشور (مانند نرخ تورم) و در راستای بهبود وضعیت مستمری بگیران در دستور کار قرار دادن استقرار یک نظام بهم پیوسته، منسجم و کلان رفاه و تامین اجتماعی با لحاظ داشتن اصولی اساسی نظیر فراگیری، جامعیت و کفایت خدمات.
۴. انسجام بخشی به روابط میان کارگران و کارفرمایان
۵. افزایش نظارت و شفاف سازی وضعیت مالی صندوق‌های بیمه‌ای و بازنشستگی
۶. ثبات وضعیت و تولید در تعریف تعرفه‌ها و سیاستگذاری‌های حوزه
۷. گسترش بیمه‌های درمانی و بیمه‌های اجتماعی
۸. اولویت دادن به فقرا و گروه‌های آسیب پذیر و تدوین بسته‌های حمایتی از آنها
۹. کاهش پرداخت از جیب
۱۰. مبارزه بابتی عدالتی توزیعی و محور قرار دادن روستاها
۱۱. جهت دهی رفتارهای جامعه در جهت ارتقای امنیت اجتماعی و کاهش سوء استفاده‌ها
۱۲. برقراری نظام مستمری لایه بندی شده
۱۳. گسترش پایگاه‌های خدمات اجتماعی با رویکرد غیردولتی و تعریف شرکای اجتماعی در برنامه اصلاحات بازنشستگی و تامین اجتماعی
۱۴. توانمندسازی افراد قابل بازتوانی از طریق سازمان‌های مردم نهاد و گروه‌های خودیار فعال در حوزه توانمندسازی
۱۵. اصلاح شیوه شناسایی گروه‌های آسیب پذیر واقع در لایه صفر به تفکیک شهر و روستا، زن و مرد (عدالت جغرافیایی و عدالت جنسیتی)
۱۶. پوشش کامل خانوارهای آسیب دیده از رویدادهای غیر مترقبه و حوادث طبیعی
۱۷. نگاشت نهادی وظایف و اصلاح ساختار و فرایندهای تصمیم‌گیری در همه مولفه‌های مربوطه این بخش با رویکرد مدیریت جهادی و افزایش تعامل و هماهنگی درون بخشی و بین بخشی نهاد‌های مسئول
۱۸. گسترش فرهنگ خرید و استفاده از بیمه‌های عمر توسط مردم و حمایت از کارکنان دولت در این بخش
۱۹. پیاده سازی برنامه‌های لازم برای یکسان سازی مزیت‌های حمایتی از بازنشستگان و خدمات ارائه شده توسط صندوق‌های بازنشستگی در طی یک مدت ده ساله

۵-۲-۳- ارتقای هویت ایرانی-اسلامی

جامعه ایران مجموعه ای از اقوام، نژادها، مذاهب و فرهنگ های گوناگون است که با داشتن زبان ها و لهجه های مختلف، قرنهایست که زیر پرچم وحدت بخش سرزمین ایرانی در مسالمت با یکدیگر زندگی می کنند. از سوی دیگر جهانی شدن و آثار و تبعات گسترش ارتباطات در سطح جهان با استفاده از رسانه های نوظهور سبب «کاهش تدریجی توان عناصر هویت ساز سنتی، رشد شکل های جدید بیگانگی در جامعه، افزایش مرکز گریزی و چالش تکرر فرهنگی» از سویی و شناخت «عناصر مفید فرهنگی، رشد فرهنگی و اجتماعی سایر جوامع، بهره گیری از توان رشد یافته فرهنگی و اجتماعی سایر جوامع و ...» از سوی دیگر شده است. حمایت از زیست فعالانه قومیت ها، نژادها و مذاهب رسمی در تطابق با هویت واحد ملی یک وظیفه مهم دولت است.

اهداف

۱. استفاده از ظرفیت خرده فرهنگ ها و قومیت ها در حوزه های مختلف
۲. حمایت از زیست فرهنگی- اجتماعی اقوام، نژادها، مذاهب (رسمی) و زبانهای گوناگون ایرانی
۳. نماد سازی، الگو سازی و اسطوره پردازی با حمایت از ظرفیت های هنری
۴. تولید محتوای بومی (به عنوان عامل حفظ میراث معنوی و فرهنگی و یادگیرندگی ملی)

راهکارها:

۱. اولویت دادن به سیاست اتحاد ملی و انسجام اسلامی
 - به کارگیری مدیران متعهد و متخصص بومی
 - رسیدگی به وضعیت مناطق کم برخوردار از طریق رونق تولید و اشتغال
 - احترام به مظاهر اعتقادی مذاهب رسمی کشور و سایر مذاهب خصوصا در میان مسئولین کشور
 - تعمیق وحدت میان ارکان حاکمیت و جامعه
 - برجسته نمودن نقش وحدت بین خواص و نخبگان در بازتولید هویت اسلامی ایرانی
 - نمایش تاریخ مشترک فرهنگی همه گروه های قومی در ایران
 - بهینه سازی و توزیع مناسب امکانات بر اساس یک الگوی عدالت محور
۲. بازسازی گفتمان هویتی برای پاسخگویی به نیازهای نوین جامعه ایرانی-اسلامی
 - حمایت از نویسندگان و هنرمندان سینما برای تولید محتوا مبتنی بر عناصر هویت بخش بومی و مذهبی از طریق اختصاص یارانه ها و حمایت های دولتی به این تولیدات
 - حمایت معنوی دولت از گفتمان سازی در موضوع مهم هویت ایرانی-اسلامی و بررسی و چاره جوئی آثار بلند مدت و کوتاه مدت آسیب های هویتی در کشور
۳. نمایش عدم تضاد هویت اسلامی ایرانی با عناصر مشترک هویت های گوناگون در جامعه
۴. افزایش تعامل و هم اندیشی میان حوزه، دانشگاه و رسانه برای رونق فعالیت های مرتبط با تقویت هویت اسلامی- ایرانی





۵-۲-۴- مدیریت معضل حاشیه نشینی

براساس آمار اعلام شده از سوی رییس سازمان بهزیستی، جمعیت حاشیه نشین در ایران بالغ بر ۱۲ میلیون نفر تخمین زده شده است. استان های خراسان رضوی، خوزستان، البرز، تهران، فارس، آذربایجان شرقی و اصفهان در صدر لیست حاشیه نشینی قرار دارند و بیش از نیمی از حاشیه نشینان در این استان ها سکونت دارند. این آمار به وضوح نشان می دهد که این مشکل بزرگ نه به خاطر مساله تنظیم جمعیت بلکه به خاطر موج فراگیر مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر کشور پدید آمده است. کارشناسان علت اصلی مهاجرت را در بیکاری و جستجوی فرصت های پیشرفت در کلانشهرها می بینند.

اهداف

۱. احیای حق زیست بهتر طبقات حاشیه نشین
۲. متوقف کردن رشد جمعیت حاشیه نشین در سطح کشور با الویت ۵ استان اول حاشیه نشین پذیر
۳. افزایش خدمات آموزشی و بهداشتی به مناطق حاشیه نشین
۴. تهیه برنامه آمایشی برای ایجاد اشتغال در سطح کشور به منظور ایجاد پراکندگی مطلوب فرصت های اشتغال

راهکارها

۱. بهسازی فضاهای حاشیه نشین از طریق رسمیت بخشیدن به مالکیت حاشیه نشین و تأکید بر خودیاری ساکنین در بهسازی و نیز پرداخت تسهیلات دراز مدت و اخذ طولانی مدت هزینه های بهسازی
۲. نوسازی فضاهای حاشیه نشین (در صورت عدم بهسازی):
الف: استفاده از مساعدتهای دولت با تأکید بر خودیاری مردم
ب: استفاده از پتانسیلها و منابع مالی بخش خصوصی جهت بلندمرتبه سازی
۳. ایجاد زمینه های لازم برای بازگشت افراد به وطن اصلی که از دیگر مناطق کشور به محل سکونت فعلیشان مهاجرت کرده اند از طریق تأمین مسکن افراد از طریق ساخت مسکن یا پرداخت وامهای بلندمدت با بهره
۴. تغییر نگاه و رویکرد مدیران به موضوع حاشیه نشینی و توجه جدی به روش های علمی برای حل این مساله

۵-۲-۵- مدیریت پدیده اعتیاد

اعتیاد هم خود ویرانگر است و هم عوارض و آثار ویرانگری دارد. بسیاری از آسیبهای اجتماعی مانند کاهش سلامت روانی جامعه، طلاق ها و جرم ناشی از اعتیاد است. بخش مهمی از کودکان خیابانی و حدود ۵۵ درصد از زندانیان در ارتباط مستقیم با اعتیاد و مواد مخدرند. سالانه حدود ۷۰ هزار کودک از مادرانی متولد می شوند که به مواد مخدر اعتیاد دارند. در میان زنان مبتلا به اعتیاد، بالای ۲۰ درصد آنها مبتلا به ایدز هستند. در این میان آن چیزی که نگران کننده تر است تغییر الگوی مصرف مواد از سنتی به صنعتی و روانگردان هاست. هم اکنون بالغ بر ۲۵٪ از معتادان کشور به مواد صنعتی و روانگردان ها اعتیاد پیدا کرده اند.

اهداف

۱. کاهش معتادان
۲. افزایش ۵ تا ۱۰ درصدی آمار تثبیت شدگان ترک اعتیاد

۳. افزایش آگاهی اجتماعی از آثار و تبعات اعتیاد
۴. پیشگیری از بروز عوامل منجر به اعتیاد مانند بیکاری، فقر و ...
۵. ترویج ورزش و ایجاد تفریحات سالم برای جوانان

راهکارها:

۱. تدوین و اجرای «برنامه ملی حفاظت از فرزندان»
۲. گسترش آموزشهای شهروندی در باب مخاطرات اعتیاد و بسط آگاهی ملی در باب اعتیاد
۳. مبارزه قاطع، گسترده و مستمر با عرضه و ایجاد مانع در دسترسی به مواد مخدر
۴. کاهش اصولی فشارهای نامتعارف تحصیلی بر نوجوانان و جوانان
۵. افزایش اشتغال پایدار و کاهش بیکاری در جامعه
۶. خانواده درمانی و توجه اساسی به نقش آموزش خانواده‌ها در پیشگیری و کاهش معضل اعتیاد.
۷. حمایت درست مدرسه و جامعه از نوجوانان و جوانان
۸. تقویت دیپلماسی منطقه ای و بین المللی در زمینه مبارزه با مواد مخدر سنتی و صنعتی و در صورت عدم همکاری مناسب بین المللی تجدید نظر در جلوگیری از ترانزیت مواد مخدر به غرب

۵-۲-۶- اصلاح وضعیت بزهکاری

رشد جمعیت زندانیان در کشور دارای پیامدهای مختلفی از جمله «رشد خانواده های بی سامان و افزایش عسرو هرج در میان آنها، مستعد شدن فرزندان این خانواده ها به انجام بزه و اعمال خشونت، رشد حس انتقام جویی در جامعه، افول عفت عمومی و فزاینده‌ی بار مالی هزینه های انتظامی و قضایی در جامعه» می باشد.

اهداف

۱. مبارزه ریشه ای با افزایش تعداد زندانیان و بزه کاران از طریق رونق تولید، ایجاد اشتغال پایدار و کنترل تورم
۲. حمایت مسولانه و هدفمند از زندانیان متنبه آزاد شده
۳. جایگزینی و ترویج رویکرد پیشگیری در آسیب های اجتماعی خصوصا معضل بزهکاری

راهکارها:

۱. تأکید بر رونق تولید و ایجاد اشتغال به عنوان راهکار مهم پیشگیری از ارتکاب جرم، کاهش آسیبهای اجتماعی و بازگشت محکومین به جامعه
۲. کاهش هدفمند جمعیت کیفری از طریق ایجاد سیستم حمایت از محکومین پس از آزادی از زندان و تسهیل زمینه بازگشت آنها به زندگی شرافتمندانه
۳. حمایت از رسیدگی به امور خانواده های زندانیان و جلوگیری از عسرو حرج این قشر آسیب پذیر
۴. مداخله در وضعیت پیش از جرم و کاهش انگیزه های مجرمانه
۵. ایجاد هماهنگی میان بخش های عمومی و خصوصی که در زمینه پیش گیری از وقوع جرم فعالیت دارند؛ به منظور اجرای برنامه عملی پیش گیرانه و هماهنگی بیش تر
۶. حل تدریجی معضل حاشیه نشینی به عنوان یکی از بسترهای شکل گیری بزه
۷. فرهنگ سازی و آموزش های عمومی مسائل حقوقی و ایجاد زیرساخت های لازم





عزت، اقتدار و دیپلماسی اقتصادی
برنامه عملیاتی سیاست خارجی تا سال ۱۴۰۰





بازی «برد-باخت» برای ملت ما رقم زده است؛ ما این مسیر را به نفع مردمان باز می‌گردانیم.

۷. نحوه اجرا و پیشبرد برجام تحمیل شدنی و حقوق مردم ایران خوردنی نیست.

۸. دوران واگذاری امتیازات یکجانبه از جیب مردم ایران به بیگانه برای حفظ بقای سیاسی دیری نمی‌پاید و خیلی زود به پایان خط می‌رسد، چراکه این مسیر با ماهیت ظلم ستیز انقلاب اسلامی و روح عزت‌خواه ملت ایران در تعارض است.

۶-۲- نفوذ منطقه‌ای ایران

قدرت و نفوذ منطقه‌ای ایران آئینه انقلاب اسلامی و روح عزت‌خواه و عدالت طلب مردم ما است که بر پیوندهای قوی و ارزش‌های مشترک معنوی، فرهنگی و دینی ملت‌های منطقه استوار است. این نفوذ معنوی و سیاسی امنیت ملی و روح دوستی و مودت را در منطقه اسلامی ما حفظ و تقویت نموده و بویژه از سوی ملت‌های زخم‌دیده از خنجر تروریسم صهیونی و به ظاهر تکفیری همواره مورد استقبال قرار گرفته است.

۱. نفوذ منطقه‌ای ایران ضامن امنیت و رفاه کشور و مردم ما بوده و فداکاری‌های فرزندان این ملت در آن سوی مرزها برای آسایش امروز و فردای این سرزمین است.

۲. قدرت‌بازداری ایران (اعم از موشکی) قابل مذاکره نیست.

۳. صلح، ثبات و هم‌زیستی پایدار در منطقه ما در سایه انسجام ملت و قدرت نیروهای مسلح ما بدست می‌آید.

۴. سالهای قبل از برجام، این دستاوردهای بزرگ دفاع هشت ساله بود که با قدرت‌بازداری و حضور مؤثر منطقه‌ای خود از تهدیدات خارجی اعتبارزدایی کرد و آمریکا و غرب را سرعقل و میز مذاکره آورد.

۵. این حضور مردم و قدرت و نفوذ ثبات‌ساز ایران در منطقه بوده که سالهاست سایه جنگ را از سر ملت ایران برداشته و دشمن را از قلمروهای ما دور نگه داشته است؛ اکنون این گسترش نفوذ معنوی و سیاسی همیاری جویانه در منطقه است که صلح و ثبات را در مقابل هجمه بی‌امان غرب و صهیونیسم همچنان حفظ کرده است.

۶. نفوذ و حضور منطقه‌ای ایران مهمترین عامل درهم‌کوبی تروریسم تکفیری و آزادسازی سرنوشت‌ساز شهرهای بزرگی همچون حلب و موصل بوده که همواره مورد استقبال و حمایت همسایگان و ملت‌های منطقه بوده است.

۷. توانمندی‌های اساسی منطقه‌ای ایران در نقش ظرفیتی برای همکاری‌ها و ترتیبات دسته‌جمعی امنیت منطقه‌ای است، در عین حال در مقابل دشمنی‌های راهبردی و ائتلاف‌سازی‌های خصومت‌آمیز سدی نفوذناپذیر است.

۸. ما هر دست دوستی برای همکاری‌های منطقه‌ای و امنیت دسته‌جمعی را به گرمی می‌فشاریم و در راستای صلح و ثبات منطقه‌ای از آن استقبال می‌کنیم.

۶-۳- دیپلماسی اقتصادی

برخورداری از یک دیپلماسی فعال و پویا ضرورت حل مشکلات اقتصادی داخلی است. دیپلماسی اقتصادی با تحرک بخشیدن هدفمند به مراودات و مناسبات متوازن و متناسب با همه کشورهای برخوردار از ظرفیت های فنی، تجاری، اقتصادی و علمی باید بتواند به عنوان یک بازوی اقتصاد مقاومتی تولید محور با هدف رشد صادرات ملی بویژه از جانب بخش خصوصی و مردمی عمل کند. اولویت بخشی به کشورهای همسایه و در حوزه پیرامونی بویژه در آسیا از ضروریات فعال سازی بخش اقتصادی کشور و حرکت همه جانبه برای خروج از رکود، بیکاری و تورم است. ایجاد توازن در مناسبات اقتصادی و تجاری با اروپا و آسیا بویژه روابط با قطبهای آسیایی مثل کره، ژاپن، چین، روسیه و هند بسیار مهم اند.

۱. فقدان دستور کار اقتصادی مشخص و منسجم دولت در سالهای اخیر برای حل مشکلات مردم، سیاست خارجی و روابط اقتصادی خارجی را نیز عملاً در خلا رها کرده و روابطی نامتوازن و نامتناسب را برای کشور رقم زده است.
۲. فقدان برنامه عمل اقتصادی و یک دیپلماسی اقتصادی فعال عملاً زمینه را برای جنگ اقتصادی مالی آمریکا و شرکایش علیه مردم ایران و زندگی روزانه آنها بازگذاشته و همزمان عملیات نفوذ دشمن را تشدید کرده است.
۳. در حال حاضر ظرفیت های اقتصادی و تجاری بسیاری با کشورهای گوناگون مغفول مانده و مناسبات اقتصادی ایران با بخش های مختلف جهان نامتوازن و یکسویه رها شده است.
۴. ظرفیت همکاری های اقتصادی و تجاری با همسایگان مان در منطقه نه تنها عاملی برای تثبیت صلح و ثبات جمعی است بلکه در جهت رفع رکود، بیکاری و تورم داخلی و بهبود معیشت و کسب و کار مردم نقش مهمی ایفا می کند.
۵. ما با گسترش همکاری های اقتصادی و تجاری متقابلاً سودمند با قدرت های اقتصادی آسیایی، روابط اقتصادی کشور را از حالت یکسویه، تحمیلی و پنهان کار (قراردادهای محرمانه) که عمدتاً به سود طرف های خارجی است بیرون می آوریم.
۶. دیپلماسی فعال اقتصادی لازمه یک اقتصاد مقاومتی، تولید محور و صادراتی است که می تواند و باید مزیت های نسبی ایران را نقد کند.
۷. موافقتنامه های اقتصادی تجاری ترجیحی خصوصاً با همسایگان و با کشورهای آسیایی، آمریکای لاتین و آفریقایی برای شرایط کنونی ما فرصت آفرین است و سدی در برابر جنگ اقتصادی و تحریم های فعلی و آتی آمریکا و شرکا علیه ایران است.
۸. فقدان دیپلماسی اقتصادی، غفلت از کار با خیل عظیم بازیگران و ائتلاف وقت کشور با دلمشغولی های کاذب برجام عامل روابط خارجی نامتوازن موجود و تشدید کننده بسیاری از مشکلات مضمن معیشتی و رفاهی است که در حال حاضر مردم ما با آن دست و پنجه نرم می کنند.





۶-۴- مناسبات هدفمند خارجی

ارتباطات و مراودات هدفمند با همه قدرت های بزرگ و کوچک لازمه یک دیپلماسی با دستاوردهای محسوس و فراگیر است. پیشبرد گفتگوهای مستمر با همه بازیگران منطقه ای و جهانی جهت پیشگیری از خطرات، تهدیدات و بهره جویی از فرصت ها و ایجاد شرایط مغتنمی که از طریق اقدامات پیشگیرانه و پیش دستانه راهبرد محور بتواند امنیت و منافع ملی و حقوق و رفاه شهروندان ما را بیش از پیش تامین کند نیاز امروز و فردای سیاست خارجی کشور است.

همکاری نزدیک و متقابل سودمند با همه همسایگان و بسترسازی دراز مدت برای آن با هدف حفظ دستاوردها و تعمیق صلح و ثبات منطقه ای اولویت اول است. ارتباطات هدفمند خارجی در کلیه سطوح کاری با کشورها که برجام و تعامل سازنده با غرب نتوانست انجام دهد و نتیجه معکوس به بار آورد، می تواند ضمن تامین منافع ایران در جهت برخورد با ایران هراسی و اسلام هراسی به نفع مؤثری عمل کند.

در مناسبات هدفمند خارجی هیچ کشوری چه کوچک و چه بزرگ نباید و نمی تواند از جدول محاسباتی ما خارج شود و هرکدام دارای سهمی به تناسب از کنش و واکنش متقابل سودمند است.

۱. سیاست خارجی بدون راهبرد و بدون شناخت از ماهیت سیاست بین الملل سیال کنونی ما را به متغیری از اقدامات و سیاست های دیگران مبدل کرده و در وضعیت انفعال، واکنش و اغلب سکوت کشانده تا تنها سیمای مبادی آداب بودنمان را به هزینه همه مردم ایران حفظ کنیم.

۲. صرف تماس، گفتگو و لبخند را نمی توان بدون درک شرایط متحول زیست بین المللی و تبعیت از یک استراتژی هدفدار ملی دیپلماسی کارآمد به حساب آورد؛ دیپلماسی کارآمد با دستاوردهای محسوس آن برای همگان شناخته می شود.

۳. ما ضمن حفظ روابطمان با اروپا و مجموعه غرب همزمان آن را با گسترش همه جانبه روابط مان با سایر کشورها و قدرت های متوازن و فعال خواهیم ساخت.

۴. اولویت راهبردی ما کار و مراوده با همسایگان و کشورهای دوست خواهد بود، ما ظرفیت های همسایگی را در یکی از راهبردی ترین مناطق جهان از نواحیا می کنیم، این رویکرد هم امنیت و هم منافع اقتصادی و تجاری ایران را به نفع مؤثرتری تامین خواهد کرد.

۵. ارتباطات خارجی ما نه تاثیرپذیر از دستور کار و تبلیغات دیگران که مبتنی بر اولویت منافع اقتصادی و امنیتی ایران خواهد بود.

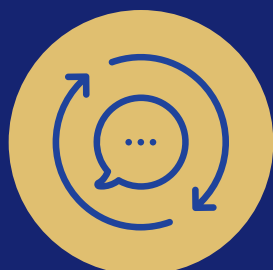
۶. تعاملات سیاسی و همپوشانی و هم افزایی ظرفیت های اقتصادی تجاری با مجموعه ها و بلوک های اقتصادی منطقه ای و آسیایی آنهم در شرایط انتقال مراکز تصمیم گیری جهانی از غرب به شرق را با جدیت و با هدف ارتقاء منافع ملی دنبال می کنیم.

۷. روابط خارجی ایران را با هدف رفع گرایشات ایران هراسی و اسلام هراسی که توطئه مشترک صهیونیسم و غرب افراطی است را از نو باز



تعریف می‌کنیم. دورانی که کشورها موضع تخصص راهبردی علیه ایران اتخاذ کنند و یا به فضای ایران هراسی و اسلام هراسی به طور مستقیم و غیرمستقیم دامن بزنند و همزمان از منافع ناشی از تعاملات اقتصادی با ایران بهره‌مند شوند به سرآمده است؛ جمهوری اسلامی ایران دیگر کشوری برای سواری رایگان دیگران نخواهد شد.





حضور مردم، دولت «کار و کرامت» پاسخگو
برنامه ارتقای سیاست داخلی کشور





۷ برنامه ارتقای سیاست داخلی کشور

در حوزه سیاست داخلی، «وحدت کلمه» رمز اقتدار جمهوری اسلامی و ضرورت همیشگی حیات انقلاب اسلامی است. همدلی بین همه مقامات، دین حداقلی آنها در پاسخ به اعتماد مردم، زمینه ساز بهره‌مندی از خرد جمعی حکومتگران، نشانه احترام به حقوق همه شهروندان ایرانی در داخل و خارج از کشور بوده، فراهم کننده انسجام ملی و بسیج و هماهنگی همه توانمندیهای سرمایه‌های انسانی کشور می‌باشد که زمینه ایجاد شکافهای سیاسی و اجتماعی را از بین برده راه‌های رخنه دشمنان به صفوف ملت مسدود می‌کند. در این مسیر، اداره امور اجرایی کشور بر مبنای فهم و اقدام در همه عرصه‌های مدیریتی کشور با دیدگاهی اعتقادی و شناخت و عمل به تکلیف می‌باشد. فهم و باور به جایگاه رفیع ولایت فقیه حلقه اول نگاه «معنویت محور» به مدیریت کشور می‌باشد. این نگاه، حصار تنگ و منابع ناکافی مدیریت «مادیت محور» را شکسته زمینه را برای ارتقاء فرهنگ مدیریتی کشور و انتقال آن تا آحاد مردم فراهم می‌کند. ارزش ایمان، ساده زیستی، صبر و مقاومت، قناعت و پرهیز از تفاخر و تکاثر را برجسته‌تر کرده، خلاقیت، تولید همه جانبه و بهره‌وری را افزایش داده و اسراف و هزینه‌های ملی را نقصان می‌بخشد. لذا در این زمینه نهادینه کردن رابطه با مردم از نقش به سزائی برخوردار است.

راهکارها:

- در این حوزه راهکارها عبارت خواهند بود از:

 ۱. حفظ و دفاع از دستاوردهای ج.ا.ا. در دفاع از حقوق ملت و آزادی‌های فردی
 ۲. انسجام ملی براساس همدلی بین مقامات قوا، استفاده از خرد جمعی، احترام به حقوق همه شهروندان ایرانی و مقابله با ایجاد شکافهای سیاسی و اجتماعی
 ۳. قانون‌مداری و مشارکت فعال در تهیه قوانین و مقررات خوب برای تحقق اهداف و اسناد فرادستی کشور
 ۴. اداره معنویت محور امور اجرایی کشور و ارتقاء شاخصه‌های اقتدار ملی
 ۵. نهادینه کردن رابطه مستقیم مردم مقامات در همه نقاط کشور به عنوان یک ساز و کار مهم نقش‌آفرینی مردم در تصمیم‌سازی دولت
 ۶. استفاده از ظرفیت پایان‌ناپذیر ملت برای تصدی مسئولیتهای کلیدی دولتی براساس شایسته‌سالاری و بدون هرگونه تبعیض و انحصار
 ۷. ایجاد فضای وحدت ملی و نشاط در جامعه
 ۸. ایجاد امنیت روحی و روانی در ابعاد مختلف جامعه
 ۹. کاهش هزینه‌های دولت و پشتیبانی از شاخص‌های کلان کشور، استانی و شهرستان تا روستا
 ۱۰. ایجاد شرایط مناسب برای فعالیت احزاب، رسانه‌ها و رسانه ملی در جهت شفافیت عملکردها



دولت شفاف، تحول‌گرا و مردمی

برنامه عملیاتی اداری مدیریتی کشور تا سال ۱۴۰۰



۸ برنامه عملیاتی اداری مدیریتی کشور تا سال ۱۴۰۰

در عصر حاضر، نظام‌هایی موفق و کارآمد محسوب می‌شوند که علاوه بر هماهنگی با تحولات جامعه امروزی، بتوانند مسیر تغییرات و دگرگونی‌ها را نیز در آینده پیش بینی کرده و قادر باشند که این تغییرات را در جهت ایجاد تحولات مطلوب بر اساس ارزشهای فرهنگی و معنوی ناب، برای ساختن آینده بهتر جهان هدایت کنند. در این راستا فعالیت جوامع بشری تا حد زیادی به سطح و نوع انگیزه‌های آحاد تشکیل دهنده آنها بستگی دارد. البته، باید سیستم‌های کلان جامعه از چنین فرایندی حمایت کنند. با این ترتیب، میزان و نوع فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی در جامعه و توسعه و پیشرفت آن، علاوه بر عملکرد هریک از افراد آن جامعه به وضعیت سیستم‌های کلان جامعه نیز بستگی دارد. تجربیات چهل ساله کشور نشان می‌دهد که اقتدار ملی کشور منوط به درونی شدن فرهنگ انقلاب اسلامی در تمامی سیستم‌های ماست. اگر در همه عرصه‌ها، از روابط بین الملل گرفته تا در عرصه کشاورزی، صنعت، سیاست، دانش و در همه عرصه‌های مدیریتی کشور دل به فرهنگ امام خمینی بسپاریم، از هم اکنون باید بدانیم که پیروزم و زمانی فرا خواهد رسید که با تاسی به روحیه و فرهنگ جهادی و در تمام جهان، کشور نمونه و الگو شویم.

راهکارها

۱. برای رشد، توسعه و بالندگی کشور باید الگوهای مدیریتی تغییر یافته و به سمتی حرکت نماید که توان اعتمادسازی و ایجاد انگیزه کار و تلاش را در بین مسئولین و مردم فراهم سازد. براین اساس، راهکارهای اصلاح نظام اداری و مدیریتی کشور عبارت خواهند بود از:
۲. دفاع از آرمانهای انقلاب اسلامی حول محور ولایت فقیه با روحیه، فرهنگ و مدیریت جهادی
۳. تقویت ارتباط مسئولین بویژه مدیران عالی کشور با مردم
۴. خدمت رسانی، پرکاری، مردم داری و ایجاد نظام پاسخگویی به مردم
۵. تنقیح مقررات و آئین نامه های دولت و ایجاد ثبات و هماهنگی در آنها برای چابک سازی و افزایش کارآمدی
۶. اهمیت به حضور مردم و نقش دادن به نخبگان، صاحب نظران و تشکل های صنفی در جهت کاهش تصدی گری و ارتقاء بهره وری
۷. ترویج مدیریت تحول گرا با روحیه جهادی و استفاده از فناوریهای نوین با نگرش سیستمی
۸. حذف اشرافیت دولتی از تمامی سطوح دولت
۹. تمرکززدائی و تفویض اختیار برای سرعت بخشیدن به حل مشکلات مردم
۱۰. استفاده از تمامی ظرفیت های مردمی در ارائه خدمات دولتی بر اساس شایسته سالاری و حذف باند و رابطه فامیلی



۱۱. تقویت جایگاه مدیریت روستایی در استانها و شهرستانها
۱۲. ارتقاء نظام مدیریتی و نظارتی کشور با تاکید بر خلاقیت، بهره‌وری و نگاه سیستمی با استفاده از روشهای اسلامی
۱۳. ایجاد سازوکارهای کشف و پرورش قابلیت های مدیریتی در جوانان براساس راهبرد مدیریت جوان‌گرا، آینده‌نگر و پیرانرژی
۱۴. آگاهی بخشی نسبت به حقوق و تکالیف متقابل مردم و نظام اداری
۱۵. شفافیت کامل در عملکرد دولت و توسعه دولت الکترونیکی



ایران، تهران، میدان فردوسی
خیابان شهید قرنی، کوچه ایوان



☎ ۰۲۱۸۸۳۴۵۱۶۱

🌐 www.raisi.ir

📧 raisi_org

📷 [raisi_org](https://www.instagram.com/raisi_org)

📺 [www.aparat.com /raisi.ir](http://www.aparat.com/raisi.ir)

